۳ تبیین تبصره (۹) قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل

۶ وضعیت بازارچه‌های مرزی ایران و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی

۱۲ جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی

۱۹ بهشت‌های مالیاتی در جهان

ایران می‌تواند قلّه تمدّن اسلامی قرار بگیرد. مسئولین باید تلاش کنند. هرکس مسئول است حقّ آن مسئولیّت را اداء کند و تلاش لازم را انجام بدهد.

(بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگران به مناسبت هفته کارگر-۱۳۹۵/۲/۸)

آینه بازرسی ۷۷

نشریه داخلی سازمان بازرسی کل کشور ● سال هفتم ● اردیبهشت ۹۵

دیدار رییس سازمان بازرسی کل کشور با وزیر نظارت چین

ناصر سراج که در رأس هیئتی به‌منظور شرکت در نهمین اجلاس سالیانه و مجمع عمومی انجمن بین‌المللی مسئولین مبارزه با فساد وارد پکن پایتخت چین شده بود، روز دوشنبه بیستم اردیبهشت با هوانگ شوشیان وزیر نظارت چین دیدار کرد و با وی در خصوص مباحث مختلف همکاری‌ها به گفت‌وگو پرداخت.

نهمین اجلاس سالیانه و مجمع عمومی انجمن بین‌المللی مسئولان مبارزه با فساد طی روزهای چهارشنبه الی جمعه (۲۲الی ۲۴ اردیبهشت) با حضور مقامات مبارزه با فساد و روسای دستگاه‌های نظارت و بازرسی بیش از ۱۰۰ کشور در شهر تیانجین چین برگزار شد. اجرای تفاهم‌نامه امضاءشده میان دو کشور، تعامل و افزایش همکاری در خصوص استرداد مجرمین و بازگرداندن مفسدان مالی پناهنده شده ازجمله مباحث این دیدار بود.

شعبان ماه فرصت‌ها

ماه شعبان ماهی است منسوب به پیامبر بزرگوار که فرمودند: شعبان ماه من است و رمضان ماه امت من.

ماه شعبان یکی از سه ماه پرفضیلتی است که هر انسان مؤمنی می‌تواند از آن برای نزدیک شدن به خداوند و پیامبر یاری جوید و خود را در چشمه‌سار این ماه، پاک نماید و به‌سوی کمال رود.

ازجمله فضایل این ماه می‌توان به مولودهای مبارک اشاره کرد. سوم شعبان روز میلاد حضرت امام حسین (علیه‌السلام) و چهارم میلاد حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) و پنجم شعبان میلاد پربرکت امام سجاد (علیه‌السلام).

نیمه شعبان نیز شب و روزی است که به‌راستی شأن و شرافت و قدر و منزلت بسیار بالایی دارد و روز میلاد حضرت امام زمان (عج) است.

شعبان ماه عبادت، دعا و ماه گشوده شدن درهای رحمت حق بر بندگان است.

باید از فرصت‌ها استفاده کرد. با تمرین تقوا و انس با قرآن به خودسازی بپردازیم و با ذخیره‌ای که از این ماه می‌گیریم، مناجات پر مضمون را با نفس حقیقی بخوانیم. می‌توان با تهذیب نفس و خودسازی، اعتقادات و باورهای دینی خود را تقویت نماییم.

بیاییم در این ماه عظیم با خود تعهد کنیم که مراقب زبان خود باشیم، از دروغ، غیبت، تهمت، سخنان لغو و بیهوده، تنبلی، بداخلاقی، سخن‌چینی و.. . که موجب دوری از خدا و از بین بردن ارزش و ثواب عبادت می‌شود، اجتناب کنیم تا ترک معاصی، ملکه وجودی ما شود. استغفار و پاک شدن از گناهان موجب خواهد شد از فضیلت‌های ماه مبارک رمضان بهتر بهره‌مند شویم. شعبان مقدمه‌ای است برای رسیدن به ماه مبارک رمضان.

ایثار سخت است، چه مادی و چه معنوی. هرکس نمی‌تواند ایثارگر باشد. مگر در مکتب علی و عباس حاضر بوده باشد و از برکت آنان سیراب شده باشد.

در حال و هوای ولادت باسعادت حضرت ابوالفضل العباس (س)

معبری می‌زنیم به عمق روزهای پرخاطره ایثار

عبدالعلی زارعیان جهرمی
مسئول امور ایثارگران سازمان

در باب ایثار گفته‌اند، یعنی نثار، نثار هر چیز اعم از مادی و معنوی به دو شرط: در عین نیاز و باانگیزه عشق به عالم ساز.

در مورد شرط اول قرآن کریم می‌فرماید: «ویوثرون علی انفسهم و لو کانوا بهم خصاصه» ایثار می‌کنند بر نفس‌هایشان و لو به آن نیاز داشته باشند.

در سوره مبارکه دهر خداوند به شرط دوم این‌چنین اشاره می‌دارد. «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيماً وَأَسِيراً ، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاء وَلَا شُكُوراً ». به نیازمندان طعام می‌دهند، صرفاً به خاطر خدا و رضای او و بدون توقع و درخواست هیچ پاداش یا چشم‌داشتی از کسی.

در تاریخ می‌توان به دو نمونه کامل ایثار برخورد کرد. یک‌بار درجایی که علی (ع)، به‌جای پیامبر در بستر خوابید. بار دیگر، آن هنگام بود که عباس (س) بر شریعه فرات وارد شد و آب را به دهان نزدیک کرد، ولی ایثار و جوانمردی، اجازه نوشیدن آب را به او نداد.

ایثار سخت است، چه مادی و چه معنوی. هرکس نمی‌تواند ایثارگر باشد. مگر در مکتب علی و عباس حاضر بوده باشد و از برکت آنان سیراب شده باشد.

در سال‌ها پیش جنگی رخ داد. یک‌طرف آن شروری بود که از انسانیت هیچ بویی نبرده بود. طرف دیگر تعدادی جوان عاشق به علی (ع)، حسین (ع) و عباس (ع). این بچه‌ها از هنگام تولد در بغل مادران خود روضه عباس شنیده بودند و اشک‌های مادرانشان که همواره در سوگ جوانمرد کربلا می‌گریستند، بر گونه‌های خود احساس کرده بودند. این قطرات اشک در رگ و بر پوست آنان جاری‌شده بود و همه‌ی آن‌ها عباسی شده بودند. هنگامی‌که آن شرور با سپاه تا دندان مسلح خود به سرزمین این بچه‌ها که عده‌ای از آن‌ها جوان و نوجوان شده بودند، حمله کرد، شور عباسی‌شان به جوش آمد. سرازیر به جبهه‌ها شدند و خاطراتی به‌جا گذاشتند که گویا عباس سوار بر اسب در کربلا می‌رزمد و می‌خروشد. عده‌ای از آنان به تبعیت از امامشان در کربلای این سرزمین شهید شدند وعده‌ای نیز به اسارت رفتند وعده‌ای هم مجروح شدند. اینان در قبال ایثارشان چیزی نمی‌خواستند؛ جز رضای حضرت حق.

به موجب اصل ۱۴۱ قانون اساسی «رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند»

تبیین تبصره (۹) قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل

عبدالعلی زارعیان جهرمی

در اصل دوم[1] قانون اساسی، اهدافی برای جمهوری اسلامی ایران تعیین شده و در اصل سوم[2] برای نیل به آن اهداف، دولت را موظف شده است همه امکانات خود را برای امور مختلف از جمله: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی» و «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» به کار گیرد.

به طوری که ملاحظه می شود؛ داشتن شغل به عنوان حق اولیه همه احاد ملت مورد پذیرش و تاکید قانون گذار قرار گرفته است. مسلماً اجرای این تکالیف مستلزم رفع تبعیضاتی بوده که ممکن است از سوی ماموران صاحب قدرت و نفوذ در دستگاه‌های دولتی اعمال شود. بر همین اساس قانون گذار مبادرت به وضع اصل (۱۴۱) قانون اساسی نمود. به موجب این اصل؛ « رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند» و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع شد. در این اصل فقط سمت‌ای آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی از حکم ممنوعیت مستثنی گردید.

در سال ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی به منظور اجرایی نمودن اصل یادشده، قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مشتمل بر یک ماده واحده و ۹ تبصره به تصویب رساند. در این قانون ضمن ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی در دستگاه‌های دولتی، در تبصره (۴)، تصدی هر شغل دیگر برای کارکنان دولت در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به موسسات عمومی است، ممنوع شد. در تکمله این موضوع (در تبصره (۹) قانون)، کلیه سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌نمایند و شرکت‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و موسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است را مشمول آن قانون دانست. در شمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، بر شرکت‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و موسساتی که شمول قانون بر آن ها مستلزم ذکر نام است، ابهام وجود ندارد. چرا که مشاغل این تاسیسات حقوقی، شغل دولتی تلقی می‌شود، نگرش‌های متفاوت در شمول سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌هایی می‌باشد که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌نمایند.

در مورد این که چرا قانون‌گذار اساسی دامنه اصل (۱۴۱) را توسعه داده، باید استدلال شود، مطابق اصل (۷۱) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل می‌تواند وضع قانون کند. بنابراین توسعه محدودیت‌ها مصرح در اصل (۱۴۱) قانون اساسی با اصول قانون مذکور در تعارض نبوده، کما این که شورای محترم نگهبان، قانون وضع شده مجلس شورای اسلامی را خلاف قانون اساسی ندانسته است.

اما در مورد این موضوع که؛ کلیه سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌نمایند، شامل چه سازمان‌هایی است، با توجه به این که برای دو عبارت قسمت صدر تبصره (یعنی «سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها» و «بودجه عمومی»)، تعریفی در قوانین ملاحظه نمی‌شود، در این مکتوبه در صدد هستیم این عبارات تبیین می شود.

۱. عبارت سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها

۱-۱. در تعریف «سازمان» مرحوم دکتر لنگرودی[3] آورده است؛ «الف) گروه یا چند نفر از افراد انسان که یک هدف اجتماعی را تعقیب می‌کنند و برای وصول به آن هدف تابع

مقنن در صدد بوده که ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل را (علاوه بر کارکنان دولت) به کارکنان بخش‌های عمومی غیر دولتی که بودجه آنها جزء بودجه عمومی محسوب می‌شود، تسری دهد.

یک رشته قوانین امری هستند ... ب) تشکیلات اداری یک موسسه رسمی و غیر رسمی ...»

با لحاظ بند دوم تعریف مذکور می‌بینیم، مقنن در بند (ت) ماده (۱) قانون استخدام کشوری[۴] و ماده (۱) قانون مدیریت خدمات کشوری، در مقام تعریف «وزارت‌خانه» این چنین می‌گوید: «وزارت‌خانه واحد سازمانی مشخص است که ...» و یا در ماده (۲) قانون مذکور آمده است: «سازمان‌ها و مستخدمین مشروح زیر از نظر استخدامی تابع مقررات خاص خود هستند» و یا در مواد (۲) و (۳) قانون مدیریت خدمات کشوری[۵]، قانون‌گذار در مقام تعریف «موسسه دولتی» و «موسسه و نهاد عمومی غیر دولتی» آن‌ها را واحد سازمانی مشخص می‌داند. از عبارات فوق به طور کلی چنین استنباط می‌شود که: سازمان یک تاسیس حقوقی است و می‌تواند دارای ماهیت عمومی یا خصوصی باشد و بر آن‌ها عناوین مختلفی (از جمله: وزارت‌خانه، موسسه، سازمان، بنیاد، ...) بار شود. به عبارت دیگر باید گفت: مراد قانون‌گذار از به کار بردن عبارت «سازمان» در تبصره (۹) قانون مورد بحث، مفهوم عام آن بوده است.

۲-۱. منظور از «نهاد» مطابق «فرهنگ‌نامه نهادهای انقلاب اسلامی»، به سازمان‌ها و بنیادهایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب ایجاد شد، «نهادها» گفته می‌شود.

به عبارت دیگر اصطلاح «نهاد» بعد از انقلاب اسلامی وارد ادبیات حقوق اداری کشور شد. اغلب نهادها پس از تأسیس، زیر نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی یا مقام ولایت فقیه قرار گرفتند و توسط آن مقام، خط‌مشی‌فعالیت آن‌ها مشخص شد، ولی به مرور و با مشخص‌تر شدن وظایف و مسئولیت‌ها، بعضی از این نهادها درهم یا در ارگان‌های دولتی ادغام گردیدند.

در طول حیات جمهوری اسلامی و بنا به اقتضای زمان، برخی نهادهای دیگر بسته به ضرورت تشکیل شده است. این نهادها به مرور تکمیل، ترمیم، حذف یا زیر نظر یکی از ارگان‌های دولتی قرار گرفتند و به فعالیت پرداختند. مجلس خبرگان رهبری، مجلس خبرگان قانون اساسی، سپاه و... از آن جمله‌اند.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنیاد علوی، بنیاد پانزده خرداد، جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی جوانان، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و نیز کاربردی، نهضت سوادآموزی و... از دیگر نهادها هستند. در کنار این نهادها برخی نهادهای دیگر منحل یا درهم ادغام شده‌اند که از آن جمله می‌توان به انحلال شورای انقلاب اسلامی پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی، ادغام کمیته‌های انقلاب اسلامی در نیروی انتظامی، تبدیل جهاد سازندگی به یک وزارت‌خانه دولتی اشاره کرد.

به طور کلی در معنای عام، «نهاد» گاهی بر کلمهٔ «سازمان» نیز اطلاق می‌شود، اما «نهاد» دارای ویژگی‌های است که در سازمان‌ها و مؤسسات کمتر وجود دارد. (به لحاظ بی‌ارتباطی موضوع با اصل بحث، از پرداختن به این ویژگی‌ها خودداری می‌شود.)

۳-۱. «ارگان» در لغت به معنای عضو و اندام آمده و در اصطلاحات اداری بر عضوی از یک ساختار و تشکیلات حمل شده است.

بنا به آن چه گذشت، باید گفت: این سه اصطلاح مترادف یک دیگر به کار رفته و مراد از آن‌ها در تبصره (۹) قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، تاسیسات حقوقی است که به مثابه یک سازمان اداری فعالیت می‌نمایند.

۲. عبارت بودجه عمومی

هرچند در قوانین تعریفی از «بودجه عمومی» ملاحظه نمی‌شود، ولی به دفعات از این واژه استفاده شده است. از مفهوم واژه «عمومی» این طور به نظر می‌رسد که «بودجه عمومی» در مقابل بودجه اشخاص حقوق خصوص قرار می‌گیرد و مشتمل بر بودجه همه دستگاه‌های عمومی (اعم از: دولتی و غیردولتی) است.

«بودجه عمومی» را نباید مترادف با بودجه کل کشور دانست. چرا که مطابق ماده (۱) قانون محاسبات عمومی، بودجه کل کشور؛ «برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و ... می‌شود و از قسمت‌های زیر تشکیل می‌شود:

۱. بودجه عمومی دولت که شامل اجزاء زیر است:

الف) پیش‌بینی دریافت‌ها و منابع تأمین اعتبار که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در سال مالی قانون بودجه به وسیله دستگاه‌ها از طریق حساب‌های خزانه‌داری کل اخذ می‌گردد.

ب) پیش‌بینی پرداخت‌هایی که از محل درآمدهای عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری عمرانی و اختصاصی دستگاه‌های اجرایی می‌تواند در سال مالی مربوط انجام گردد.

۲. بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها شامل پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار.

۳. بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود.

ماده ۲. وزارت‌خانه واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون به این عنوان شناخته شده و یا بشود.»

به طوری که ملاحظه می‌شود؛ تعریف بودجه کل کشور، در برگیرنده بودجه همه دستگاه‌های عمومی نیست و فی‌المثل بودجه شهرداری‌ها را در بر نمی‌گیرد، در حالی که این دستگاه نمونه بارز دستگاه عمومی تلقی می‌شود.

در هر صورت به نظر می‌رسد قانون‌گذار در تبصره (۹) قانون موصوف، کلیه نهادها و ارگان‌هایی که از «بودجه عمومی» استفاده می‌کنند را مشمول آن قانون دانسته است. این تصریح قانون به معنای آن است که مقنن در صدد بوده که ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل را (علاوه بر کارکنان دولت) به کارکنان بخش‌های عمومی غیر دولتی که بودجه آنها جزء بودجه عمومی محسوب می‌شود، تسری دهد. حتی با برداشت تحت‌اللفظی (این تبصره)، شاید فراتر بتوان گفت؛ مقنن می‌خواسته ممنوعیت را به آن اندازه توسعه دهد که حتی کارکنان دستگاه‌های غیر عمومی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی استفاده می‌کنند (این استفاده حتی یک درصد باشد) را شامل شود.

در شمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، بر شرکت‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و موسساتی که شمول قانون بر آن ها مستلزم ذکر نام است، ابهام وجود ندارد.

منابع:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل
۳. قانون محاسبات عمومی
۴. قانون استخدام کشوری
۵. قانون مدیریت خدمات کشوری
۶. مشروح مذاکرات اعضای شورای محترم تدوین و بازنگری قانون اساسی
۷. ترمینولوژی حقوقی (دکتر جعفری لنگرودی)
۸. فرهنگ‌نامه نهادهای انقلاب اسلامی (نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی)
۹. فرهنگ لغت عمید
۱۰. فرهنگ دهخدا
۱۱. فرهنگ اصطلاحات اداری و بازرگانی (محمد حسن تفیه)

پی‌نوشت:

۱. اصل دوم قانون اساسی تصریح می دارد:
«جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:
۱) خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
۲) وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
۳(معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
۴) عدل خدا در خلقت و تشریع.
۵) امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
۶) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسیولیت او در برابر خدا، که از راه:
• اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،
• استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،
• نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.»

۲. اصل سوم قانون اساسی مقرر می دارد:
«دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:
۱) ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
۲) بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌های با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.
۳) آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
۴) تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
۵) طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
۶) محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
۷) تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
۸) مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
۹) رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
۱۰) ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.
۱۱) تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
۱۲) پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
۱۳) تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
۱۴) تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
۱۵) توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
۱۶) تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.»

۳. ترمینولژی حقوق- صفحه ۲۳۴

۴. بند (ت) ماده (۲) قانون استخدامی کشور عنوان می دارد: «وزارتخانه عبارت از واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون به این عنوان شناخته شده است.»

۵. مواد (۲) و (۳) قانون مدیریت خدمات کشوری تصریح می دارند: «ماده ۱- وزارتخانه : واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد و به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می گردد.
ماده ۲- مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد انجام می‌دهد.»

ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات این امکان را برای دولت فراهم نموده که در هر یک از مناطق مرزی که ایجاد بازارچه مرزی را مفید تشخیص می‌دهد با رعایت اولویت‌هایی نظیر استعداد محلی، ضرورت اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای همسایه نسبت به ایجاد بازارچه اقدام نماید.

وضعیت بازارچه‌های مرزی ایران و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی

محسن استادباقری
سربازرس وزارت کشور

بخش اول
در آمدی بر تاریخچه وفعالیت بازارچه‌های مرزی

۱. سابقه و جایگاه بازارچه‌های مرزی در تجارت کشورهای خارجی

برای ایجاد بازارچه‌ها نمی‌توان مبانی مستقل اقتصادی تعیین نمود، اما می‌توان آن را درچارچوب مدل‌های رشد و هم‌گرایی منطقه‌ای و گسترش تجارت آزاد مورد بررسی قرار داد. برای این که مشاهده شود بازارچه‌های مرزی چه جایگاه و کارکردی دارند اشاره به سابقه تاریخی شکل‌گیری و کارکردهای آن مفید خواهد بود.

در حال حاضر در مرزهای ویتنام با کشورهای همسایه حدود ۱۰ بازارچه مرزی وجود دارد. همچنین یک بازارچه مرزی در مرز هند و تبت قرار دارد. در شاخ افریقا در مرزهای کشور سومالی و اتیوپی و در نزدیکی مرز جیبوتی دو بازارچه مرزی وجود دارد. کارکردی که مسئولین کشورهای مذکور از ایجاد بازارچه‌های مرزی در کشورهای خود انتظار داشته‌اند، گسترش تجارت بوده است. باتوجه به تعداد اندک بازارچه‌های مرزی موجود در جهان، ملاحظه می‌شود که بسیاری از کشورهای جهان برای گسترش تجارت روش‌های مناسب‌تری را به جای ایجاد بازارچه مرزی برگزیده‌اند هدف اصلی از تاسیس بازارچه مرزی ایجاد دریچه‌ای برای صادرات و واردات با موانعی کمتر می‌باشد. بسیاری از کشورها با عضویت درسازمان جهانی تجارت، تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای و مذاکرات دو یا چند جانبه برای برخورداری از تعرفه ترجیحی، گسترش تجارت را به شکل کاراتر دنبال نموده‌اند.

۲. نحوه شکل‌گیری بازارچه‌های مرزی در ایران

اولین بازارچه مرزی کشور در سال ۱۳۶۸ در مرز ایران و ترکیه در نقطه مرزی ساری‌سو ایجاد گردید. اما به طور رسمی بازارچه‌ها از سال ۱۳۷۲ تاسیس شده‌اند. ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات این امکان را برای دولت فراهم نموده که در هر یک از مناطق مرزی که ایجاد بازارچه مرزی را مفید تشخیص می‌دهد با رعایت اولویت‌هایی نظیر استعداد محلی، ضرورت اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای همسایه نسبت به ایجاد بازارچه اقدام نماید.

بر اساس تعاریف مندرج در ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات و ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مبادلات مرزی، بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات مجاز به انجام تشریفات

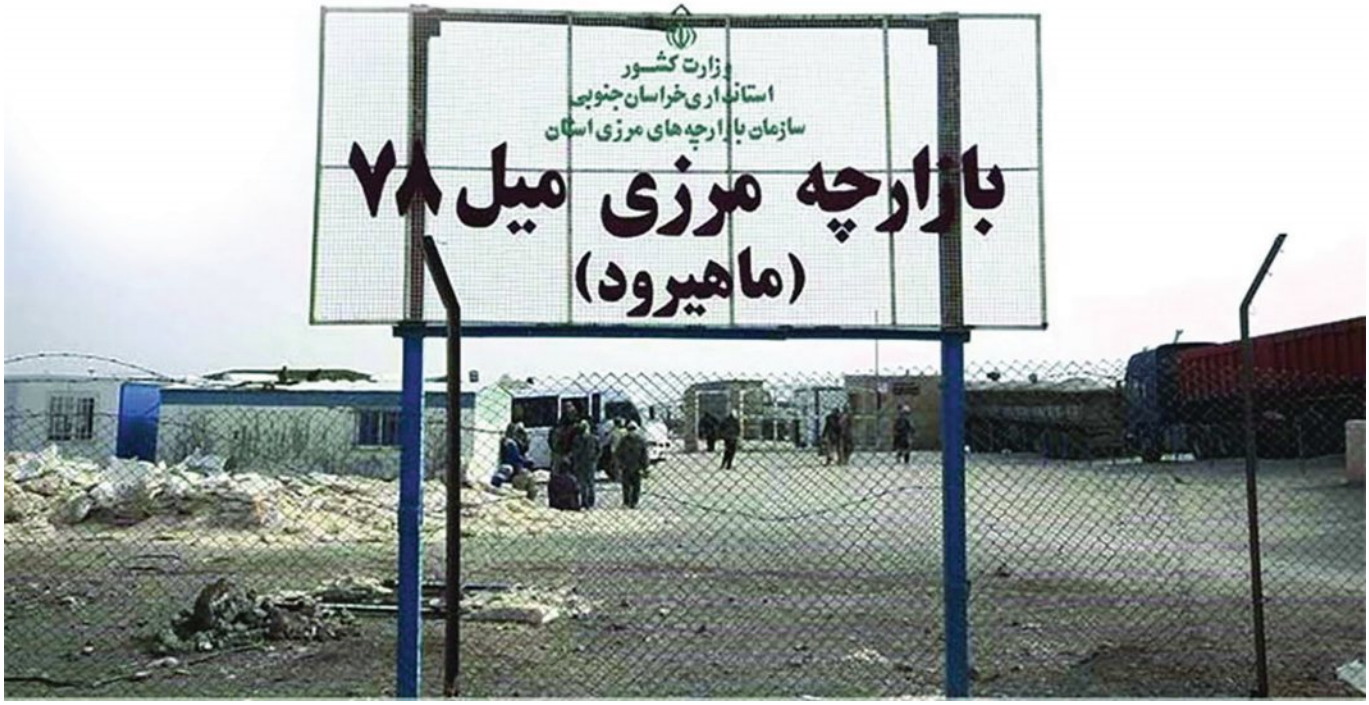

برخی از بازارچه‌های مذکور به بازارچه امنیتی یا ویژه معروف هستند. مجوز فعالیت این بازارچه‌ها توسط شورای عالی امنیت ملی صادر شده و عموماً در مرزهای عراق و افغانستان قرار دارند.

ترخیص کالا یا مکان‌هایی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همجوار تعیین می‌شود. اهالی دو طرف مرز می‌توانند کالاها و محصولات مورد نیاز خود را با رعایت مقررات صادرات و واردات وسایر ضوابط مربوط برای دادوستد در این بازارچه‌ها عرضه نمایند. به دنبال تصویب مقررات مذکور، درسال‌های بعد از آن بازارچه‌های مرزی در کلیه نواحی مرزی کشور به شدت گسترش یافت. البته برخی از بازارچه‌های مذکور به بازارچه امنیتی یا ویژه معروف هستند. مجوز فعالیت این بازارچه‌ها توسط شورای عالی امنیت ملی صادر شده و عموماً در مرزهای عراق و افغانستان قرار دارند.

۳. تعداد بازارچه‌های مرزی

تعداد بازارچه‌های مرزی (اعم از فعال وغیر فعال) تا سال ۸۶، ۵۲ بازارچه بوده و تا پایان سال ۸۹ این تعداد به ۶۴ بازارچه افزایش می‌یابد لیکن در نیمه اول سال ۱۳۹۰ بنابر تصویب‌نامه شماره ۱۱۶۶۸۹/ت۴۵۰۵۹ه مورخ ۹۰/۶/۸ هیات وزیران ۳۱ بازارچه که عمدتاً غیر فعال بودند از فهرست بازارچه‌های مرزی کشور حذف می‌شود. در حال حاضر ۳۳ بازارچه مجوز فعالیت دارند که مشخصات آنها به شرح جدول زیر ارایه می‌شود:

جدول شماره (۱) مکان، مشخصات و وضعیت بازارچه های مرزی

ردیف	نام بازارچه	محل بازارچه	نام استان	کشور هم مرز	وضعیت فعالیت	
					فعال	غیرفعال
۱	نوردوز	نوردوز	آذربایجان شرقی	ارمنستان	*	
۲	صنم بلاغی	پلدشت	آذربایجان غربی	نخجوان (آذربایجان)	*	
۳	ساری سو	بازرگان	آذربایجان غربی	ترکیه	*	
۴	رازی	مرز رازی	آذربایجان غربی	ترکیه	*	
۵	سرو	مرزسو	آذربایجان غربی	ترکیه	*	
۶	تمرچین	پیرانشهر	آذربایجان غربی	عراق	*	
۷	کیله	سردشت	آذربایجان غربی	عراق	*	
۸	سیران بند	بانه	کردستان	عراق	*	
۹	سیف	سقز	کردستان	عراق	*	
۱۰	شوشمی	پاوه	کرمانشاه	عراق	*	
۱۱	شیخ صالح	جوانرود	کرمانشاه	عراق	*	
۱۲	پرویزخان	قصرشیرین	کرمانشاه	عراق	*	
۱۳	بیشگان	سرپل‌ذهاب	کرمانشاه	عراق		*
۱۴	سومار	سومار	کرمانشاه	عراق		*
۱۵	مهران	مهران	ایلام	عراق	*	
۱۶	آبادان	آبادان	خوزستان	عراق	*	
۱۷	چزابه	چزابه	خوزستان	عراق		*
۱۸	شلمچه	شلمچه	خوزستان	عراق		*
۱۹	میرجاوه	میرجاوه	سیستان وبلوچستان	پاکستان	*	
۲۰	کوهک	سراوان	سیستان وبلوچستان	پاکستان	*	
۲۱	پیشین	ایرانشهر	سیستان وبلوچستان	پاکستان	*	
۲۲	جالق	جالق	سیستان وبلوچستان	پاکستان	*	
۲۳	ریمدان	چابهار	سیستان وبلوچستان	پاکستان		*
۲۴	روتک	خاش	سیستان وبلوچستان	پاکستان		*

حضور نماینده سازمان بازرگانی استان جهت انجام اموری نظیر ثبت آماری، نوع وتعداد و ارزش کالاهای وارده و صادره، آموزش و اطلاع رسانی در رابطه با مقررات صادرات و واردات و راهنمایی فعالین بازارچه صورت می‌گیرد.

۲۵	شمسر	سراوان	سیستان وبلوچستان	پاکستان		*
۲۶	میلک	زابل	سیستان وبلوچستان	افغانستان	*	
۲۷	گمشاد	زابل	سیستان وبلوچستان	افغانستان		*
۲۸	زهک	چوتوزهک	سیستان وبلوچستان	افغانستان		*
۲۹	گلوره (میل۷۳)	بیرجند	خراسان جنوبی	افغانستان	*	
۳۰	دوکوهانه	نهبندان	خراسان جنوبی	افغانستان	*	
۳۱	یزدان	یزدان	خراسان جنوبی	افغانستان	*	
۳۲	ماهیرود (میل۷۸ و ۷۵)	بیرجند	خراسان جنوبی	افغانستان	*	
۳۳	باجگیران	باجگیران	خراسان رضوی	ترکمنستان	*	
جمع کل بازارچه‌های مصوب: ۳۳ بازارچه		تعداد بازارچه‌های فعال : ۲۴ بازارچه		تعداد بازارچه‌های غیرفعال: ۹ بازارچه		

۴. قوانین ومقررات ناظر بر تاسیس وفعالیت بازارچه‌های مرزی باتوجه به سیر تاریخی وزمان تصویب

تا قبل از تصویب قانون ساماندهی مبادلات مرزی و آیین‌نامه اجرایی آن تاسیس و فعالیت بازارچه‌های مرزی بر اساس آیین‌نامه تشکیل بازارچه های مرزی مصوب ۱۳۷۱ هیات وزیران و قانون مقررات صادرات وواردات و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به برخی از مواد آن بوده است. لیکن از سال ۱۳۸۴ باتوجه به تصویب قانون ساماندهی مبادلات مرزی - به طور خاص - وضعیت و فعالیت بازارچه‌های مرزی مشمول این مقررات می‌باشد.

۴-۱. قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۸۴/۷/۲۷ و آیین‌نامه اجرایی آن

این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن به عنوان آخرین مقررات ناظر بر تاسیس و فعالیت بازارچه‌های مرزی و مبادلات مرزی می‌باشد که با تصویب آن سایر مقررات نسخ شده است. البته در برخی از موارد احکام سایر قوانین از جمله قانون مقررات صادرات و واردات همچنان نافذ هستند. برابر ماده ۴ قانون مذکور «بازارچه مرزی محوطه‌ای محصور واقع درنقاط مرزی است که مطابق با استانداردهای تعیین شده توسط دولت به صورت مستقل یا در قالب تفاهم‌نامه منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای هم‌جوار تاسیس می‌شود و در آنجا با حضور نماینده گمرگ، تشریفات ترخیص کالای مجاز برای مبادلات مرزی صورت می‌گیرد. مرزنشینان می‌توانند کالاها و محصولات مجاز را با رعایت مواد این قانون در بازا رچه‌های مشترک مرزی استان مبادله نمایند.»

برابر قانون مذکور و آیین‌نامه اجرایی آن برای مبادله کالا از طریق بازارچه‌های مرزی شرایطی لازم است که اهم آنها عبارتند از :

مبادله کالاهایی مجازاست که فهرست آن از سوی وزارت بازرگانی با در نظر گرفتن امکانات و نیازهای استان و تفاهمات بعمل آمده تعیین شده است.

- تعیین سقف ارزی و ریالی برای مبادلات در بازارچه ها
- مجاز بودن خرده فروشی توسط مرزنشینان در بازارچه های مرزی
- کنترل سقف مبادلات توسط گمرگ
- ورود وترخیص کالا با ارایه فاکتور

شرایط لازم برای تاسیس بازارچه مرزی:

- استقرار محل بازارچه در نقطه صفر مرزی تا عمق سی کیلو متری از نقطه صفر مرزی
- استقرار گمرک در درب ورود و خروج بازارچه
- واردات کالا با ارائه فاکتور فروش به جای ارائه پرو فرما و سایر مدارک مربوط به واردات کالا.
- در صورتیکه واردات از بازارچه مقابل تامین نشده یا ارائه فاکتور فروش مقدورنباشد، ارزیابی ارزش کالا توسط گمرک.
- اعلام سهم معاملاتی و فهرست کالاهای قابل صدور و ورود هر بازارچه توسط وزارت بازرگانی.
- کلیه افراد حقیقی ساکن و حقوقی فعال در مناطق مرزی مجاز به فعالیت در بازارچه مرزی هستند.
- مبادلات در بازارچه مرزی پس از استقرار مامورین وزارت بازرگانی، کشور و گمرک و نیروی انتظامی مجاز خواهد بود.
- امکان واردات کالا برای صادر کنندگان بازارچه های مرزی از کلیه مبادی گمرکی کشور با رعایت مقررات واردات و پرداختن حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی.
- داشتن کارت مبادلات مرزی شرایط لازم برای برخورداری از تسهیلات مرزی است. (کارت مذکور توسط سازمان بازرگانی استان صادر می‌شود .)

بخش دوم
نحوه مدیریت بازارچه‌های مرزی و ملاحظات امنیتی در تاسیس بازارچه‌های مرزی

۱. نحوه اداره و مدیریت بازارچه مرزی

۱-۱. طبق ماده ۵ قانون ساماندهی مبادلات مرزی در هر استان مرزی شورای ساماندهی مبادلات مرزی متشکل از استاندار یا یکی از معاونین ذیربط وی بعنوان رییس ورییس سازمانهای بازرگانی

تا قبل از تصویب قانون ساماندهی مبادلات مرزی و آیین‌نامه اجرایی آن تاسیس و فعالیت بازارچه‌های مرزی بر اساس آیین‌نامه تشکیل بازارچه های مرزی مصوب ۱۳۷۱ هیات وزیران و قانون مقررات صادرات وواردات و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به برخی از مواد آن بوده است.

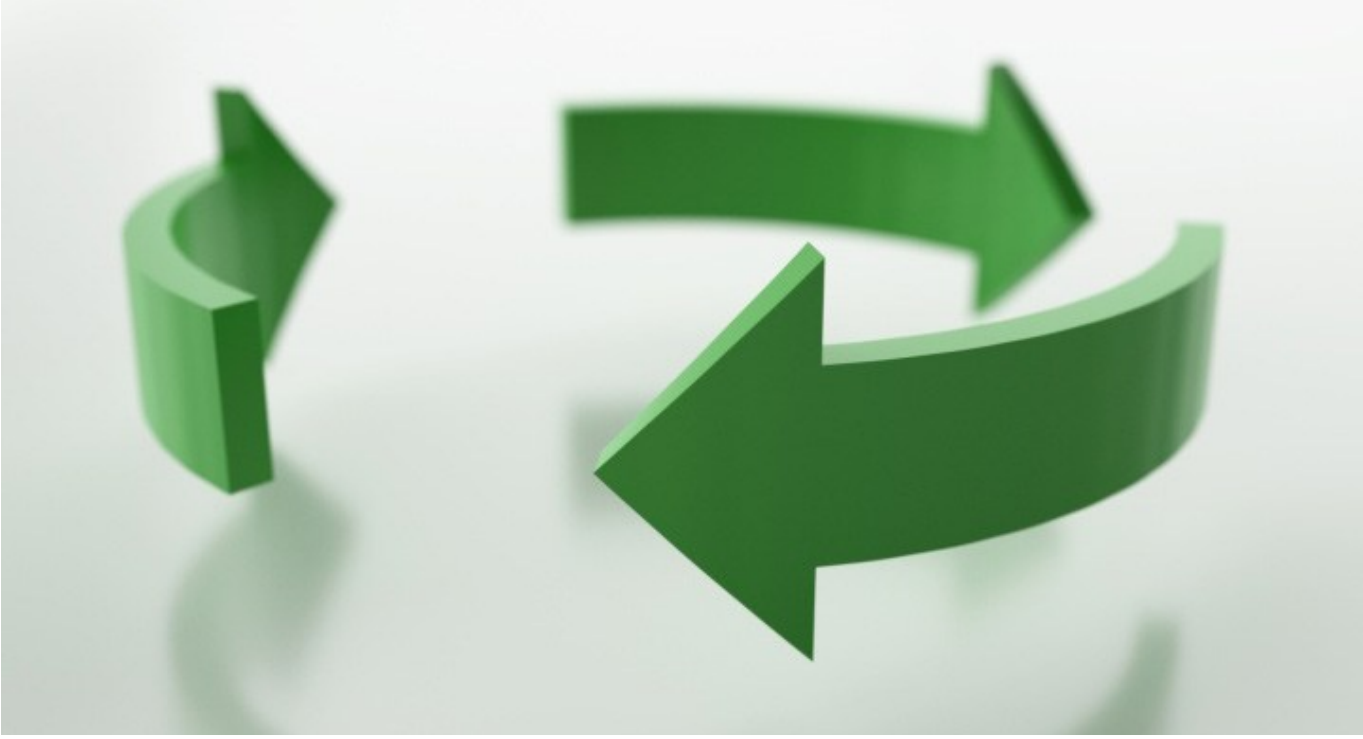

،صنایع ومعادن ،جهاد کشاورزی ،اداره های کل اطلاعات ،تعاون ،تعزیرات حکومتی ،گمرگ ، فرماندهی نیروی انتظامی استان ،دادستان ونماینده اتحادیه شرکتهای تعاونی مرزنشینان تشکیل خواهد شد .این شورا برحسن عملکرد واجرای تصمیمات وخط مشی های دولت در بازارچه های مرزی استان نظارت می کند . رییس سازمان بازرگانی استان دبیر شورا خواهد بود. برابر تبصره ۶ ماده ۷ آیین نامه اجرایی قانون ساماندهی مبادلات مرزی عزل ونصب مدیر بازارچه مرزی با هماهنگی وتایید استاندار ذیربط وبا حکم رییس کل گمرگ جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

اهم وظایف مدیر بازارچه عبارت است از:

- کنترل تردد افراد در بازارچه.
- کنترل حضور پرسنل واحدهای اجرایی مستقر در بازارچه.
- نظارت بر پلمپ و فک پلمپ دربهای ورود و خروج در آغاز و پایان ساعات اداری.
- اخذ اجاره بهای غرفه ها.
- هماهنگی با نیروی انتظامی و مرزبانی برای ایجاد امنیت و انتظامات.
- تنظیم بودجه سالیانه.

۱-۲. گمرک جمهوری اسلامی ایران

حضورو استقرار گمرک طبق تبصره ۱ ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات وتبصره ۵ ماده ۷ آیین نامه اجرایی قانون ساماندهی مبادلا مرزی در درب ورود و خروج بازارچه ضروری بوده و امور گمرکی نظیر پذیرش اظهار نامه وکنترل آن جهت صحت محاسبات گمرکی و مجوزهای ماخو ذه, نظارت بر صدور قبض انبار، درج مشخصات کالاهای وارده و صادره، ارسال نمونه به آزمایشگاه، ارزیابی کالاهای وارده از لحاظ ارزش و تعرفه، صدور پروانه سبز گمرکی، کنترل نهایی کالا و سایر امورمربوط به حسن اجرای مقررات و بخشنامه ها که در رابطه با صادرات و واردات می باشدرا برعهده دارد.

۱-۳. وزارت بازرگانی (وزارت صنعت ،معدن وتجارت)

حضور نماینده سازمان بازرگانی استان جهت انجام اموری نظیر ثبت آماری، نوع وتعداد و ارزش کالاهای وارده و صادره، آموزش و اطلاع رسانی در رابطه با مقررات صادرات و واردات و راهنمایی فعالین بازارچه صورت می گیرد.

باتوجه به جایگاه استانداری در ترکیب اعضای شورای ساماندهی مبادلات مرزی استان و همچنین تبصره ۴ ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مبادلات مرزی که مقرر می‌دارد: «ایجاد تاسیسات اداری وزیر بنایی وتاسیسات مورد نیاز واحدهای اجرایی مستقر در بازارچه وسایر سرمایه گذاری ها در بخش ایرانی بازارچه های مرزی وتامین پرسنل اجرایی بازارچه و هزینه‌های اداره آن برعهده استانداری مربوط است ولی از نظر احداث مکان بازارچه در نقطه مرزی وچگونگی حفظ انتظامات وکنترل تردد وافراد باید با وزارت کشور هماهنگی به عمل آید .» ملاحظه می‌شود مدیریت بازارچه مرزی برعهده وزارت کشور- استانداری ها بوده و تنها برخی وظایف اجرایی برعهده گمرک و بازرگانی می باشد . لذا با توجه به چنین ساختاری طبیعی است که بر بازارچه ها جنبه سیاسی و امنیتی نیزحاکم باشد . ازطرف دیگر با توجه به اینکه بازارچه مرزی نهادی اقتصادی تلقی می شو ند, از آن انتظارکارکردهای مناسب اقتصادی وجود دارد اما به دلیل ساختار موجود در مدیریت حاکم بربازارچه ها, اهداف اقتصادی مورد نظر از بازارچه های مرزی بطر کامل تحقق نیابد.

۲. ملاحظات امنیتی

یکی از دلایل ضمنی مهم در ایجاد بازارچه های مرزی , افزایش ضریب امنیت و اطمینان درمناطق مرزی از طریق توسعه تجارت می باشد . با توجه به اینکه در برخی از نواحی مرزی به دلیل شرایط خاص جغرافیایی امکان انجام برخی از فعالیت های تولیدی نظیر کشاورزی و دامپروری محدود می باشد با ایجاد بازارچه مرزی از یک طرف انگیزه اقامت در این مناطق برای اهالی مرزنشین بیشتر می شود و از طرف دیگر با حضور مردم ضریب امنیت در این مناطق مرزی افزایش می یابد.

برای نمونه می توان به بازارچه مرزی میلک اشاره کرد که در استان سیستان وبلوچستان در نزدیکی شهر زابل قرار گرفته است. با توجه به خشکسالی های چندین ساله اخیر در این استان، انگیزه اقامت بسیاری از اهالی این شهر به صورت مستقیم و غیرمستقیم به فعالیت بازارچه مرزی یاد شده مرتبط می باشد.

بخش سوم
تعاونی‌های مرزنشینان

الف) اهداف ایجاد تعاونی هاي مرزنشین

با مروری بر تاریخچه مقررات صادرات و واردات کشور ملاحظه می شود همواره ساکنین نواحی مرزی از برخی تسهیلات و تخفیفات برای واردات کالا برخوردار بوده اند ودر سالهای اخیر نیزاین تسهیلات ادامه داشته است. در سال ۱۳۶۱ سازمان مرکزی تعاون کشور به جهت سازماندهی افراد مرزنشین تصمیم به تشکیل تعاونی های مرزنشینان می گیرد.

اهداف اصلی این تعاونی ها عبارتند از:

- امکان استفاده بهتر از مبادلات مرزی برای مرزنشینان و توزیع صحیح کالا؛
- سوق دادن مرزنشینان از قاچاق کالا به سمت یک فعالیت سالم و مثبت؛
- شکستن بازار سیاه مواد غذایی و کالاهای ضروری در مناطق فوق؛
- کم کردن مشکلات دولت در زمینه رساندن موادغذایی و لوازم خانگی مرزنشینان؛
- جلوگیری از مهاجرت ساکنین این مناطق؛
- بهبود وضع مردم منطقه از طریق تامین درآمد برای آنها.

بخش چهارم
سهم و نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی و تحقق اهداف سند چشم‌انداز

الف) بر مبنای چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران لازم است تعامل سازنده و مؤثر با کشورهای جهان مورد توجه قرار گیرد .براین اساس می توان به تبیین جایگاه بازارچه های مرزی و سایر مبادلات مرزی در رسیدن به این جایگاه پرداخت. ضمن آنکه براساس سیاستهای کلی نظام لازم است نسبت به گسترش بازارهای داخلی و خارجی اقدام شود و در این راستا به سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت های نواحی مختلف کشور پرداخته شود. همچنین براساس مضامین برنامه چهارم و پنجم توسعه لازم است نسبت به تعامل و پیوندی فعال با اقتصاد جهانی اقدام شود که از جمله روشهای دسترسی به آن گسترش همکاریهای منطقه ای می باشد که این امر می تواند در گسترش تجارت با کشورهای همسایه مورد توجه قرار گیرد.

بر مبنای بند و ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم، دولت مکلف شده بود نسبت به اصلاح نظام اجرایی، معیارهای تشکیل و رویه‌های اداری بازارچه‌های مرزی و مبادلات مرزی اقدام نماید. در قانون برنامه پنجم توسعه نیز در ماده ۲۰۴ چنین آمده است : « در راستای ارتقاو تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان با رعایت ملاحظات و تامین امنیت پلیدار مناطق مرزی دولت حمایت مالی و حقوقی لازم را از استقرار صنایع و شکل گیری تعاونی های مرزنشینان و حق بهره برداری از زمین های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی بعمل می آورد . » اگرچه بصورت خاص و صریح در این ماده و تبصره ذیل آن اشاره به بازارچه مرزی نشده لیکن باتوجه به اهداف مورد نظر قانونگذار در ماده مرقوم که شامل رونق اقتصادی ، تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان ، کمک به شکل گیری و فعالتر شدن تعاونی های مرزنشینان ، افزایش مراودات اقتصادی با کشورهای همسایه می باشد ، بی گمان بازارچه های مرزی یکی از امکانات و وسایل دستیابی به اهداف مذکور و مرکز فعالیت های اقتصادی مرزنشینان خواهد بود با این مقدمه درادامه مروری اجمالی بر وضعیت بازارچه های مرزی از حیث امکانات ، قابلیت ها وتنگنا های موجود اشاره می شود .

ب) امکانات، قابلیتها، محدودیت ها و تنگناهای توسعه بازارچه های مرزی

ایجاد بازارچه های مرزی (و تعاونی‌های مرزنشین) مزایای زیر را برای نواحی اطراف بازارچه ایجاد نموده است:

- سهم قابل توجه برخی از بازارچه ها در مبادلات تجاری با کشورهای همسایه
- گسترش اشتغال بویژه اشتغال غیرمستقیم
- گسترش صادرات و تولید در برخی استانهای مرزی
- جلوگیری از مهاجرت ساکنین این مناطق
- مثبت بودن تراز تجاری بازارچه ها و تعاونی های مرزنشین

محدودیت‌ها و تنگناها

نخست: بازارچه‌های مرزی

- صدور کالاهای نامرغوب و عدم رعایت استانداردها در بازارچه‌های مرزی
- ورود کالاهای نامرغوب و مستعمل از بازارچه های مرزی
- گسترش بازارچه های مرزی و مشکلات مربوط به افزوده شدن مبادی ورودی و عدم کنترل دقیق بر آنها
- گسترش قاچاق از طریق عدم کنترل‌های دقیق بر بازارچه‌های مرزی

بر مبنای بند و ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم، دولت مکلف شده بود نسبت به اصلاح نظام اجرایی، معیارهای تشکیل و رویه‌های اداری بازارچه‌های مرزی و مبادلات مرزی اقدام نماید.

- حاکم بودن نگاه امنیتی به جای نگاه اقتصادی
- عدم تمایل برخی از کشورهای همسایه به گسترش فعالیت بازارچه های مرزی

دوم: تعاونی‌های مرزنشین

- عدم جذب مالی سهمیه های تخصیص یافته توسط برخی تعاونی ها وواگذاری آن به افراد غیربومی و به نوعی بروز انحراف تجاری.
- ایجاد امتیازات خاص برای گرو ههای خاص در شرایط آزادسازی تجارت کاربردی ندارد.
- گسترش تسهیلات مربوط، نواحی مرزی به کل نواحی مرزی کشور (در گذشته فقط مربوط به نواحی عمدتا جنوبی بود.)

اقدامات مهم و اساسی متصور برای رسیدن به اهداف فوق عبارتند از:

الف) کاهش تدریجی تحفیف ها در مبادلات مرزی لذا لازم است:

- حتی الامکان از تاسیس بازارچه های مرزی جدید اجتناب کرد.
- مجوز فعالیت بازارچه هایی که براساس مجوز شورای عالی امنیت ملی وبازارچه های مرزی ویژه) به طور موقت ایجاد شده اند با معیارهای مکانیابی تطبیق داده شده و مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.
- مجوز فعالیت بازارچه هایی که به دلیل عدم رغبت کشورهای همسایه موفق به فعالیت نشده اند، ابطال شود.

ب) در جهت بهبود فعالیت بازارچه های مرزی مناسب است:

- نگاه حاکم بر بازارچه های مرزی اقتصادی وکارشناسی شود.
- ترکیب کالاهای صادرات و واردات براساس تولیدات، نیازهای هر منطقه تعیین شود.
- رعایت استانداردهای اجباری در کالاهای صادراتی و وارداتی صورت گیرد.
- از ورود کالاهای مستعمل جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری از بحث

بازارچه‌های مرزی به عنوان یکی از اهرم‌های مهم در ایجاد اشتغال و توسعه مناطق مرزی و گسترش روابط تجاری با کشورهای همجوار است که در صورت اعمال مدیریت مناسب و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم فعالیت ، تاثیر قابل توجهی در رشد فعالیت‌های اقتصادی کشور دارد . اگرچه کارکرد آنها گاهی توام با برخی نارساییها است اما این بازارچه‌ها باتوجه به حضور مستقیم مردم در امور بازرگانی و تجارت می تواند در تحقق اهداف اقتصادی کشور همچون توسعه تجارت غیرنفتی موثرباشند ازسویی دیگر ایجاد فرصتهای شغلی - در شرایطی که مشکل بیکاری ازجمله دغدغه‌های بزرگ دولت است- و همچنین جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان به شهرهای مجاور و پایتخت از تاثیرات مهم بازارچه های مرزی است. بنابراین توجه خاص و برنامه ریزی شده مسئولان به وضعیت و کار ویژه های بازارچه های مرزی بادر نظر گرفتن شرایط اقلیمی و سوق الجیشی کشور بمنظور دستیابی به رونق اقتصادی و گسترش صادرات کالاهای غیر نفتی و تحقق اقتصاد مقاومتی و امنیت پایدار مرز از ضروریات امروز است .

SWIFT راه مطمئنی برای تبادل انواع پیغام ها، سفارش خرید، فروش، رساندن راهنمایی هایی جهت نحوه تحویل، ارسال یا موارد مشابه می‌باشد.

جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی

Society for World wide Interbank Financial Telecommunication

محمدرضا فتح آبادی
بازرسی امور صنعت، معدن و تجارت

امروزه اهمیت سوئیفت به حدی است که شاید بتوان گفت بدون آن، مبادلات و نقل و انتقالات پول در سطح بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. در صورت نبود سوئیفت، تجارت بین‌المللی و مبادلات پولی بین‌المللی با مشکل جدی مواجه می‌شود. امروزه اهمیت استفاده از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات، به جهت مزایای امنیتی و سرعت آن سنجیده می‌شود.

علاوه بر اهمیت سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه در داخل یک کشور, سیستم‌های الکترونیکی انتقال وجوه در سطح بین‌المللی نیز حائز اهمیت است و حتی از اهمیت بالاتری برخوردار است. زیرا کشورهای پیشرفته شیوه‌های الکترونیکی نقل و انتقال وجوه را به سرعت به کار می‌برند و سیستم‌های سنتی را کنار می‌گذارند. چنانچه کشور ما بخواهد با آنها مبادله داشته باشد، باید حداقل در بخش نقل و انتقالات وجوه در سطح بین‌المللی، مجهز به سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه باشد. احتمالاً همین عامل سبب شده است تا در بخش مبادلات بین‌المللی، بانک های ایران سریع‌تر از بخش های داخلی، بانکداری الکترونیکی را راه‌اندازی نمایند. مبادلات و پرداخت‌های بین‌المللی حداقل از دو طریق کارت‌های بانکی بین‌المللی و دیگری سوئیفت صورت می‌گیرد.

بنا بر تعریف دیگر سوئیفت، شبکه‌ای است که در حال حاضر پیغام‌های مالی میان اعضاء و کاربران دیگر در ۱۶۳ کشور را انتقال می‌دهد. از طریق موسساتی که از SWIFT استفاده می‌کنند افراد می‌توانند پرداختهای خود را انجام دهند ارسال پیغام‌های SWIFT می‌تواند جزئیات قراردادهای منعقده بین دو کاربر را تائید نموده و یا تبدیل ارزهای خارجی را انجام دهد. این شبکه را می‌توان به عنوان یک جایگزین برای سپرده داخل بانکی به حساب آورد. SWIFT راه مطمئنی برای تبادل انواع پیغام ها، سفارش خرید، فروش، رساندن راهنمایی هایی جهت نحوه تحویل، ارسال یا موارد مشابه می‌باشد. هدف اولیه از ایجاد سوئیفت، جایگزینی روشهای ارتباطی غیراستاندارد کاغذی و یا انتقال پیام از طریق تلکس در سطح بین‌المللی، با یک روش استاندارد جهانی بود. سوئیفت از بدو تأسیس تا به حال دچار تحول اساسی در روشها و مکانیزم‌های مورد استفاده خود گردیده است.

موسسه سوئیفت در سال ۱۹۷۳ و با حمایت ۲۳۹ بانک از ۱۵ کشور جهان تاسیس و در کشور بلژیک به ثبت رسیده است که مالکیت آن متعلق به بانک های عضو می باشد. این موسسه در سال ۱۹۷۷ و با ۵۱۸ عضو در ۲۲ کشور مختلف جهان عملا به بهره برداری رسید. سوئیفت یکی از پیشرفت های تکنولوژیک نظام بانکداری است که بسیاری از مشکلات بین المللی مبادلات را برطرف نموده است.

بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم، به ویژه در اواخر دهه ۱۹۵۰، تجارت

سوئیفت کد (Swift Code) یک نوع علامت انحصاری برای شناسایی بانک ها است. این کد برای انتقال وجه بین بانک ها ، خصوصا انتقال وجه بین المللی و ارسال حواله ارزی استفاده می شود،

جهانی به سرعت شروع به رشد و شکوفایی کرد و به موازات آن حجم عملیات بین‌المللی بین بانکی گسترش یافت، لیکن رعایت نکردن استانداردهای بین‌المللی در محاورات بین بانکی باعث آشفتگی در پرداخت‌های بین‌المللی و افزایش هزینه‌های بانکی شده بود. از این رو در اوایل دهه ۱۹۶۰ حدود ۶۰ بانک بزرگ اروپایی و آمریکایی به این فکر افتادند که چگونه می‌توان پیام‌های بین بانکی را به نحوی طرح‌ریزی و استاندارد کرد که اتوماسیون سیستم بانکی بین‌المللی را به همراه داشته باشد.

در دسامبر سال ۱۹۶۷ هفت بانک معتبر از کشورهای آمریکا، اتریش، انگلستان، دانمارک، سوئیس، فرانسه و هلند مطالعه ای را شروع و در سال ۱۹۷۱، ۷۳ بانک از این کشورها هزینه مطالعه را تقبل کردند. این مطالعه به همت گروهی از متخصصان و به مدت یک سال طول کشید و نتایج آن در سال ۱۹۷۲ ارایه شد. در نهایت در ماه می ۱۹۷۳ سوئیفت با عضویت ۲۳۹ بانک از ۱۵ کشور در شهر La Hulpe در نزدیکی بروکسل پایتخت کشور بلژیک تأسیس شد.

سوئیفت در هر کشوری دارای یک SAP یعنی نقطه دسترسی است که توسط موسسه سوئیفت کنترل می‌شود. در ایران SAP در بانک مرکزی است. این سیستم برای سرعت بخشیدن به انجام معاملات ارزی و جلب رضایت مشتریان و نیز هماهنگی تمام عملیات ارزی در سطح جهان با استفاده از یک نرم‌افزار استاندارد مورد توجه واقع شده است.

سوئیفت کد چیست

سوئیفت کد (Swift Code) یک نوع علامت انحصاری برای شناسایی بانک ها است. این کد برای انتقال وجه بین بانک ها ، خصوصا انتقال وجه بین المللی و ارسال حواله ارزی استفاده می شود، هم چنین بانک ها با استفاده از بستر سوئیفت به یکدیگر پیغام می دهند. کد سوئیفت از ۸ الی ۱۱ کاراکتر تشکیل شده است، زمانی که کد سوئیفت ۸ رقمی داده می شود، منظور بانک عامل مورد نظر است و شعبه را مشخص نکرده است.

چهار کاراکتر اول کد سوئیفت: معرف کد بانک است که تنها می تواند حروف باشد.

دو کاراکتر دوم: معرف کشور بانک است، به طور مثال برای ایران IR است

دو کاراکتر سوم: کد موقعیت مکانی بانک است

سه کاراکتر آخر: کد شعبه بانک است که بدون این کد نیز شماره سوئیفت کامل است و این مورد انتخابی است

مزایای سوئیفت

رشد چشمگیر سوئیفت به خاطر مزایای بی شمار آن می‌باشد که از جمله این مزایا می‌توان به امنیت و سرعت آن اشاره کرد.

۱. استاندارد: سیستم به نحوی طرح‌ریزی شده است که با ارسال پیام از طریق شبکه سوئیفت امکان برقراری ارتباط بین رایانه‌های دو بانک و انجام کلیه مراحل حسابداری از قبیل

روز شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۰ ساعت ۱۶:۰۰ به وقت گرینویچ در راستای تحریم‌های اروپایی، سوئیفت خدمات خود را به برخی از بانک‌های ایرانی که مشمول طرح تحریم های بین المللی قرار گرفتند، قطع کرد.

عملیات بستانکاری و بدهکار کردن حساب‌های ذیربط، تهیه صورت‌حساب و صورت مغایرت بدون دخالت نیروی انسانی امکان‌پذیر بوده و روز کاری بعد کلیه اقدام باز حساب‌های ارزی مشخص و امکان رفع مغایرت‌ها به‌طور سریع فراهم خواهد بود. سطح بالای استاندارد در سیستم سوئیفت عمدتا به منظور ارائه یک زبان مشترک برای همه کاربران طراحی شده است.از جمله مزایای این رویه های استاندارد می توان به افزایش بهره وری، کاهش هزینه های عملیاتی و کاهش خطاهای احتمالی اشاره نمود.

۲. قابلیت اطمینان: طراحی سیستم سوئیفت به نحوی بوده که درصد اشتباه در آن بسیار اندک است و در صورتی که مشخصه پیام به‌طور صحیح و مطابق با استانداردها تنظیم نشود، سیستم از قبول آن خودداری می‌کند. سوئیفت ادعا می‌کند که در حدود ۹۹/۹۹ درصد قابل اطمینان است. علت وجودی این ادعا مفقود نشدن یک پیام سوئیفتی از اول تأسیس در این شبکه است. بنابراین با حجم زیاد پیام‌ها قابلیت اطمینان به سیستم نزدیک به صد در صد است.

۳. امنیت: پیام‌های مبادله شده به صورت خودکار مخابره می‌شوند و متن پیام‌ها تا رسیدن به مقصد پراکنده و نامفهوم است و دسترسی به پیام‌ها توسط افراد غیرمجاز میسر نیست. سیستم سوئیفت به منظور ارتقای امنیت مبادله پیامهای مالی بین بانکی (حوالجات،اعتبارات اسنادی، ضمانتنامه و ...) در شبکه مطمئن و غیر قابل دسترسی، طراحی گردیده است.

۴. سرعت: سرعت انتقال پیام در سیستم سوئیفت بسیار بالا است. ارسال پیام چند ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد و به محض ارسال آن از طریق شبکه سوئیفت توسط آخرین امضای مجاز، بلافاصله پیام تحویل سوئیفت می‌شود. وقتی فرستنده و گیرنده پیام هر دو در شبکه سوئیفت فعال باشند، (روز کاریشان باشد) انتقال اطلاعات و مبادله پیام فقط چند ثانیه طول می کشد.کلیه مبادلات آنی صورت می گیرد و با بازبینی اطلاعات و تایید سوئیفت که بطور خودکار انجام می شود همراه است.

سوئیفت با ارائه خدمات متنوع بانکی کلیه نیازهای موسسات مالی سراسر دنیا را در پرداختها، بازارهای مالی، اوراق بهادار و مبادلات مالی پشتیبانی می نماید. از دیگر مزایای سوئیفت در مقایسه با دیگر وسایل ارتباطی راه دور (تلکس - تلفنفاکس) می توان به دسترسی جهانی و ۲۴ ساعته آن اشاره نمود. شبکه سوئیفت در مرزها و مدارات زمانی محدود نیست و دسترسی به هزاران موسسه مالی در هر قاره را براحتی امکان پذیرمی نماید.پیام های سوئیفتی می تواند بطور ۲۴ ساعته و هر روز ارسال و دریافت شود.

استفاده‌کنندگان از سوئیفت

۱- اعضای اصلی: ادارات مرکزی بانک‌ها به عنوان اعضا شناخته می‌شوند که سهام داران سوئیفت هستند. مثل اداره مرکزی بانک صادرات یا بانک ملی در تهران که یک عضو و سهام‌دار هستند.
۲- اعضای فرعی: شعب خارج از کشور اعضا یا شرکت‌های فرعی که بیش از ۹۰ درصد سهام آن متعلق به عضو باشد به عنوان اعضای فرعی پذیرفته می‌شوند. مثلاً شعب خارج از کشور بانک‌های ایرانی، که عضویت آن‌ها بعد از پذیرفته شدن بانک‌های ایرانی به عنوان عضو، تحت عنوان عضو فرعی پذیرفته شدند.
۳- شرکت‌کنندگان: اعضای غیر بانکی که در یکی از رشته‌های عملیات بانکی فعال هستند، مثل دلال‌های بورس که در رشته‌های مختلف از قبیل خرید و فروش ارز، سهام و امثال آنها فعالیت دارند. اعضای اصلی و فرعی می‌توانند از کلیه خدمات سوئیفت بهره‌مند شوند. ولی شرکت‌کنندگان فقط می‌توانند یک نوع پیام خاص را با توجه به تخصصی که دارند، ارسال و دریافت دارند. به عبارتی اعضا و اعضای فرعی می‌توانند از کلیه امکانات سوئیفت بهره‌مند شوند، ولی شرکت‌کنندگان از امکانات محدود با توجه به رشته تخصصی خود می‌توانند استفاده کنند.

شرایط پذیرش عضویت یک کشور در سوئیفت

قبل از این‌که پذیرش یک کشور در سوئیفت از سوی هیأت مدیره مورد بررسی قرار گیرد، می‌باید پذیرش ۳ شرط زیر توسط کشور متقاضی به سوئیفت اعلام شود:

۱. تأسیس سایت سوئیفت (S.A.P)

در صورت نیاز به راه‌اندازی سایت در کشور متقاضی محلی به سوئیفت اجاره داده شود تا با هزینه خود یک سایت سوئیفت در آنجا راه‌اندازی کند.

۲. معافیت مالیاتی

در ارایه گواهی مبنی بر معافیت از پرداخت مالیات، چون نرخ مالیاتی در کشورهای مختلف متفاوت است، در صورت رعایت آن، با همه اعضا رفتار یکسان می‌شود.

۳. خط انتقال دیتا

یک خط انتقال دیتا بین‌المللی به منظور انتقال پیام‌ها از سایت سوئیفت به خارج از کشور حداقل برای اجاره پنج ساله به هزینه سوئیفت می‌باید در اختیارش قرار داد.

اگر تعداد پیام‌های ارسالی یک کشور به حدی باشد که نیاز به راه‌اندازی سایت سوئیفت در کشور متقاضی عضویت پیش بیاید، سوئیفت یک سایت در آن کشور تأسیس می‌کند. در غیر این‌صورت پیام‌های کشور متقاضی را به سایت سوئیفت کشور همسایه منتقل می‌کند. هر سایت سوئیفت زیر چتر یکی از دو مرکزی عملیاتی سوئیفت که در هلند و آمریکا مستقر هستند، قرار دارد. کشورها با توجه به وضعیت جغرافیایی خود زیر چتر حمایتی یکی از دو سایت آمریکا یا هلند قرار دارند. مراکز عملیاتی هلند و آمریکا پشتیبان هم نیز هستند. به عبارتی، اگر یکی از آنها از مدار به علت نقص فنی خارج شود، بلافاصله دیگری جایگزین می‌شود. استفاده کنندگان از سوئیفت مسئولیت دارند که پیام‌های خود را به سایت سوئیفت رسانیده و تحویل دهند. از آن‌جا به بعد تا سایت سوئیفت کشور مقصد پیام، مسئولیت تحویل پیام به عهده

یکی از راه‌های استفاده بهینه از سوئیفت، اتصال هر چه زودتر شعب ارزی بانک‌ها در تهران و شهرستان‌ها به سوئیفت و برنامه‌ریزی به سمت اتوماسیون شبکه عملیاتی بین‌المللی بانک‌ها با استفاده از سوئیفت است.

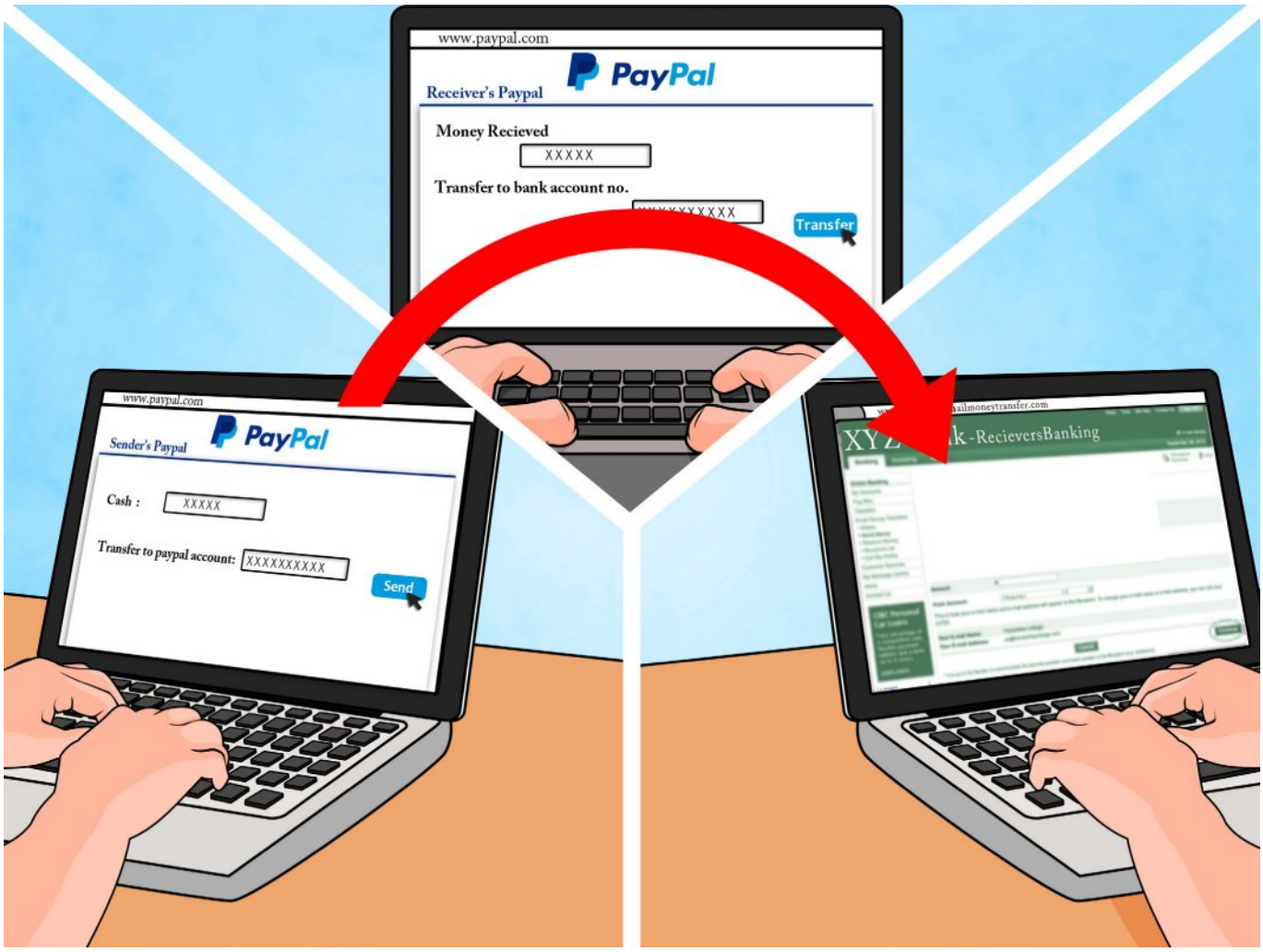

سوئیفت است.

انتقال پیام از سایت سوئیفت در کشور مبدأ از طریق خطوط انتقال دیتا و یا خطوط تلفن معمولی با نصب مودم (Modem) امکان‌پذیر است و اعضا موظفند یک خط پشتیبانی نیز به سوئیفت معرفی کنند که در مواقع اضطراری که خط اصلی از مدار خارج است، سوئیفت بتواند پیام‌ها را تحویل دهد.

سوئیفت در ایران:

سال ۱۳۶۴:کارشناسان بانک مرکزی بررسی‌های اولیه را برای عضویت بانک‌های ایرانی در سوئیفت انجام دادند.ولی با توجه به وقوع جنگ تحمیلی و اولویت‌های اساسی‌تر به تعویق افتاد.

سال ۱۳۶۹:بانک مرکزی هیأتی را مأمور هماهنگی با بانک‌های تجاری به منظور عضویت در سوئیفت کرد

سال ۱۳۷۰:پس از هماهنگی‌های لازم با بانک‌های تجاری تقاضای عضویت سیستم بانکی ایران توسط بانک مرکزی به سوئیفت ارایه شد .

سال ۱۳۷۱:پس از ارایه سه پیش شرط عضویت به سوئیفت، عضویت بانک مرکزی به همراه پنج بانک تجاری صادرات، ملی، تجارت، ملت و سپه در آذرماه پذیرفته شد.

سال ۱۳۷۲: بانک ملی ایران پس از راه‌اندازی سایت، خرید تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و نصب آن‌ها، در چهاردهم آذرماه به شبکه سوئیفت ملحق گردید.

اما درست در روز شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۰ ساعت ۱۶:۰۰ به وقت گرینویچ در راستای تحریم‌های اروپایی، سوئیفت خدمات خود را به برخی از بانک‌های ایرانی که مشمول طرح تحریم های بین المللی قرار گرفتند، قطع کرد. در حال حاضر متأسفانه سیستم بانکی کشور به رغم رشدی که در استفاده از سیستم پیام‌رسانی سوئیفت در سال‌های اخیر داشته است، استفاده بهینه از سوئیفت به عمل نمی‌آورد و تعداد پیام‌های ارسالی ایران از طریق این شبکه و بهره‌وری از مزایای جانبی آن در حد مطلوب نیست. مسلماً ایران می‌تواند با استفاده بهینه از سوئیفت، پیام‌های بیشتری از طریق سوئیفت ارسال کند و سهام بیشتری به خود اختصاص دهد، ضمن این‌که ریسک، هزینه ارسال پیام و کارمزد کارگزران در زمان استفاده از سوئیفت به مراتب از تلکس کمتر است و یکی از راه‌های استفاده بهینه از سوئیفت، اتصال هر چه زودتر شعب ارزی بانک‌ها در تهران و شهرستان‌ها به سوئیفت و برنامه‌ریزی به سمت اتوماسیون شبکه عملیاتی بین‌المللی بانک‌ها با استفاده از سوئیفت است.

یکی از مفاهیم تجارت الکترونیک حذف مرزها، گمرک‌ها و واسطه‌ها می‌باشد. در تجارت الکترونیک مرزی وجود ندارد و هیچ فرقی نمی‌کند که افراد اجناس خود را از یک مغازه در نزدیکی محل سکونت و یا از مغازه‌ای در قاره‌ای دیگر خریداری کنند.

مروری بر حقوق تجارت الکترونیک

یکی از مفاهیم تجارت الکترونیک حذف مرزها، گمرک‌ها و واسطه‌ها می‌باشد. در تجارت الکترونیک مرزی وجود ندارد و هیچ فرقی نمی‌کند که افراد اجناس خود را از یک مغازه در نزدیکی محل سکونت و یا از مغازه‌ای در قاره‌ای دیگر خریداری کنند. تجارت الکترونیکی باعث افزایش سرعت و حجم مبادلات بازرگانی گردیده و به مشکل محسوسی سبب کاهش هزینه خریدار و تولیدکننده ، صرفه‌جویی زمان ، جذب بیشتر ، حذف واسطه‌ها و درنهایت سود بیشتر می‌شود. در این تجارت فضای طبیعی به فضایی مجازی تبدیل گشته و انسان‌ها بدون قرار گرفتن در محدودیت‌های زمان و کلان می‌توانند با امکانات پیشرفته امروز معاملات خود را به‌صورت الکترونیکی انجام دهند.

حقوق تجارت الکترونیک

حقوقی است که ناظر بر جریان خریدوفروش بین تولیدکننده و مصرف‌کننده (B2G) یا معامله بین دو تولیدکننده (B2B) و یا معامله بین دو مصرف‌کننده (C2C) در فضای الکترونیکی است. البته باید خاطرنشان کرد که در حال حاضر بهترین روش این تجارت در شاخه بین تولیدکننده و مصرف‌کننده (Business to consunem) در حال جریان است که این امر ناشی از ضعف زیرساخت‌ها و محدودیت‌های تجارت الکترونیک در کشور ما است.

مبنای حقوق تجارت الکترونیک

همان‌طور که در ابتدای بحث به آن اشاره شد همراه با ورود پول به صحنه تجارت کم‌کم قراردادها نیز وارد این صحنه گردید چه درگذشته و چه در امروز رسم متداول آن است که قراردادها به‌صورت سند مکتوب به مراجع ذی‌ربط ارائه می‌گردد که این ویژگی از دو نظر قابلیت بررسی دارد:

۱. ازنظر اثبات سند: این ویژگی ناظر به بودن یا نبودن قرارداد در عالم خارج است.
۲. ازنظر انتساب سند: بعدازاینکه وجود خارجی سند اثبات گردید باید مشخص گردد که این سند متعلق به کیست تا احکام نسبی بودن قراردادها راجع به آن اجرا گردد.

بنابرآنچه ذکر شد، چنانچه بخواهیم قراردادی را در عالم حقوق دارای آثار حقوقی بدانیم هم باید وجود داشته باشد و هم منتسب به اشخاص معینی باشد. همین رویه در تجارت الکترونیک نیز جاری و ساری است، با این تفاوت که در تجارت الکترونیک، سند نوشته در دست ندایم و هر جا سخن از اسناد کتبی می‌رود پیام داده‌ای جایگزین آن می‌گردد و اسناد از جایگاه قدیمی خود یعنی کاغذ به مکان جدید خویش یعنی رایانه انتقال یافته‌اند مؤید این مطلب ماده ۱ قانون نمونه تجارت الکترونیک است که چنین مقرر می‌دارد: «این قانون برای هر نوع اطلاعاتی که به‌صورت پیام داده‌ای جهت فعالیت‌های تجاری استفاده گردد، اعمال می‌شود» و در ادامه در تعریف پیام داده‌ای دربند ۹ ماده ۲ قانون نمونه تجارت الکترونیک چنین اشعار می‌دارد: (پیام داده‌ای به معنای اطلاعاتی است که به وسیله عملیات الکترونیکی تولید، دریافت و یا ذخیره

در تجارت الکترونیک ، سند نوشته در دست ندایم و هر جا سخن از اسناد کتبی می‌رود پیام داده‌ای جایگزین آن می‌گردد و اسناد از جایگاه قدیمی خود یعنی کاغذ به مکان جدید خویش یعنی رایانه انتقال یافته‌اند.

می‌گردد). ناگفته هویدا است که مبنای اصلی حقوق تجارت الکترونیک شناسایی حقوق پیام داده‌ای است، چراکه اگر مطلوب ما همسانی قرارداد الکترونیکی با قرارداد کتبی است باید حقوق پیام داده‌ای اعم از تولید، دریافت، و یا ذخیره را در هر سامانه الکترونیکی به رسمیت بشناسیم که این امر به‌نوبه خود نیازمند تعبیه ساز کارهای حقوقی و فنی در این مقوله است.

امضای الکترونیکی

امضا به معنای پایان رساندن یا نافذ دانستن امری در عالم خارج است. امضا در معنای مصطلح عبارت است از نوشتن نام یا نام خانوادگی یا علامت خاصی که هویت صاحب علامت است و در ذیل اسناد و اوراق (عادی یا رسمی) متضمن وقوع معامله (برگرفته‌شده از کتاب ترمینولوژی حقوق، دکتر لنگرودی) ازآنچه در مورد امضا گفتیم مشخص می‌گردد که هیچ سندی در علائم حقوق اعتبار ندارد مگر اینکه دارای علامتی باشد دال بر صدور آن از جانب مرجع مسلم الصدور آنچه در مورد اهدافی که امضا در ذیل نوشته‌ها دنبال می‌کند می‌توان به اهدافی مانند رسمیت یافتن اسناد، تائید اسناد و قطعیت یافتن اسناد اشاره کرد که برخی از نویسندگان بر این اهداف صحه گذارده‌اند اما باید غافل از این امر نبود که امضا فارغ از اهداف ذکرشده مبین قصد انشاء فرد در انعقاد قرارداد است به‌طوری‌که اگر سندی امضا نگردد در حقیقت فرد قصد به وجود آوردن آن را نداشته و قرارداد کان لم یکن تلقی می‌گردد. این امر آن‌چنان بدیهی است که در ماده ۲۲۳ قانون تجارت قانون‌گذار آن را جزء شرایط مشکلی برات قرار نداده و مهر و امضا را داخل در ماهیت نوشته برات دانسته است . اما تا به حال آنچه گفتیم راجع به ویژگی‌ها مقررات حاکم بر اسناد کتبی بود لذا ما که داعیه‌دار همسانی سند الکترونیکی با سند کتبی هستیم قهراً باید امضای الکترونیکی را همانند امضای کتبی جزء شرایط صحی سند الکترونیکی به‌حساب آوریم.

البته این نکته را هم باید در نظر داشت که امضا حتماً ناظر به شکل یا علامت خاصی نیست، بلکه هر علامت یا رمزی که مبین قصد انشاء فرد در قرارداد باشد در تجارت الکترونیک پذیرفتنی است، همین نگرش ما را به سمت‌وسوی پذیرش امضای دیجیتال در عبارت الکترونیک سوق می‌دهد. امضای دیجیتال شامل یک‌رشته داده‌های ریاضی همراه شخص معین است که معمولا این امضا به شکل رمزی است که محتوای پیام و هویت امضاکننده را تصدیق می‌کند، به نظر می‌رسد که امضای دیجیتال مشکلات امضا را در محیط الکترونیکی تا حدودی مرتفع کند چراکه اگر امضایی به شکل خطوط گرافیکی صورت گیرد ابتدا به‌صورت او (O) و سپس با اختلاف ولتاژ وارد رایانه شده و در حافظه تأثیر می‌گذارد سپس این اثر به شیوه الکترونیکی وارد رایانه مقصد شده و در آنجا مجدد به همان صورت اولیه باقی می‌ماند و این امضاء ، امضای حقیقی فرد نمی‌باشد اگرچه برخی از حقوقدانان امضای فوق را به‌شرط پذیرش عرف امضا تلقی می‌کنند، لکن باید این نکته را هم مطرح نظر داشت که در بعضی از سامانه‌های رایانه‌ای برای کنترل صحت امضا فناوری‌هایی به وجود آمده که مشکل انتساب امضا مراحل می‌کند، نمونه این فناوری پن اوپ (Pemop) است که در آن از فناوری زیست‌سنجی قلم (pen Biometrics) استفاده‌شده است.

قراردادهای الکترونیکی و آثار حقوق مترتب بر آن‌ها

الف) تعریف عقد و قرارداد

ماده ۱۸۳ قانون مدنی در تعریف عقد چنین اشعار می‌دارد «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و موردقبول آن‌ها باشد» از طرفی ماده ۱۹۱ قانون مدنی چنین مقرر می‌دارد « عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به‌شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند» بنابراین ، آنچه در تحقق ارکان عقد شرط است اشتراک دو یا چند اراده در به وجود آوردن امری اعتباری به نام عقد است. همچنین می‌توان در تعریف قرارداد چنین گفت، که قرارداد توافقی است بین اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی به شرطی که طرفین اهلیت انعقاد قرارداد را دارا باشند و به‌موجب قانون از آن حمایت گردد. بنابرآنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که هم در عقد و هم در قرارداد قصد انشائ ضروری است و طرفین با ایجاب و قبول قصد خود را بروز می‌دهند.

هر عقدی مرکب از دو عنصر ایجاب و قبول است بدین معنا طرفی که می‌خواهد عقد را منعقد کند ایجاب عقد را انجام می‌دهد و طرف دیگر آن را قبول می‌کند که هرکدام از این ایجاب و قبول مشتمل بر الفاظی است که دلالت بر ایجاب و قبول می‌کند. آنچه مسلم است آن است که در تحقق ایجاب و قبول ممکن است قصد طرفین کتبی یا شفاهی ، لفظی یا عملی و یا به طریقه مدرن یعنی به روش الکترونیکی ابراز گردد. ایجاب و قبول الکترونیکی باعث به وجود آمدن قراردادهای آنلاین (online) در عرصه این فناوری گردیده است (آنلاین همان ارتباط شبکه‌ای با رایانه‌های

در تجارت الکترونیک، فضای طبیعی به فضای مجازی تبدیل گشته و انسان‌ها بدون قرار گرفتن در محدودیت‌های زمان و مکان، می‌توانند معاملات را به صورت الکترونیکی انجام دهند.

دیگران است.) ایجاب و قبول الکترونیکی در قراردادهای آنلاین بدین‌صورت است که فرد پیام داده‌ای خود را به سامانه رایانه‌ای مقصد ارسال می‌دارد و کسی که در مقصد است از ایجاب فرد مطلع می‌گردد، مؤید این امر ماده ۱۱ قانون نمونه آنیسترال (uncitral) راجع به عبارت الکترونیک است که مقرر می‌دارد. « در بستر و روند انعقاد قرارداد ، ایجاب و قبول را می‌توان از طریق پیام داده‌ای ابراز کرد مگر اینکه طرفین خلاف آن را مقرر کرده باشند.»

ب) غره بیان ایجاب و قبول

در قراردادهای آنلاین دو حالت متصور است:

در حالت اول فرد پیام داده‌ای خود را به‌قصد خاص ارسال می‌دارد برای نمونه، سفارش کالایی را به فروشگاهی خاص می‌دهد در اینجا تنها فروشگاه موردنظر است که باید قبول را اعلام کند و تعهد خود را مبنی بر ارسال کالا ایفا نماید. در اینجا ایجاب صریحاً متوجه همان فروشگاه خاص است.

در حالت دوم فرد، ایجاب خود را منحصر به شخص یا محل خاصی نمی‌کند بلکه شاید میلیون‌ها نفر را مخاطب خود قرار می‌دهد این امر شبیه عقد جعاله در فقه امامیه است که در آن عامل جعاله شخصی نیست لذا در اینجا هر فردی که تعهد را انجام دهد باید در مقابل انجام تعهد عوض به او سترد گردو نمونه این امر پرونده‌ای جنجالی مشهور به پرونده کارلیل در انگلستان بود که خوانده دعوی داروی ضد آنفلوانزایی ساخته و شرط کرده بود که هر کس پس از خوردن دارو به آنفلوانزا دچار شود به او ۵۰۰ پوند خواهد داد. فردی پس از استعمال دارو به آنفلوانزا مبتلا و به‌تبع آن دعوایی در دادگاه مطرح و خواستار غرامت ۵۰۰ پوندی شد درنهایت پس از کش‌وقوس‌های فراوان قاضی به نفع خواهان رای صادر کرد با این استدلال که این ایجاب ، ایجابی به همه جهانیان بوده و متعهد باید از عهده پرداخت غرامت برآید.

اعمال حق خیار در عقود الکترونیکی

بحث خیارات عقود الکترونیکی بخصوص در بیع الکترونیکی از حوزه‌هایی است که تاکنون کسی در مورد آن بررسی جدی انجام نداده و در بحث فشرده ما نیز نمی‌گنجد اما مختصر باید اشاره کرد که برخی از حقوقدانان ، قائل به عدم تأثیر و ناکارآمدی بعضی از خیارات در تجارت الکترونیک می‌باشند. یکی از این خیارات مذکور ، خیار مجلس است که ماده ۳۹۷ قانون مدنی در مورد آن چنین مقرر می‌دارد: «هر یک از متبایعین بعد از عقد ، فی‌المجلس و مادام که متفرق نشده‌اند اختیار فسخ معامله رادارند.» پس از روشن شدن مفهوم خیار مجلس لازم به توضیح است آنچه باعث اعمال این خیار می‌گردد رابطه روحی و عاطفی بین متعاملین است و ازآنجاکه در تجارت الکترونیک این موضوع منتفی است بنابراین اعمال خیار نیز منتفی خواهد بود.

مسئولیت مدنی در تجارت الکترونیک

یکی دیگر از ابعاد مسکوت تجارت الکترونیک است که کار بس جدی را در این زمینه می‌طلبد چراکه اگر در ارسال داده‌ها اشتباهی صورت گیرد و یا رایانه دچار مشکل نرم‌افزاری می‌گردد مطمئناً به‌طرف مقابل خسارت(مادی و معنوی) وارد می‌آید، که در این فرض با عنایت به مسئولیت مبتنی بر تفصیر ، فرد مقصر باید از عهده خسارات وارده اعم از مادی و معنوی برآید البته آنچه بدیهی است آن است که پیش‌بینی ضمانت اجرا در مفاد قرار دارد در مواردی اعم از تخطی از مفاد قرارداد و یا خسارات وارده باعث عدم اثبات تقصیر از سوی زیان‌دیده است.

نتیجه

آنچه در این مجال از آن سخن به میان آمد نمایی بود اجمالی از تجارت الکترونیک و قواعدی که باید بر آن حکم‌فرما گردد تا ضمانت بقای آن را فراهم سازد . آنچه آشکار است آن است که قوانین قانون مدنی و یا قوانین خاص دیگر قابلیت‌های پاسخگویی به نیازهای تجارت الکترونیک را ندارند و در این میان شفافیت و روشنگری قانون‌گذار و تدوین قانونی جامع‌ومانع، حلال معضلات حقوقی این تجارت نوین خواهد بود مضافا اینکه قوانین تخصصی، سازمان قضایی خاص خود را می‌طلبد لذا باید در رسیدگی به دعاوی تجارت الکترونیک از دادرسان خبره، اهل‌فن و آگاه به مسائل تجارت الکترونیک استفاده کرد.

در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته جهان مناطق خاصی به نام بهشت مالیاتی Tax Haven وجود دارند و ویژگی بارز آن‌ها این است که فرد می‌تواند هر مقدار پول به این مناطق وارد کند بدون اینکه مواخذه شود.

بهشت‌های مالیاتی در جهان

در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته جهان مناطق خاصی به نام بهشت مالیاتی Tax Haven وجود دارند و ویژگی بارز آن‌ها این است که فرد می‌تواند هر مقدار پول به این مناطق وارد کند بدون اینکه مواخذه شود.

از سوی دیگر درآمدهای حاصله در این مناطق نیزازپرداخت مالیات معاف است.

قوانین و مقررات آنان مبادله اطلاعات راجع به مؤدیان مالیاتی را با سایر کشورها مجاز نمی‌داند ، نظام مالیاتی آن‌ها غیر شفاف است، و افراد خارجی که وجوه و سرمایه‌های خود را به این مراکز می‌آورند موظف نیستند که فعالیت تجاری یا اقتصادی مشخص و قابل‌توجهی داشته باشند همین امر سبب افزایش فرار مالیاتی وازد ست رفتن سرمایه کشورها اعم از انسانی ومالی شده است.

وجود این بهشت‌های مالیاتی در زمان‌های گذشته چندان محسوس نبود. تشکیل مکان‌هایی با عنوان بهشت‌های مالیاتی به‌تدریج به دلیل از دست رفتن درآمدهای کشورها و نیز سرمایه انسانی آنان جنبه جدی به خود گرفت و جنب‌وجوشی را در میان افراد و سپس سران سایر کشورها اعم از فقیر، درحال‌توسعه و توسعه‌یافته پدید آورد.

واکنش‌ها

نخستین واکنش‌ها در برابر این اوضاع‌واحوال جنبه انفرادی داشت و به‌طور طبیعی صورت رقابت در زمینه مسائل مالیاتی را به خود گرفته است. رقابت مالیاتی در کشورهای درحال‌توسعه بسیار دردناک است، زیرا آن‌ها غالباً ناچار می‌شوند بار مالیاتی را به حداقل برسانند و از بخش قابل‌توجهی از درآمدهای ناچیز مالیاتی خود صرف‌نظر کنند تا بلکه بتوانند از فرار پایه‌های مالیاتی خود به خارج جلوگیری نمایند و درعین‌حال به جذب منابع مالیاتی سایر کشورها بپردازند.

نتیجه این گونه رقابت‌ها توسعه هرچه بیشتر پدیده بهشت مالیاتی به اشکال مختلف آن است و بدیهی است که درنهایت دور پایان‌ناپذیری از رقابت را می‌تواند به دنبال داشته باشد، به‌نحوی‌که مایه زیان هر دودسته کشورهای فقیر و غنی جهان گردد. اثر دیگر این جریان که شاید بتوان گفت ازنظرمالی می‌تواند منشأ زیان به‌ویژه درکشورهای پیشرفته و صنعتی گردد، اختلالی است که در رقابت آزاد تجاری پدید می‌آورد. این رقابت در صورتی می‌تواند آزاد باشد، که تصمیم‌گیری‌های مؤسسات صرفاً بر اساس مقاصد و مصالح تجاری و اقتصادی صورت پذیرد. اما وجود رقابت شدید مالیاتی چه از سوی بهشت‌های مالیاتی و چه از طرف سایر کشورها می‌تواند تصمیمات اقتصادی را تحت

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در سال ۱۹۹۸ کوشید تا چارچوبی بین‌المللی برای مقابله با گسترش رقابت‌های مالیاتی فراهم آورد و گزارشی را در این باب تحت عنوان رقابت زیان‌بخش مالیاتی یک مشکلِ در حال ظهور در جامعه جهانی به تصویب شورای وزیران خود رساند.

تأثیر قرار دهد که نتیجهٔ آن اخلال به امر رقابت سالم و آزاد خواهد بود.

بعدها این اعتراض‌ها گسترده‌تر و به کشورهای فقیر، درحال‌توسعه توسعه‌یافته کشیده شد. همچنین در این مناطق به این دلیل که مقررات شدید بانکی و تجاری در زمینه حفظ اسرار مشتریان ، عدم کنترل ارزی، سیستم مالیاتی انعطاف‌پذیر حاکم است ازجمله مناطق آلوده به درصد بالای فساد و پول‌شوئی به شمارمی روند که سالانه میلیاردها دلارازسرمایه‌های کشورها را بر باد می‌دهند.

مجموعه این جریانات و عوامل، واکنشی از نوع دیگر را از سوی یک مرجع خاص درون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی جهت پیگیری موضوع، تهیه گزارش‌های مربوط و سایر اقدامات لازم برای رسیدن به اهداف سازمان در این زمینه پدید آمد.

بر این اساس مرجع رسیدگی به مسألهٔ رقابت زیان‌بخش مالیاتی مکلف گردید نسبت به شناسایی بهشت‌های مالیاتی اقدام نماید. قرار شد پس‌ازاین تشخیص، مرجع نامبرده با این مراکز وارد گفتگو شود و آنان را به تغییر روش‌های خود ترغیب نماید و اگر این کوشش به نتیجه‌ای نرسد، صورتی از آن‌ها به‌عنوان مراکزی که آماده همکاری نیستند تهیه کند و سپس مسألهٔ اجرای اقدامات مشترک دفاعی به‌منظور مقابله و خنثی‌سازی

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) برانگیخت که در حقیقت نمود عکس‌العملی گروهی از سوی کشورهای عضو این سازمان بود.

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در سال ۱۹۹۸ کوشید تا چارچوبی بین‌المللی برای مقابله با گسترش رقابت‌های مالیاتی فراهم آورد و گزارشی را در این باب تحت عنوان رقابت زیان‌بخش مالیاتی یک مشکلِ در حال ظهور در جامعه جهانی به تصویب شورای وزیران خود رسانید.

تحلیلگران اقتصادی این سازمان در گزارش خود علاوه بر خطر بهشت‌های مالیاتی، به زیان‌های ناشی از گسترش رقابت مالیاتی در سایر نقاط جهان و به‌ویژه در برخی از کشورهای عضو همین سازمان اشاره‌کرده‌اند. شورای وزیران این سازمان نیز ضمن تصویب گزارش، یک سری قطعنامه دربار مقابله با هر دو نوع رقابت فوق به تصویب رسانید. علاوه بر این قرار شد اقداماتی به‌منظور جلب همکاری کشورهای غیر عضو سازمان در این زمینه‌ها نیز صورت پذیرد. بر اساس همین مصوبات فعالیت‌های آن‌ها از سوی کشورهای عضو سازمان موردنظر قرار گیرد.

درنهایت این سازمان توانست ۴۷ کشور یا منطقه را تحت عنوان بهشت مالیاتی شناسایی کند و در صورت عدم همکاری در مورد آنان گزارش تهیه‌کرده تصمیم‌گیری کند.

این سازمان درنهایت کشورها و مناطق آندور، آنگویلا، آنتیگوا و باربودا، آروبا، باهاماس، بحرین، باربادوس، بلیز، ویرجین آیلندز انگلیس، کوک آیلندر، دومینیکا، جبل الطارق، گرنادا، گورنسی و سارک و آلدرنی، آیل آف من، جرسی، لیبریا، لیختنشتاین، مالدیو، جزایر مارشال، موناکو، مونسترات، نائورو، آنتیل هلند، نییو، پاناما، سیشل، فدراسیون سنت ونسان و گرنادین، تونگا، تورکس اند کایکوس، ویرجین آیلندز آمریکا، و وانواتورا به‌عنوان بهشت‌های مالیاتی اعلام کرد.

البته نام لیبریا وجزایر مارشال اخیر به دلیل همکاری و تطابق با استانداردهای تعریف‌شده این سازمان ازلیست بهشت‌های مالیاتی غیرهمکارحذف شد.

بعضی‌ها برای قانونی کردن درآمدهای غیر قانونی، مشروع کردن پول‌های نامشروع و تطهیر پول‌های حرام و یا تبدیل پول‌های کثیف ناشی از اعمال خلاف به پول‌های تمیز و پاک، پولشویی می‌کنند.

پول‌شویی راهی برای تطهیر پول‌های نامشروع

تهیه وتنظیم : گروه تحریریه

بعضی‌ها برای قانونی کردن درآمدهای غیر قانونی، مشروع کردن پول‌های نامشروع و تطهیر پول‌های حرام و یا تبدیل پول‌های کثیف ناشی از اعمال خلاف به پول‌های تمیز و پاک، پولشویی می‌کنند. این اعمال زمانی اتفاق می‌افتد که درآمدهای کسب شده توجیه قانونی نداشته و برای این که از حالت غیرقانونی خارج شوند و شکل پول‌های معمول را به خود بگیرند، بوسیله پولشویی، تطهیر می‌شوند.

این اقدام از راه‌های مختلفی انجام می‌گیرد. مهمترین روش‌های مورد استفاده توسط پولشویان برای مشروع نشان دادن این پول‌های کثیف عبارتند از:

۱. **استفاده از مؤسسه‌های مالی و اعتباری:** سهل‌ترین و راحت‌ترین راه پولشویی استفاده از نهادهای مالی رسمی می‌باشد. در این روش وجوه نقد حاصل از عملیات مجرمانه، نزد شعبه بانکی یا هر نوع نهاد مالی و اعتباری رسمی سرمایه‌گذاری می‌گردد؛ این نهادهای مالی رسمی ممکن است داخلی یا خارجی باشند. استفاده از روش‌های معمول در داد و ستد الکترونیکی، یکی از بهترین شیوه‌های انتقال این سپرده‌ها از نهادهای مالی داخل کشور به نهادهای خارج از کشور می‌باشدکه این امر تشخیص درآمدهای نامشروع را بسیار دشوار و حتی گاهی ناممکن می‌کند.

۲. **صورت‌حساب‌های جعلی:** پولشویان از طریق عملیات صادرات و واردات صوری، فعالیت‌های تجاری خاص را در کشوری که پول‌های کثیف را در آن به دست آورده‌اند، آغاز می‌کنند و به موازات این فعالیت، فعالیت‌های مشابهی را در کشوری که پول‌های کثیف خود را در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند دنبال می‌کنند و از این طریق به خرید و فروش کالا و خدمات به شکل ظاهری و صوری می‌پردازند؛ به این صورت که پولشویان کالایی را از شرکتی که می‌خواهند پول‌های کثیف را به آن تحویل دهند، می‌خرند و در ازاء آن صورتحساب غیر واقعی صادر می‌گردد که قیمتی بالاتر از قیمت واقعی کالا در آن وارد شده است. مابه التفاوت قیمت واقعی و قیمت کاذب، پول شسته شده می‌باشد.

۳. **استفاده از فن‌آوری‌های نوین مخابراتی و رایانه‌ای:** این روش، روش دیگری در پولشویی است که در آن با استفاده از فن‌آوری‌های نوین مخابراتی و رایانه‌ای و شیوه‌های نوین تجارت الکترونیکی، نه تنها هویت مبادله‌کنندگان به سختی

شرکت‌های چندملیتی در معاملات تجاری مشکوک و نامشروع شرکت کرده و در این میان در معاملات نامشروع صدها میلیون دلار پرداخت می‌کنند.

قابل شناسایی است بلکه ردگیری جریان وجوه را نیز با دشواری‌های خاص همراه می‌کند.

۴. **سرمایه گذاری در املاک و مستغلات:** سرمایه‌گذاری در بازار مسکن و خرید زمین و مستغلات از دیگر روش‌های مورد استفاده پولشویان است.

۵. **خرید و فروش آثار هنری:** بازار هنر به دلیل اینکه نظارت چندانی بر آن وجود ندارد، می‌تواند وسیله تبدیل میلیون‌ها دلار پول کثیف باشد؛ زیرا همان طور که می‌دانیم آثار هنری می‌توانند هزاران و گاهی میلیون‌ها دلار ارزش داشته باشند.

۶. **سرمایه‌گذاری در خرید سهام:** یکی دیگر از شیوه‌های مؤثر است که توسط پولشویان مورد استفاده قرار گرفته است. به این صورت که پولشویان با این پول کثیف، سهام و اوراق مشارکت خریداری می کنند و آن‌ها را در مکان‌های دیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند.

۷. **سرمایه‌گذاری در مشاغل زیان‌دیده:** یکی دیگر از شیوه‌های مورد استفاده مجرمان، سرمایه‌گذاری در مشاغلی است که در حال ورشکستگی است. به این صورت که در یک کسب و کار مشروع ولی در حال ورشکستگی سرمایه‌گذاری کرده و سپس اسناد و مدارک و دفاتر آن را دستکاری می کنند تا این طور نشان دهند که شرکت سودآور است. وجوهی که باید پاکسازی شوند از این طریق به جریان می‌افتند و به گونه‌ای جلوه داده می‌شوند که انگار منافع مشروع حاصل از معاملات و فعالیت‌های شرکت هستند.

۸. **ایجاد سازمان های خیریه:** در این روش پول‌های به دست آمده از داد و ستد مواد مخدر و سایر راه‌های غیر قانونی در مؤسسات خیریه غیرواقعی جمع می‌شوند؛ زیرا این مؤسسات توانایی دریافت هدایا از اقصی نقاط جهان را دارند.

۹. **معامله نقدی:** داشتن یک تجارت پایاپای مانند رستوران، صرافی، کارواش و یا تأسیساتی نظیر این‌ها برای پولشویی، فعالیتی کاملا عادی است.

۱۰. **شرکت‌های چند ملیتی بین‌المللی:** این شرکت‌ها از مهم‌ترین واحدهای تشکیل‌دهنده اقتصاد جهانی به شمار می‌روند؛ به طوری که فرآیند انتقال اموال و سرمایه‌گذاری در این کشورها، حد و مرز جهانی نمی‌شناسند. هدف این شرکت‌ها جهانی شدن سریع و حوزه فعالیت آن‌ها در زمینه تجارت، پول و سرمایه، تولید و استفاده گسترده از ثروت‌های طبیعی کشورهای در حال توسعه و فقیر می‌باشد. نحوه فعالیت در عملیات پولشویی این شرکت‌ها بدین صورت است که، شرکت‌های چندملیتی در معاملات تجاری مشکوک و نامشروع شرکت کرده و در این میان در معاملات نامشروع صدها میلیون دلار پرداخت می‌کنند.

رانت واژه‌ای است که بدون تغییر لفظی از ادبیات کشور فرانسه وارد فرهنگ خودی گردیده است و در کشور انگلیس نیز به حق‌السهم اربابان فئودال از کشاورزان، رانت اطلاق می‌شده است.

رانت‌خواران

رانت چیست و به چه کسانی می گویند رانت‌خوار؟ رانت واژه‌ای است که بدون تغییر لفظی از ادبیات کشور فرانسه وارد فرهنگ خودی گردیده است و در کشور انگلیس نیز به حق‌السهم اربابان فئودال از کشاورزان، رانت اطلاق می‌شده است. ضمن اینکه علاوه بر آن تعاریف زیادی از رانت به عمل آمده که به چند نمونه اشاره می کنیم:

الف) رانت درآمدی است که بدون اتکای مستقیم به کار و تلاش تولیدی و بدون ریسک و خطر فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آید.

ب) سوء استفاده فرصت‌ها و امکانات جامعه با توجه به موقعیت اجتماعی افراد و دسترسی به منابع اطلاعاتی

ج) به کسی که بدون انجام کار مفید و حتی مضر به حال اقتصاد کشور به ازاء پرداخت رشوه و پارتی‌بازی به امتیازهای انحصاری دولتی دست می‌یابد و ثروت‌های بادآورده و افسانه‌ای کسب می‌کند.

د) رانت‌خواری عملی است که به ظاهر از طریق قانونی انجام‌گرفته و عمل کننده به آن، عمل خود را سالم و مشروع دانسته و شاید بسیاری از دوستان و آشنایان ایشان نیز کمترین تردیدی نسبت به وی نداشته باشند در حالی که با یک حساب سرانگشتی به ثروت‌های کلان و بدون زحمت دست می‌یابد.

ه) دستیابی انحصاری اشخاص حقیقی یا حقوقی به امکانات و موقعیت‌های شغلی و نقشه طرح‌های ملی بزرگ که موقعیت اراضی اطراف طرح‌ها را به‌طور چشم‌گیری بالا می‌برد نیز رانت می‌گویند. همچنین کسب سود بیش از حد متعارف از طریق محدود ساختن عرضه و سلب اختیار از رقبای تولیدکننده.

عوامل ایجاد رانت

مهم‌ترین نکته در شناسایی رانت و مبارزه با رانت‌خواری شناخت عوامل ایجادی و منشاءهای آن است که به دلیل کثرت آن‌ها فقط به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. رانت زاییده برخی فرصت‌های انحصاری است.
۲. رانت ناشی از دسترسی عده‌ای به انحصارات از طریق قدرت می‌باشد.
۳. در نتیجه کم‌رنگ کردن حق مالکیت خصوصی مردم بوجود می‌آید.
۴. رانت می‌تواند از طریق پارتی‌بازی در استخدام غیر ضابطه‌مند صورت بگیرد.
۵. از ارایه انحصاری کالاها و خدمات دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی پدید می‌آید.
۶. رانت در درون تصمیمات و مقررات و تشکیلات دولتی نهفته است.

عده‌ای با پارتی‌بازی از وام‌ها و اعتبارات ارزی استفاده می‌کنند تا بخاطر عدم کنترل ناکافی و افزایش نرخ دلار کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به نرخ آزاد فروخته شود. این اقدام نه تنها خدمتی به مردم نبود بلکه سودهای میلیاردی نصیب سوداگران گردید.

۷. در نتیجه ورود صاحبان قدرت در عرصه‌های اقتصادی شکل می‌گیرد.
۸. رانت ریشه در هرگونه انحصارات دولتی و غیر دولتی دارد.
۹. رانت می‌تواند سرچشمه‌ای مانند نگاه جناحی و صنفی به منافع ملی داشته باشد.
۱۰. رانت می‌تواند ناشی از سپردن مسؤلیت‌های مهم اقتصادی اجتماعی و سیاسی به افراد کم‌ظرفیت و بی‌تعهّدی باشد که مسؤلیت را طعمه خود حساب کنند.
۱۱. ناشی از صدور مجوزهای انحصاری برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است.
۱۲. ناشی از عدم وجود نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران و عمال حکومت و برخورد با آن‌ها است.

انواع رانت

رانت اقتصادی

الف) سرمایه‌گزاری‌های صنعتی: عده‌ایی با پارتی‌بازی از وام‌ها و اعتبارات ارزی استفاده نموده تا محصولات با نرخ عرضه کنند که بخاطر عدم کنترل و افزایش نرخ دلار کارخانه ها و کارگاها به نرخ آزاد فروخته شد. این اقدام آن نه تنها خدمتی به مردم نبود بلکه سودهای میلیاردی نصیب سوداگران گشت.

ب) سرمایه‌گذاری‌های عمرانی: این نوع رانت به عنوان مثال وقتی در جایی جاده‌هایی کشیده می‌شود یا راه‌آهن یا کارخانه و طرح بزرگی پیاده می‌شود قیمت زمین در اطراف این طرح‌ها بالا می‌رود. برخی افراد که از اجرای این طرح‌ها قبلاً از طریق عوامل خود مطلع شده‌اند صاحبان املاک اطراف این گونه طرح‌ها را شناسایی و با تطمیع و حتی اغفال آن‌ها زمین‌ها را با قیمت بسیار ناچیزی خریداری کرده و پس از اجرای برخی طرح‌ها و پروژه‌ها سبب افزایش قیمت زمین شده واز فروش آن به درآمدهای بادآورده‌ای دست پیدا می‌کنند.

رانت اطلاعات

عده‌ای از طریق دستیابی زودرس به اطلاعات گوناگون در زمینه تغیرات قوانین، مقررات و سرمایه‌گذاری سودهای کلانی می‌برند. این امر باعث می‌شود رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه شکل بگیرد و عدم اطمینان در این کار، افراد صاحب سرمایه را به طرف فعالیت‌های اقتصادی ناسالم و کاذب سوق می‌دهد و حجم عظیمی از سرمایه سرگردان مملکت را از بخش توسعه اقتصادی و عمرانی خارج می‌سازد. مثلاً یک یا چند نفر با زد و بندهای خاص، زود تر از دیگران از حساب سود و زیان فلان شرکت در بازار بورس اوراق بهادار مطلع می‌شوند. آن‌ها می‌توانند فوراً با سیاست‌های مناسب یا نامطلوب جلوه دادن وضع مالی آن شرکت، با شرایط بزخری خریدار سهام تنزل یافته شوند و بعد از تصاحب سهام درباره وضع درخشان شرکت مذکور مجدداً تبلیغ کنند و سبب افزایش قیمت شوند و سهام خریداری شده را با قیمت بسیار بالاتر بفروشند.

رانت آموزشی

نبود رابطه مناسب بین عملکرد و پاداش، توزیع موقعیت‌های شغلی بدون توجه به لیاقت، شایستگی، تخصص و کارایی افراد سبب می‌شود تلاش برای کسب مدرک (نه سواد و اطلاعات) به هر طریق ممکن ابعاد وسیعی به خود بگیرد. هجوم گسترده برای کسب مدارک دانشگاهی و بدون شرکت در کنکورهای سراسری و به دنبال آن توسعه برخی دوره‌های دانشگاهی با کیفیت نازل یکی از نشانه‌های رانت آموزشی است.

آثار سوء رانت‌خواری بر اقتصاد کشور

۱. آسیب‌پذیر شدن
۲. انحصاری شدن امکانات و امتیازهای اقتصادی نزد افراد و گروه‌های خاص
۳. از بین رفتن عدالت در عرصه تولید
۴. انباشت سرمایه در دست گروهی خاص
۵. عدم موفقیت و پا گرفتن بخش خصوصی مولد و نیروزا در کشو ر
۶. ایجاد تبعیض، اتلاف وقت و بدبینی
۷. کاهش کارآیی و بهره‌وری و افزایش تورم
۸. ایجاد فساد، بیکاری، فقر و انحصار در جامعه
۹. از بین رفتن انگیزه کارآفرینی، تولید واقعی و ارج گذاشتن به خلاقیت در جامعه
۱۰. سرگرم شدن نیروهای انسانی به کسب رانت و باز ماندن از کارهای مولد
۱۱. نهادینه شدن رانت به عنوان یک فرهنگ و حذف وجدان کاری
۱۲. دو قطبی شدن جامعه و تقسیم نامناسب درآمدها و در نهایت توسعه فقر و محرومیت

۱۳. بروز فساد گسترده و فروپاشی نظام سیاسی اجتماعی یک حکومت
۱۴. توقف رشد تکنولوژی در جامعه و گسترش دلالی
۱۵. تاثیر منفی در اخلاق و رفتارهای کارکنان دولت و شرکت‌های مرتبط

در بحث واردات شکر، گندم، برنج، ذرت و خیلی از نیازمندی‌های کشور کسانی بروند و در وزارت بازرگانی تحقیق و مطالعه کنند که اجناس عمده را در طول این سال‌ها چه کسانی وارد کشور کرده‌اند؟ این افراد چه‌کاره هستند؟ علاوه بر وزارت بازرگانی و سازمان‌های وابسته، در کارهای شورای اقتصاد تحقیق کنند که مجوزهای کلان در اختیار چه کسانی قرارگرفته است؟ اگر این کارها که بخش کوچکی از رانت‌های موجود در کشور را آشکار می‌کند بررسی شود شاه‌کلیدها هم پیداشده و آقازاده‌ها که مدت‌ها است در اذهان عمومی مردم مطرح بوده اما تاکنون در پرده‌ای از ابهام مخفی مانده و متأسفانه هرگز معرفی نشده‌اند به‌طور قطع و یقین مشخص و مردم چهره ننگین آن‌ها را خواهند شناخت، برخی دیگر که نمی‌توانند از راه‌های متعارف کالاهایی که واردات آن‌ها به دلیل حمایت از تولیدات داخلی ممنوع است را وارد کنند. با برنامه‌هایی از قبل تهیه‌شده اقدام به واردات موقت کالا کرده و با حمایت افراد خاصی آن‌ها را درون کشور به فروش رسانیده و سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند. البته نمی‌توان گفت که این واردات موقت بدون استفاده از رانت‌بازی انجام گرفته است زیرا این‌گونه مجوزها فقط به افراد خاصی اعطا می‌گردد و به هیچ عنوان عمومیت ندارد.

برخی افراد دیگر با استفاده از قانون واردات موقت که در سال‌های اخیر رواج داشت کالاها را برای تولید و صادرات مجدد وارد کشور می‌کردند اما با هماهنگی و رانت‌خواری با برخی از مقامات متولی بدون تولید کوچک‌ترین کالا یا صادرات، همان کالای اولیه وارداتی را در بازارهای داخلی با قیمت بسیار بالایی به فروش می‌رساندند، و چون هیچ‌وجه گمرکی و سود بازرگانی پرداخت نمی‌کردند با فروش آن کالا در بازارهای داخلی سود بالایی عاید خود و حامیان آن‌ها می‌شد ضمن اینکه با راهکارهای فرار از پیگیری قضایی هم به‌خوبی آشنا بودند و متأسفانه در تعداد زیادی از تشکیلات حکومتی نیز با سرمایه‌های بادآورده‌ای که در دست داشتند عواملی را با خود همراه می‌کردند و مورد حمایت قرار می‌گرفتند که معمولا هم نجات می‌یافتند و با کمال تأسف باید گفت که این شیوه غلط ریشه‌های زیادی در قطب‌های اقتصادی ما دوانیده است که کار دولت‌مردان شایسته و علاقه‌مند به مبارزه با این فاسد ین اقتصادی را مشکل می‌کند اما امید است با روی کار آمدن دولت جدید که شخصی با روحیه بسیجی در رأس آن قرارگرفته و از حمایت اکثریت مردم و نهادهای انقلابی نیز برخوردار است و شعار عدالت را سرلوحه کار خود قرار داده و بر آن تأکید می‌ورزد با اتکا به خداوند متعال این معزل مهم متوقف و زالوصفتان با چنگان عدالت مجازات شوند. کدام مسئول در این مملکت اسلام ناب محمدی حتی به خود زحمت پاسخ به شبهات را داده است؟ مگر ما پیرو حضرت علی (ع) نیستیم؟ مگر ایشان به مالک اشتر نفرمودند: اگر مردم درباره کارهای شما شک کردند فورا در میان آن‌ها حاضر شوید و به‌طور شفاف و روشن برای آن‌ها توضیح دهید تا رفع شبهه شود.

جایگاه آب در برنامه ششم توسعه

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

آمار و ارقام اخیر مربوط به منابع آب کشور حاکی از کاهش معنی‌دار ریزش‌های جوی و رواناب است. در کنار این موضوع وضعیت وخیم سفره‌های آب زیرزمینی و برخی زیست‌بوم‌های آبی در کشور، همگی دلالت بر وجود بحران آب در کشور دارند و با توجه به اینکه سال ۱۳۹۴ سال آخر برنامه پنجم توسعه است، باید در این سال لایحه برنامه ششم توسعه در دستور کار دولت و مجلس قرار گیرد.

مروری کلی بر مواد برنامه‌های توسعه قبلی و عملکرد آن‌ها در بخش آب نشان می‌دهد که با توجه به وضعیت نامطلوب کنونی بخش، این برنامه‌های توسعه در ارتقای بخش آب موفق نبوده‌اند. از مهم‌ترین نقاط ضعف این برنامه‌ها می‌توان به غالب بودن تفکر سازه‌ای در تدوین و عملکرد آن‌ها، ضعف شدید در ارتقای نرم‌افزاری بخش، غیرواقع‌بینانه بودن و عدم تطابق با شرایط موجود کشور اشاره کرد. در تدوین برنامه ششم توسعه اسناد بالادستی مختلفی وجود دارد که مه‌ترین آن‌ها سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه است. متأسفانه علیرغم اهمیت بخش آب، نقش آن در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کم‌رنگ می‌باشد. با توجه به بحران آب موجود در کشور و همچنین پیش‌بینی تداوم این بحران، لزوم تغییر جهت‌گیری‌ها در تدوین سیاست‌های برنامه ششم در بخش آب، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. اهداف اصلی که باید در تدوین راهبردهای برنامه ششم توسعه در بخش آب موردتوجه قرار گیرد، عبارت‌اند از : ایجاد تعادل بین منابع و مصارف، تأمین پایدار آب موردنیاز بخش‌های مصرف‌کننده با توجه به اصول توسعه پایدار، حفاظت و صیانت از منابع آب، ارتقای مشارکت بهره‌برداران در مدیریت منابع آب، احیاء و تعادل بخشی، اصلاح ساختار اقتصاد و مدیریت آب و ارتقای بهره‌وری.

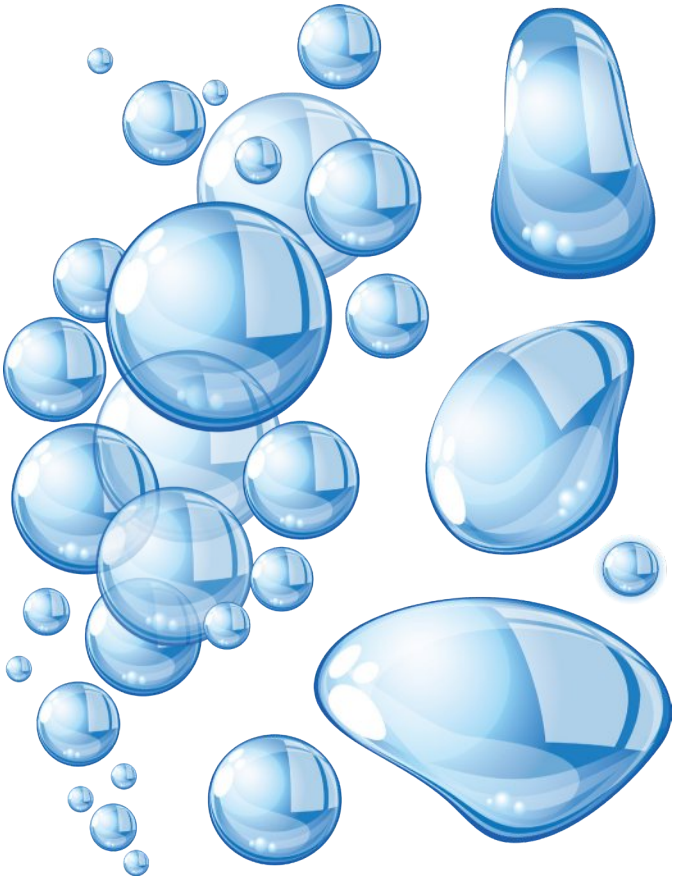

الکترونیکی کردن خدمات توسط دستگاه‌های اجرائی، از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند در مقابله با فساد اداری و مالی و ارتقاء سلامت اداری نقش اساسی ایفا کند.

مقاومت برخی دستگاه‌ها در ارائه خدمات الکترونیکی

برخی دستگاه‌ها به بهانه فقدان زیرساخت‌ها و نیروی انسانی متخصص از ارائه خدمات الکترونیکی شانه خالی می‌کنند و عزم جدی برای شفاف‌سازی در حوزه‌های مأموریتی خود و اعلام فرآیند خدمات به مردم ندارند.

علی کرمی رئیس منطقه ۵ بازرسی کل کشور و بازرس کل استان آذربایجان شرقی در نشست تخصصی «دولت الکترونیک در استان آذربایجان شرقی» که با حضور معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و مدیران بازرسی کل استان برگزار شد، با اشاره به عزم جدی و اهتمام ویژه سازمان بازرسی کل کشور در مقابله با مفاسد اداری و مالی، گفت: الکترونیکی کردن خدمات توسط دستگاه‌های اجرائی، از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند در مقابله با فساد اداری و مالی و ارتقاء سلامت اداری نقش اساسی ایفا کند.

رئیس منطقه ۵ بازرسی کل کشور ادامه داد: هراندازه حوزه مأموریت خود را برای مردم شفاف و مراحل انجام خدمات قابل ارائه توسط دولت را اطلاع‌رسانی کنیم، به‌طور حتم مقابل برخی مفاسد از جمله رشوه، رانت و... گرفته می‌شود.

کرمی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به انتظارات سازمان بازرسی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اظهار داشت: انتظار ما از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این است که به‌طور جدی به تکالیف و احکام قانون ارتقاء سلامت نظام اداری اهتمام داشته و در خصوص عملیاتی کردن آن اقدام کند.

وی همچنین نظارت بر انضباط مالی دستگاه‌ها بر مبنای بودجه‌ریزی عملیاتی، اهتمام جدی در کوچک‌سازی دولت، نظارت بر رتبه‌بندی و صلاحیت پیمانکاران را از اقداماتی دانست که این سازمان مدیریت باید متولی آن باشد و گفت: مهم‌تر از این موارد عملیاتی کردن منویات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی است که از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از متولیان اصلی در این خصوص اقدام کند.

بازرس کل استان آذربایجان شرقی همچنین از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خواست با اجرای برنامه‌های مطالعاتی و پژوهشی مبنی بر آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی توسعه استان اقدام و این اطلاعات را برای تدوین برنامه‌های بازرسی و نظارتی در اختیار سازمان بازرسی قرار دهد.

اطلاعات مثل چراغ در یک دستگاه حرکت کننده است...
در زمینه امور سیاسی و امور نظامی، اطلاعات همان چشم است.
اگر شما اطلاعات نداشته باشید نمی توانید با دشمن بجنگید.

جرعه‌ای از کلام ولایت

اطلاعات مثل چراغ در یک دستگاه حرکت کننده است.
چشم در انسان اگر نباشد حرکت ها در مقام عمل قابل تنظیم نیست.... در ذهن قابل تنظیم است اما هنر بزرگ،پیاده کردن آن چیزهایی است که در ذهن است در زندگی روزمره.
آن چیزی که ما را به این پیاده کردن کمک می کند چشم است.
همه می دانیم از راه باید رفت و از چاه باید پرهیز کرد.
ذهن این را می گوید.
دانش این را می گوید.
ایدئولوژی، طرز فکر این را می گوید.
اما کو؟ کدام راه است؟ کدام چاه است؟ تا چشم نباشد که انسانی نمی تواند آن را تشخیص بدهد.
در زمینه امور سیاسی و امور نظامی، اطلاعات همان چشم است.
اگر شما اطلاعات نداشته باشید نمی توانید با دشمن بجنگید.
تا دشمن را، جو را نشناسید نمی شود مبارزه کرد. نمی شود جنگید.

از بیانات مقام معظم رهبری- ۶۲/۱۰/۱۷- اقتباس از کتاب اطلاعات و ولایت- از انتشارات پژوهشکده وزارت اطلاعات- ص۷۲ و ۷۳

بازدید روسای سازمان بازرسی کل کشور و مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه از اداره کل حفاظت و اطلاعات سازمان

هم‌زمان با ماه مبارک شعبان و اعیاد شعبانیه، ناصر سراج، رئیس سازمان بازرسی کل کشور با حضور در حفاظت و اطلاعات سازمان از بخش‌های مختلف آن بازدید و در جریان آخرین اقدامات و فعالیت‌های حفاظت قرارگرفت.
همچنین حجت الاسلام والمسلمین خطیب، رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه نیز طی بازدیدی از حفا سازمان بازرسی، در جریان فعالیت‌ها و برنامه‌های آن قرار گرفت.
در این بازدید که مسئولین بخش‌های مختلف حفای قوه قضاییه نیز وی را همراهی می‌کردند، سارنجی، مدیر کل حفاظت و اطلاعات و معاونین وی گزارشی از اهم فعالیت‌های حفای سازمان و پیشرفت‌های حاصله را ارائه و رهنمودهای ایشان را دریافت نمودند.
رئیس حفای قوه قضاییه، ضمن بازدید از بخش‌های مختلف حفاظت و اطلاعات سازمان، طی نشستی با مدیران و کارکنان این حفا رهنمودهای لازم را ارائه کرد.

وی در سخنان خود، ضمن تقدیر از فعالیت‌های صورت گرفته و برنامه‌های در دست اجرا، اهمیت و ضرورت توسعه فعالیت‌های آموزشی حفاظتی را مورد تاکید قرار داد.
شایان ذکر است حجت الاسلام والمسلمین خطیب رئیس حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه و هیات همراه ۲۶ اردیبهشت ماه در سفر به استان بوشهر نیز در بازرسی کل حضور یافته و ضمن بازدید از کلیه واحدها از تلاش‌های همکاران تقدیر و تشکر نمودند.

اقدام دانشجویان پیرو خط امام در اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ را می‌توان در زمره یکی دیگر از اقدامات غافلگیرکننده در تاریخ معاصر دانست.

تاملی بر عوامل و آثار غافلگیری در برابر دشمن

خلیل اسفندیاری
سرپرست اداره جمع‌آوری اخبار و اطلاعات حفاظت و اطلاعات

قسمت پنجم

چهار قسمت از این مقاله را در شماره‌های گذشته نشریه مطالعه کرده‌اید.
در بخش‌های پیشین به واژه‌شناسی غفلت، غافل و غافلگیر پرداخته و اهم موضوعات در معرض خطر غفلت را بیان نمودیم.
غفلت در ادبیات فارسی و شعر شاعران برجسته و تبیین ویژگی انسان‌های غافل و آثار و پیامدهای غفلت در حوزه‌های فردی،جمعی و بین‌المللی و نیز توجه به اصل غافلگیری و هشدار نسبت به آن در آثار ادبی و تاریخی کشورمان و نیز تبیین اهداف و علائم غافلگیری، سابقه استفاده از اصل غافلگیری در جنگ‌ها، تاکتیک‌های قابل‌استفاده برای تحقق اصل غافلگیری و مصادیقی از غافلگیری‌های مهم و شاخص در تاریخ معاصر از دیگر مطالبی بود که در بخش‌های قبلی این سلسله گفتار ازنظر گرامی‌تان گذشت.
اینک بخش پنجم آن را باهم می‌خوانیم.

مروری بر اهم استفاده از اصل غافلگیری در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

الف) استفاده از اصل غافلگیری در جریان تسخیر لانه جاسوسی

اقدام دانشجویان پیرو خط امام در اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ را می‌توان در زمره یکی دیگر از اقدامات غافلگیرکننده در تاریخ معاصر دانست. این غافلگیری تا آنجا بود که کارکنان لانه جاسوسی علیرغم آن که پیش‌تر با نمونه حملات گروه‌هایی به لانه برخورد کرده و به زعم خود، ترتیبات حفاظتی لازم را اندیشیده بودند، لیکن در مقابل اقدام دانشجویان به‌قدری غافلگیر شدند که فرصت امحاء همه اسناد را به دست نیاوردند.

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا خاطرات خود ازاین‌رویداد مهم و غافلگیرکننده را چنین روایت کرده است:

«روز یکشنبه چهارم نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ۱۳۵۸) تاریخی است که هرگز آن را فراموش نخواهم کرد. اوایل صبح آن روز برژینسکی گزارش داد سه هزار نفر از افراطیون،اعضای سفارت آمریکا را در تهران که تعدادشان ۵۰ یا ۶۰ نفر است، دستگیر کرده‌اند ... هیچ روشن نبود این مهاجمان چه می‌خواستند ... گروگان گیران هیچ‌گونه فکر مشخصی درباره اینکه در ازای آزادی گروگان‌ها چه می‌خواهند نداشتند، به‌جز اینکه بازگشت شاه و استرداد اموال وی را مطالبه کنند.
اولین هفته ماه نوامبر ۱۹۷۹دشوارترین ساعت زندگی‌ام بود.سلامت گروگان‌های آمریکایی در ایران به‌صورت یک نگرانی دائمی درآمده بود. صبح زود در باغچه‌های کاخ سفید مشغول قدم زدن می‌شدم و شب‌ها خواب به چشمم نمی‌آمد.همواره در این اندیشه بودم برای آزادی گروگان‌ها چه می‌شود کرد بدون اینکه احساسات و شرافت ملی خود را لکه‌دار سازیم.... باوجود نظارت دائمی ما به محوطه سفارت اطلاع دقیقی از محل نگهداری گروگان‌ها نداشتیم. افرادی که از گروگان‌ها محافظت می‌کردند، در انجام‌وظیفه خود مصمم و پیوسته در حال آماده‌باش بودند.»

ب) استفاده از اصل غافلگیری در جریان دفاع مقدس

در طول سال‌های گذشته بخصوص در جریان ۸ سال دفاع مقدس به‌طور مکرر هم موفق به غافلگیری دشمن شدیم و هم البته دچار غافلگیری از سوی دشمن شدیم. اقدامات متعددی انجام می‌گرفت تا مانع از لو رفتن اطلاعات مربوط به زمان و مکان انجام عملیات شود.

این اقدامات حفاظتی در سطوح مختلف و دراثنای انجام فعالیت‌های مختلف رعایت می‌شد.

علی‌اکبر پوری رحیم، فرمانده لشکر مهندسی ۴۰ صاحب‌الزمان (عج) در سال‌های دفاع مقدس در خصوص برخی از اقدامات حفاظتی که تأمین‌کننده اصل غافلگیری دشمن بود را چنین روایت کرده است:

عملیات بیت‌المقدس که منجر به فتح تاریخی خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ شد یکی از درخشان‌ترین و ماندگارترین اقدامات رزمندگان در ۸ سال دفاع مقدس محسوب می‌شود.

« نوع کارهای مهندسی از ارزش طبقه‌بندی برخوردار بود. یعنی کارها طوری بود که می‌توانست دشمن را به مقاصد بعدی رزمندگان اسلام مطلع نماید. ازاین‌رو باید با رعایت اصول خاص حفاظتی انجام می‌شد. خاطرم است که یک‌بار فرمانده‌مان(حاج علی زاهدی) به شهید شاهمرادی سفارش پلی با عرض و طول مشخص را داد.پلی که باید نیروهای زیادی از روی آن عبور نمایند. اما نگفت که این پل کجا می‌خواهد مورداستفاده قرار گیرد.توقع هم نداشتیم که از منطقه عملیاتی که قرار است این پل مورد بهره‌برداری قرار گیرد اطلاعی داشته باشیم. بچه‌ها شبانه‌روز مشغول کارشده و تمرین نصب این پل را هم در قسمتی از رودخانه کارون انجام دادیم.این تمرین هم در شرایط تقریبا واقعی انجام شد فقط آتشش موجود نبود، بقیه شرایط به نحوی واقعی برنامه‌ریزی شد تا میزان آمادگی نیروها موردسنجش و ارزیابی واقعی قرار گیرد»[1].

در ادامه مروری می‌کنیم بر اهم مواقعی که موفق به غافلگیری دشمن بعثی شدیم:

عملیات فتح المبین

عملیات فتح المبین به‌عنوان سومین عملیات بزرگ در تاریخ ۸ سال دفاع مقدس (بعد از عملیات طریق‌القدس و ثامن‌الائمه (ع)) نیز ازجمله حرکت‌های بزرگی بود که اصل غافلگیری دشمن در آن به‌دقت و درستی رعایت شد.

اجرای عملیات فتح المبین با اقداماتی توام بود که دشمن انتظار آن‌ها را نداشت. این امر بیشتر پیش‌بینی‌های او را در انجام عکس‌العمل‌های مناسب و منطقی و به‌موقع خنثی کرد .

در این رابطه، تمرکز و استقرار یگان‌های لشکر ۷۷ ارتش پیاده در منطقه شوش و جابجایی یگان‌های لشکر ۹۲ زرهی از اهواز به منطقه جنوب شرقی تنگ رقابیه و سایر شواهد و قرائنی که برای اجرای یک عملیات تهاجمی گسترده دلالت می‌نمود، موجب شد تا دشمن این گمان را ببرد که رزمندگان اسلام، به‌زودی دست به انجام عملیات در این مناطق خواهند زد.

بر همین اساس نیز شاهد آن بودیم که به‌منظور برهم زدن سازمان یگان‌های کشورمان، اقدام به انجام تک در جبهه‌های شوش و رقابیه نمود.

او با انجام این تک گمان برد که توانسته است ضربات لازم را بر یگان‌های ایران وارد نماید.با این خیال باطل عملیات قریب‌الوقوع توسط رزمندگان اسلام را دور از تصور خود می‌دانست. خیال باطلی که با آغاز عملیات فتح المبین در جبهه شمالی، برملا شد.

سردار شهید احمد سوداگر از فرماندهان عالی‌رتبه در طول ۸ سال دفاع مقدس،در خصوص تأثیرات این غافلگیری ارتش صدام در عملیات فتح المبین چنین گفته است:

« از عملیات فتح المبین به بعد عراق با سماجت بیشتری جلوی ما ایستاد. بنا به روایت اسناد موجود، از ستاد کل ارتش عراق پیامی به کلیه یگان‌ها مخابره گردیده بود مبنی بر اینکه «انتظار نداشته باشید ایرانی‌ها از روبه‌رو به شما حمله‌ور شوند، ممکن است از جناحین، از هوا و یا حتی با حفر تونل از زیرزمین حمله کنند» اگر می‌بینیم که در روزهای پایانی اردیبهشت ۱۳۶۱ عراق تیرآهن توی کوچه‌ها و خیابان‌های خرمشهر کاشته،یا ماشین‌ها را سروته در خاک فروبرده، به خاطر همین ابلاغیه و منبعث از آن بوده است.»[2]

عملیات بیت‌المقدس

عملیات بیت‌المقدس که منجر به فتح تاریخی خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ شد یکی از درخشان‌ترین و ماندگارترین اقدامات رزمندگان در ۸ سال دفاع مقدس محسوب می‌شود. مهم‌تر از آن،اصل غافل‌گیری دشمن بود. به‌طوری‌که می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های عملیات آزادسازی خرمشهر را در این سه عبارت خلاصه کرد. این عملیات با ۳ ویژگی:

- ریسک فرماندهی
- اصل غافلگیری دشمن
- سرعت نیروهای عمل‌کننده.

شناخته می‌شود[3].

معمول این بوده و است که بین هر عملیات با عملیات بعدی،۳ تا ۴ ماه فاصله باشد. به‌نحوی‌که در این مدت نقاط قوت و ضعف عملیات‌ها موردبررسی قرارگرفته فرصتی برای تجدید قوا و بازسازی یگان‌ها فراهم گردد.

«امیر سرتیپ مسعود بختیاری» از طراحان عملیات بیت‌المقدس در آزادسازی خرمشهر در توضیح این موضوع چنین گفته است:

«به‌عنوان نمونه، میان عملیات ثامن‌الائمه (ع) تا عملیات طریق‌القدس و همچنین بین عملیات طریق‌القدس و عملیات فتح‌المبین ۳ ماه فاصله بود. لذا اینکه بین هر عملیات با عملیات بعدی، یک‌فاصله سه تا چهارماهه باشد، به‌صورت یک عادت برای هر دو طرف درآمده بود؛ یعنی دو طرف وقتی عملیاتی می‌شد، تقریباً در این اطمینان بودند که تا ۴-۳ ماه آینده از عملیات خبری نیست. اما در این عملیات، ما تلاش کردیم تا عراق را در یک غافلگیری سرنوشت‌ساز قرار بدهیم. عراق فکر می‌کرد بعد از عملیات فتح‌المبین، عملیات بعدی ایران سه ماه یا چهار ماه دیگر شروع می‌شود، اما ایران در مدت‌زمانی کوتاه‌تر از آنچه عراق برآورد

بی‌اطلاعی و غافلگیری ارتش بعث صدام از توان و ویژگی‌های رزمندگان اسلام تا عملیات بیت‌المقدس تا بدان جا بود که حتی از وجود نیروهایی به نام پاسدار در جبهه‌های جنگ هم بی‌اطلاع بود.

می‌کرد، حمله را آغاز کرد.لذا بالا فاصله بعد از عملیات فتح‌المبین، حتی به یگان‌ها اجازه داده نشد که برای رفع خستگی به مرخصی بروند. دستور این بود که بلافاصله به منطقه بیت‌المقدس در جنوب اهواز نقل‌مکان کنند. درواقع یک مسافت ۳۰۰ کیلومتری را از شمال خوزستان به جنوب خوزستان آمدند.لذا سرعت در اجرای این عملیات، چه ازنظر تهیه پشتیبانی و چه ازنظر طرح‌ریزی، یکی از عوامل غافل‌گیری عراق بود. زمانی که ما حمله به عراق را شروع کردیم، عراق فکر نمی‌کرد که ایران با این فاصله کوتاه توانسته باشد خودش را برای عملیات بعدی آماده کند.»[۴]

بی‌اطلاعی و غافلگیری ارتش بعث صدام از توان ویژگی‌های رزمندگان اسلام تا عملیات بیت‌المقدس تا بدان جا بود که حتی از وجود نیروهایی به نام» پاسدار» در جبهه‌های جنگ هم بی‌اطلاع بود.سردار شهید احمد سوداگر دراین‌باره چنین گفته است:

«... عراق در ابتدای جنگ فقط ارتش ما را دید که با دو حادثه انقلاب و تصفیه عناصر رده‌بالای ضدانقلابی و کودتاچیان شبکه نقاب تقریباً توان بسیاری را ازدست‌داده و فقط حزب‌اللهی‌ها و انقلابی‌ها به رتق‌وفتق امور ارتش می‌پرداختند. طبیعی بود که چنین ارتشی بسیار ضربه‌پذیر و شکننده به نظر می‌رسید و همین امر باعث شد تا صدام تصور کند که می‌تواند سه‌روزه و یا نهایتاً یک‌ماهه ایران را شکست دهد. ولی وقتی با دفاع جانانه‌ی مردم، سپاه و ارتش روبه‌رو شد، ضربه‌ی سنگینی خورد. عراق اصلاً روی پتانسیل انقلاب حساب نکرده بود.. تا عملیات بیت‌المقدس این نیروهای پنهان، عراق را غافل‌گیر کردند و باعث پیروزی‌های ما شدند.تا عملیات بیت‌المقدس نمی‌دانست که نیروهایی هم به‌عنوان سپاهی در جبهه حضور دارند ولی با اسیر کردن این نیروها فهمید،یک عده رزمنده‌هایی هستند که ارتشی نیستند و داوطلب به جنگ آمده‌اند.آن زمان بود که به عقلانیت رسید و موضع محکمی گرفت.»[۵]

ساخت پل ۱۴ کیلومتری خیبر بر روی اروند

ساخت پل عظیم خیبر آن‌هم زیر دید و آتش مستمر دشمن بعثی از دیگر اقدامات برجسته در دوران ۸ سال دفاع مقدس محسوب می‌شود که نقش رعایت اصول حفاظتی و غافلگیری به نحو بارزی در جریان ساخت قطعات آن و نیز نصب آن دیده می‌شود. پلی که با نصب آن بر روی اروندرود، صدای آمریکا اعلام کرد:

« امروز بزرگ‌ترین پل تاکتیکی دنیا در هورالهویزه به طول ۲۰ کیلومتر به دست ایرانی‌ها ساخته شد.»

سردار وفایی که مسئول اجرایی پل خیبر را بر عهده داشته، در توصیف ابعاد و عظمت این پل چنین می‌گوید:

«بزرگ‌ترین کار مهندسی- رزمی سپاه در عملیات خیبر در قالب ساخت پل خیبر به طول ۱۴ کیلومتر انجام شد. این پل زیر آتش شدید دشمن بر روی هورالهویزه زده شد و دشمنان را به اعترافات قدرت مهندسی سپاه را واداشت. همین‌الان نصب یک پل ۱۴ کیلومتری روی مانند آبی مانند هورالهویزه،کار سختی است چه برسد به زمان جنگ با آن محدودیت امکانات و دشمن پیش رو مجهز به تمام امکانات اطلاعاتی.

اگر قرار بود پل خیبر که در عملیات خیبر برای پشتیبانی منطقه احداث شد، در زمان عادی ساخته شود، هیچ مشکلی نبود ولی این قضیه در زمان جنگ کاملا فرق می‌کند چراکه از همان ابتدا شما برای احداث این پل نبایستی زمین را به هم بزنید. مهندسی برای انجام کار مجبور است گودالی حفر کرده یا مصالحی دپو کند یا... و این یعنی به هم زدن زمین.

خب وقتی هم که زمین به هم خورد، دشمن چه بادید مستقیم و چه به‌وسیله ماهواره‌ها آگاه می‌شود. در این شرایط حساب کنید که بایستی۳۰ کیلومتر پل در تهران ساخته و به منطقه حمل می‌شد و هیچ‌کس حتی سازندگان آن‌هم نباید متوجه می‌شدند که این پل برای کجاست؟ طبیعتا این تنگناها، کار را بسیار دشوار می‌کرد.»[۶]

عملیات والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ یکی از پیچیده‌ترین عملیات رزمندگان اسلام در طول ۸ سال جنگ تحمیلی بود.عملیاتی که درنتیجه ترکیب» ایمان،اراده ،تدبیر و ایثار» انجام و به موفقیت منتهی شد.

در این عملیات، شاهد استفاده تام رزمندگان اسلام از اصل غافلگیری بودیم به‌نحوی‌که ماه‌ها فعالیت برای زمینه‌سازی انجام این عملیات به‌دوراز هرگونه اقدامی که منجر به حساسیت و بیداری دشمن شود،صورت گرفته و اصل عملیات نیز با انجام اقدامات فریبی از دید دشمن مخفی نگه‌داشته شد. دشمن نیز به منطقه فا و حساس بود و امکانات متنوعی را برای رصد فعالیت رزمندگان اسلام بکار گرفته بود. اهم این ابزار و اقدامات نیروهای بعثی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- به‌منظور کنترل و دیده‌بانی منطقه دکل‌های ۴۲ متری را بکار گرفته بودند که در فاصله ۱۰۰ متری یکدیگر مستقرشده و کلیه جاده‌های منطقه

به‌ویژه جاده‌هایی که عمود بر رودخانه اروند بودند را زیر نظر داشتند.

- علاوه بر آن،هواپیماهای ارتش بعث هفته‌ای یک‌بار اقدام به عکس‌برداری هوایی از منطقه می‌کردند تا بتوانند تغییرات زمین و تجمعات و احداثات جدید در منطقه را کشف نمایند.
- دستگاه‌های«رازیت» در اختیار ارتش بعث صدام نیز تمامی رفت‌وآمد خودروها و نوع خودروها را هم ثبت می‌کرد.
- طوایفی در آن منطقه حضور داشتند بودند که اقوامی در عراق و منطقه بصره داشته و با آن‌ها در ارتباط بودند.بدیهی است این افراد نیز می‌توانستند عامل جمع‌آوری اطلاعات برای ارتش بعثی باشند.
- گروه‌هایی مثل منافقین و عوامل سلطنت‌طلب و خلق عرب هم بودند که از طرق مختلف ازجمله تخلیه تلفنی،وظیفه جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی را برای دشمن داشتند.
- عراقی‌ها یک پست شنودی را در شمال دریاچه نمک در محل لشکر ۲۶ پیاده خود مستقر کرده بودند که این پست شنود، با فعال کردن یک دکل در اول جاده «ام القصر» تا عمق ۶۰ کیلومتری جبهه ایران را می‌توانست شنود کند.
- معابر آبی هم در نخلستان‌ها وجود داشت که به‌وسیله یک قایق کوچک به‌راحتی می‌شد از طریق آب اطلاعات کسب کرد.
- تیم‌های گشتی عراق نیز در منطقه نیز به رصد اوضاع می‌پرداختند.
- مهم‌تر و مؤثر از همه این‌ها،کمک‌های اطلاعاتی غرب و شرق به ارتش صدام بود.

در کنار این اقدامات تامینی و رصدی که ارتش بعث صدام تدارک دیده بود، موانع بی‌شماری را نیز بر سر راه قرار داده بود که عبور از آن‌ها نیز دشوار می‌نمود.

سردار مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا در جریان آزادسازی فا و که موفق به اهتزاز درآوردن پرچم متبرک به حرم مطهر امام رضا (ع) بر فراز گلدسته مسجد شهر فا و شد، دشواری‌های پیش روی فتح فا و و عبور از اروندرود پیچیده و پرخروش

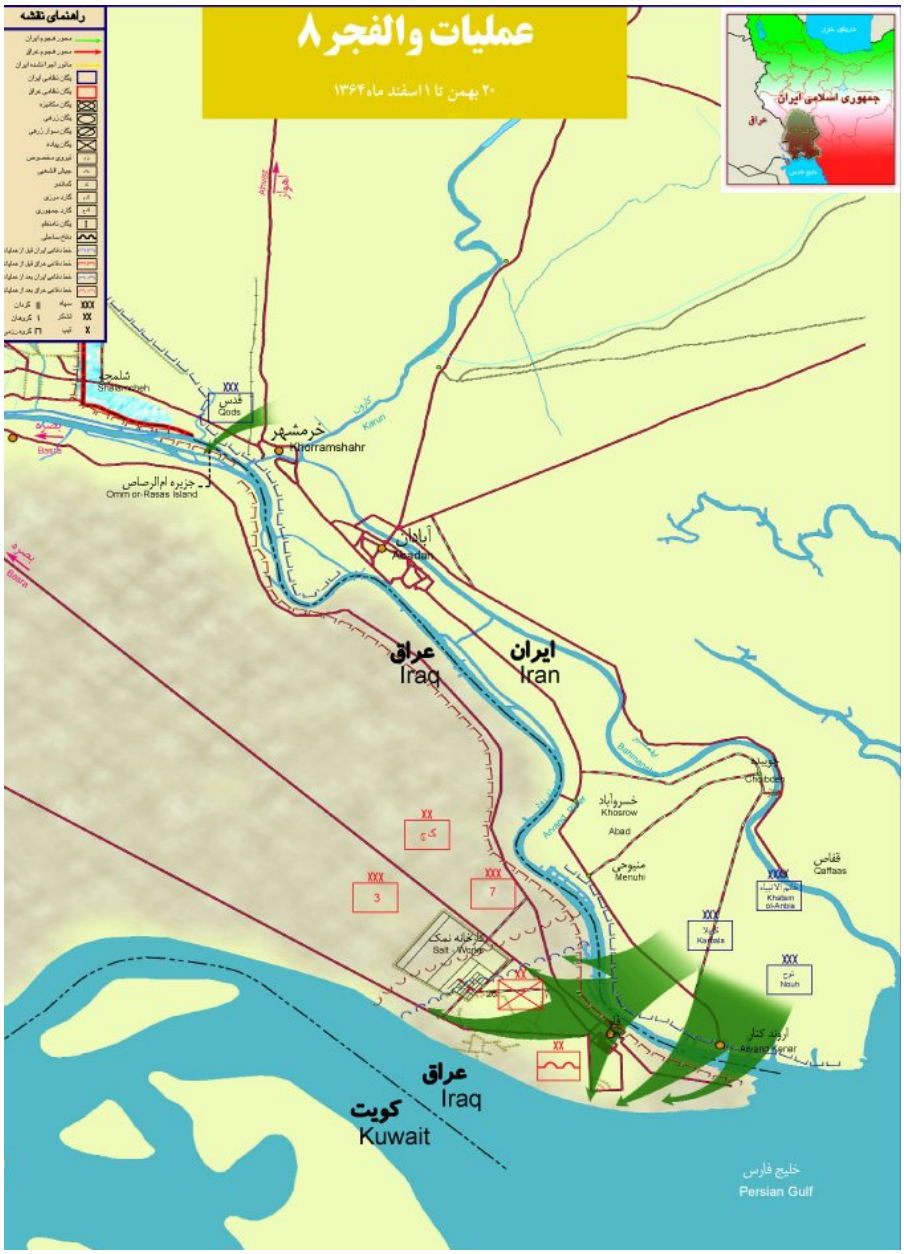

را چنین بازگو کرده است:

«برای ورود به شهر ابتدا لازم بود که از ۳ کیلومتر عرض رودخانه اروند عبور بکنیم. این ۳ کیلومتر عرض در همه نقاط اروندرود هم ثابت نیست. عرض اروندرود از ۳ کیلومتر شروع می‌شود تا ۸۰۰ متر هم می‌رسد. منتهی با باتلاق و گل‌ولایی که وجود دارد این حداقل عرض به۵/۱ کیلومتر می‌رسید. مضافا اینکه ما در پشت سرمان، رودخانه بهمنشیر را هم داشتیم. درواقع ما باید از ۲ رودخانه عبور می‌کردیم. به‌این ترتیب که باید ابتدا می‌رفتیم بهمنشیر، ازآنجا می‌رفتیم جزیره آبادان و از آباد آن‌هم به اروندرود می‌رسیدیم.

از اروندرود که عبور می‌کردیم تازه می‌رسیدیم به‌گل و باتلاقی که به عرض۲۰۰-۱۵۰ متر بود از این‌گل و باتلاق باید نفر، ادوات و تجهیزات‌را عبور می‌دادیم.بعد از عبور از باتلاق می‌رسیدیم به میله‌های خورشیدی که امکان عبور برای افراد میسر نبود. بعدازآن، سیم‌های خاردار وجود داشت. بعدازآن مین‌های والمر کاشته بودند که‌موج و ترکش انفجارش تا ۶۰ متر را تحت پوشش خود می‌گیرد.

بعدازآن‌ها، بازهم مین‌های۵۰X کاشته بودند. بعد از این‌ها مجدد می‌رسیدیم به سیم‌خاردارهای ۳ رشته‌ای توپی بزرگ و بعدازاین خط هم که دشمن قرار داشت

در عملیات والفجر، دستورالعمل حفاظتی خاص تهیه و ابلاغ شد. در این دستورالعمل همه اقدامات در منطقه مشخص و برای هر کدم از اقدامات شناسایی دشمن، راهکارهای مواجهه در نظر گرفته شده بود.

با انواع و اقسام تسلیحات انفرادی و جمعی .

سنگرهای دشمن هم از ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار بود. مثلا در برخی جاها،اسکله‌هایی که سرباز عراقی در آن قرار داشتند آن‌قدر بلند بود که رزمنده ایرانی باید ۱۰ متر بالا پرواز می‌کرد تا می‌توانست سرباز عراقی را هدف قرار بدهد. امکان اصابت تیر مستقیم از داخل آب به نفر و سنگر عراقی وجود نداشت. ما در خشکی این مشکل را نداشتیم. همین که پیشروی می‌کردیم به مانعی که برخورد می‌کردیم می‌نشستیم اول سنگر را هدف قرار می‌دادیم بعد نیروهای داخل آن را می‌زدیم. اما در داخل آب، امکان استفاده از هیچ‌گونه تسلیحاتی برایمان وجود نداشت. چون نیروهای درون آب غواص بودند با تجهیزات مختص به خودشان و نیروهای پیاده و عملیاتی هم‌پشت سر آن‌ها حرکت می‌کردند. یعنی اول، غواص خط را می‌شکست آن‌وقت نیروهای عملیاتی و پیاده با قایق می‌زدند به قلب دشمن، تازه همین قایق‌ها هم بعضا به میله‌های خورشیدی برخورد می‌کردند و نیروهای آن پیاده شده و بقیه مسیر را پیاده طی می‌کردند..»[۷]

همه این‌ها نشان می‌دهد که دشمن از این منطقه و اهمیت آن غافل نبود بلکه سرمایه‌گذاری زیادی را برای حفاظت از آن انجام داده بود. اقداماتی که ضرورت انجام اقداماتی به‌منظور فریب و غافلگیری او را اجتناب‌ناپذیر ساخته بود.

به همین دلیل و به‌منظور غلبه بر این شرایط تدابیر مهمی اتخاذ گردید.

- انتخاب منطقه فریب
- انجام تک‌های مجزا توسط ارتش و سپاه در مناطق مختلف
- انجام تک پشتیبانی در منطقه‌ام الرصاص و بوآرین توسط سپاه
- انجام اقدامات مهندسی در منطقه سومار

اهم اقدامات مهمی بود که قبل از آغاز این عملیات انجام شد تا زمینه برای غافلگیری دشمن و بر هم خوردن آرایش و تمرکز او به وجود آید[۸].

سردار بحرینی، معاونت عملیات منطقه غرب سپاه، مسئول مهندسی منطقه ۷، فرماندهی لشکر ۴۳ امام علی(ع)، قائم‌مقام اداره مهندسی، قائم‌مقام قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) و معاون عمران قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز در خصوص اهم اقداماتی که موجبات غافلگیری دشمن در این عملیات را فراهم آورد چنین گفته است:

«اصل بر رعایت اصول حفاظتی بود. مثلا در عملیات والفجر ۸ از ما خواستند تا نیروها را آموزش بدهیم. نگفتند برای چه منظوری و برای کدام منطقه؟ حتی فرمانده لشکر هم خبر نداشت. برای این منظور آمدیم نیروهای مهندسی را لباس ژاندارمری پوشاندیم تا حساسیت دشمن را جلب نکند چون رایج بود که در خط، دائم نیروهای ژاندارمی مدام رفت‌وآمد داشتند و این امر موجب می‌شد تا دشمن حساسیتی به آمدورفت آن‌ها نداشته باشد. لذا این افراد بالباس ژاندارمری، به‌صورت نوبتی می‌رفتند و کارهایشان را انجام می‌دادند.»

برای رعایت دقیق‌تر اصول حفاظتی، دستورالعمل حفاظتی خاص منطقه عملیاتی والفجر ۸ تهیه و ابلاغ شد. دستورالعملی که طی آن‌همه اقدامات از» تهیه و تکثیر تمامی کالک ها و نقشه‌های عملیاتی گرفته تا نحوه حضور فرماندهان و نیز نحوه حضور نیروهای شناسایی در منطقه» مشخص و برای هرکدام از اقدامات شناسایی دشمن(مانند استفاده از دیده‌بان، گشتی‌ها و عکس‌های هوایی و رادار رازیت و استفاده از ستون پنجم) راهکارهای مواجهه فعل در نظر گرفته‌شده بود[۹].

اهم اقدامات حفاظتی که برای موفقیت‌آمیز عمل کردن در این عملیات بکار گرفته شد را می‌توان در حوزه‌های مختلف به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود:

الف) حفاظت عقبه شامل:

- استقرار نیرو در عقبه
- حرکت شبانه نیروها و استقرار در مناطق‌روستایی‌وخانه‌های‌مسکونی
- انجام ارتباطات با رمز
- کنترل فعالیت افراد غیر و حذف و انتقال غیر محسوس افراد مشکوک از منطقه.
- تخلیه منطقه نبرد از مردم محلی تخلیه به بهانه برنامه و اقدامات عراق برای بمباران منطقه

ب) حفاظت ترددها، جلسات و جابجایی‌ها شامل:

- اعمال کنترل شدید روی ترددهای نیروها
- منع تردد با خودرو فرماندهی
- برگزاری جلسات تحت حفاظت خاص
- عدم ورود علنی و احتیاط در فعالیت‌ها.
- ارائه سهمیه به یگان‌ها برای تردد و جابه‌جایی
- توجیه حفاظتی رانندگان و استفاده از وسایل نقلیه شخصی و عمومی جهت انتقال نیرو تجهیزات و عدم شک آفرینی برای دشمن

ج) حفاظت اقدامات فرماندهی و مهندسی شامل:

- متمرکز کردن مرکز طراحی و اجرا
- عدم احداث مواضع پدافندی تا زمان شروع عملیات
- انجام فعالیت مهندسی در شب
- احداث جاده زیرپوشش نخلستان
- انتقال نامحسوس و مخفی دستگاه‌های مهندسی
- رده‌بندی کالک عملیات

د) حفاظت در شناسایی‌ها شامل:

- تمرکز قرارگاه شناسایی
- اجرای حداکثر حفاظت بر روی عناصر شناسایی
- استفاده از نیروهای مجرب در شناسایی ها
- ممنوعیت ارتباط عناصر شناسایی با دیگران و عقبه به‌جز فرمانده مشخص.
- افزایش عملیات فریب شناسایی در منطقه‌ای که به‌عنوان منطقه عملیات فریب انتخاب‌شده بود
- توجیه نیروهای شناسایی برای توجیه عملیات خود در صورت کشف یا به اسارت دشمن درآمدن.

رعایت همه‌جانبه اصول حفاظتی و دقت در به‌کارگیری فنون و مهارت‌های لازم برای غافلگیر کردن دشمن با توصیفی که گفته شد چنان کار آرایی خود را نشان داد که فرماندهان ارتش بعث،پس از شنیدن تصرف شهر مهم فا و به‌وسیله رزمندگان اسلام، نمی‌توانستند آن را باور کنند.یکی از فرماندهان عراقی، وضعیت نبرد را به رده‌بالاتر چنین گزارش می‌دهد:

«دشمن (ایران) مانند سیل به‌وسیله قایق و بالگرد، نیرو پیاده می‌کند و بازمی‌گردد.

رعایت همه جانبه اصول حفاظتی و دقت در به کارگیری فنون و مهارت‌های لازم برای غافلگیر کردن دشمن چنان کارآیی خود را نشان داد که فرماندهان ارتش بعث بعد از شنیدن تصرف شهر مهم فاو نمی‌توانستند آن را باور کنند.

اگر چاره‌ای نکنید می‌روند ام‌القصر را هم می‌گیرند؛ وضعیت ما بسیار بد است.»[۱۰]

همچنان که پیش‌تر نیز گفته شد،غافلگیری منجر به ازهم‌پاشیدگی نظام تصمیم‌گیری طرف مقابل می‌شود.نتیجه‌ای در این عملیات نیز رخ داد و شاهد آن بودیم که زمانی که دشمن تا مدت‌ها پس از آغاز عملیات، همچنان در پی کشف محل تک اصلی بود.

لیکن وقتی هم که متوجه اصلی بودن اقدام رزمندگان اسلام در منطقه فا و می‌شود،بدون اتخاذ تدبیر درستی،با اتخاذ تصمیمات عجولانه به سرازیر کردن واحدهایی از لشکر گارد جمهوری و تیپ‌های کماندویی برای جلوگیری از پیشروی نیروهای اسلام اقدام کرد که با آتش پرحجم و مؤثر توپخانه خودی و نیروهای پیاده روبه‌رو،مجدداً تلفاتی را متحمل می‌شوند و تجهیزاتشان منهدم شد.بدین ترتیب، از این زمان به بعد است که آگاهی دشمن نسبت به وسعت تک نیروهای خودی بیشتر می‌شود[۱۱].

مقام معظم رهبری در خصوص ابعاد این بعد از عملیات والفجر ۸ چنین فرموده‌اند :

«... ما والفجر ۸ را که حرکت نشدنی و باورنکردنی است داشتیم درحالی که ماهواره‌های آمریکایی برای عراق لابد این موضوع را شنیدید و مطلعید کار می‌کردند؛ اطلاعات به آن کشور می‌دادند؛ یعنی دائماً قرارگاه‌های جنگی رژیم بعثی با دستگاه‌های خبری آمریکایی و با ماهواره‌هایشان مرتبط بودند و آن ماهواره نقل‌وانتقال و تجمع نیروهای ما را ثبت می‌کردند و بلافاصله به آن اطلاع می‌دادند که ایرانی‌ها کجا تجمع کرده‌اند و کجا ابزار کار گذاشته‌اند. حتما می‌دانید که اطلاعات در جنگ نقش بسیار مهم و فوق‌العاده‌ای دارد اما زیر دید این ماهواره‌ها، ده‌ها هزار نیرو رفتند تا پای اروندرود و دشمن نفهمید! ... این‌ها با کامیون با وانت .... توانستند ده‌ها هزار نیروی انسانی را با پوشش‌های عجیب‌وغریب و در شب‌های تاریکی که ماه هم در آن شب‌ها نبود به کناره اروندرود منتقل کنند و از اروندرود که عرض آن در بعضی از قسمت‌ها به ۳ - ۲ کیلومتر می‌رسد این نیروهای عظیم را عبور بدهند به آن‌طرف از زیر آب و با آن وضع عجیبی که اروند دارد ... این کار کار همین دانشجوها و همین جوانان و همین نخبه‌هایی دارد که در بسیج و در سپاه بودند.»[۱۲]

عملیات خیبر

عملیات خیبر نیز از جمله اقدامات مهم و تاثیر گذار در جریان ۸ سال دفاع مقدس بود که اصل غافلگیری در آن کار آیی خود را نشان داد. سردار شهید احمد سوداگر در این خصوص چنین گفته است:

«... از عملیات والفجر مقدماتی به بعد دست به شناسایی زدیم تا زمین مناسبی برای عملیات پیدا کنیم. در شناسایی‌های متعدد به پاسگاه سابله‌ی عراق رسیدیم و با مشکل مواجه شدیم. از چزابه به بالا در جنگل امقر، تنگه‌ی زلیجان پاسگاه صفریه، از صفریه به بالا طاوسیه و رشیدیه و فکه. پاسگاه فکه، چزابه ... این شناسایی‌ها حدود ۱/۵ تا دو سال شناسایی‌ها طول کشید که ما به هور رسیدیم. در هور هم بعد از تشکیل یک قرارگاه به نام «قرارگاه شناسایی نصرت» حدود یک سال شناسایی‌های شبانه‌روزی انجام گرفت تا ببینیم می‌توانیم از عنصر غافل‌گیری در انتخاب زمین بهره ببریم و از هور بگذریم یا خیر؟... می‌خواستیم جنگ را در سرزمین‌های ناشناخته و در زمین‌هایی که عراق توان وارد شدن به آن را نداشته باشد و در محلی که نیروهای عراق حتی تصور آن را نمی‌کردند، ادامه دهیم. ما نیروهای پیاده باانگیزه و جرأت داشتیم، ولی تجهیزات زرهی و سنگین نداشتیم. بنابراین تصمیم گرفتیم برویم توی هور تا معادله را به نفع خود عوض کنیم... بعد از عملیات والفجر مقدماتی ما قضیه‌ی اطلاعات و عملیات را بسیار جدی می‌گرفتیم و خیلی با احتیاط عمل می‌کردیم. مثلاً در عملیات‌های بعد ۱۰ تا ۱۵ روز مانده به عملیات، اهداف برای فرماندهان شرح داده می‌شد و نیروها زمان عملیات توجیه می‌شدند تا حساسیت دشمن زیاد نشود.... با چه مشقت و رنجی فرمان مناسب را با رعایت کامل اصول حفاظتی ابلاغ می‌کردیم تا حساسیت دشمن را برانگیخته نکنیم. اطلاعات کاملاً طبقه‌بندی می‌شد و ما به بلوغ عملیاتی دیگری رسیده بودیم. عراق تا قبل از این عملیات شاید به‌سادگی می‌توانست در جریان فعالیت‌های ما قرار بگیرد. دستگاه‌های جاسوسی دنیا و آواکس‌ها و... هم که در خدمتش بود. ولی در این عملیات واقعاً ارتش بعث را غافلگیر کردیم. از سرزمینی حمله کردیم که اصلاً فکرش را هم نمی‌کرد.»[۱۳]

سردار سرلشکر غلامعلی رشید درباره استفاده از اصل غافلگیری و درانداختن طرح‌ها و تاکتیک‌های ابتکاری در این عملیات چنین می‌گوید:

«از نکات جالب عملیات خیبر به لحاظ تاکتیکی این است که باز ما آمدیم، راه‌های تاکتیکی خاصی را ابداع کردیم. یعنی رفتن در این آب، خودش یک ابتکار بود. خوب حالا می‌آییم و می‌خواهیم در این منطقه بجنگیم. بالاخره تاکتیک متعارف به ما حکم می‌کند که بیاییم

یکی از تاثیرات تاکتیکی عملیات خیبر مجهز شدن تمام یگان‌های سپاه به سازمان واحدهای دریایی بود.

از وسایل مکانیزه استفاده کنیم. وسایل مکانیزه‌ی مخصوص این آب که در دنیا هست و ساخته‌اند. ولی ما به دلیل همان گرفتاری مالی [و تحریم‌های تسلیحاتی] که داشتیم نمی توانستیم از چنین تجهیزاتی استفاده کنیم و صرفاً از همین قایق‌های ماهیگیری و قایق‌های تفریحی معمولی استفاده می کنیم. این‌ها همه حسن و قدرت این نیرو این رزمنده‌ها را می‌رساند. طوری که مأیوس نمی‌شوند و این مانع‌های عظیم موجب نمی‌شود که بگویند دیگر نمی‌شود جنگید .بلکه مرتباً فکر می کنند و یک‌راه حل می‌دهند که یکی از آن‌ها ساختن قایق عاشورا بوده است. قایق‌هایی که از روی قایق‌های قاچاقچی‌ها که در خلیج فارس تردد می کردند، الگوبرداری شد. بنابراین از مرز موانع گذشتن، هر کدام یک تاکتیک خاص است. یعنی استفاده از قایق ساده به جای مکانیزه، خودش یک تاکتیک است. در واقع می‌شود گفت یکی از تأثیرات تاکتیکی عملیات خیبر مجهز شدن تمام یگان‌های سپاه به سازمان واحدهای دریایی بود.حالا این را من خیلی ساده عرض می کنم، ولی خوب خداوکیلی باید دید آن لشکر و یگانی که آمده این واحد را در خودش ایجاد کرده، چه قدر کار کرده، چه قدر زحمت‌کشیده، چه قدر آدم پای کار آورده و چه قدر به خودشان سختی دادند، تا راه و روش خودشان را عوض کنند. خوب این‌ها [یگان‌های سپاه] در منطقه خاکی می‌جنگیدند، روی یک زمین سفت می‌جنگیدند.حالا یک‌باره باید در مدت‌زمانی بسیار بسیار کم بیایند و روی قایق سرمایه‌گذاری کنند.آن‌هم به دلیل رعایت اصل غافلگیری که واقعاً پرداختن به این اصل در حد مطلوبش در جنگ اگر بخواهیم نمره بدهیم، خیبر نمره اول را می آورد که چقدر تلاش شد و چه راه‌هایی اتخاذ شد تا این غافلگیری رعایت شود و خود آن هم تاکتیک‌های مختلفی را به کار گرفتند تا این غافلگیری رعایت شد. البته موضوع رعایت این اصل، ما را محدود کرده بود. چون ما نمی‌دانستیم که از یک سال قبل به یگان‌هایمان بگوییم،آقا! قرار است ما در منطقه‌ای به نام خیبر بجنگیم، حالا تو بیاوبرو به بوشهر یا ماهشهر یا یکجایی کنار رودخانه‌ای ۵۰۰-۴۰۰ فروند قایق هم بگیر، آموزش بده و یگانت را مجهز کن. نه. این کار صورت نگرفت.بلکه به دلیل همان گرفتاری که در بحث حفاظت داشتیم، مأموریت یگان‌ها را دفعتاً ابلاغ کردیم. یعنی واقعاً [از زمان ابلاغ تا آغاز عملیات] یک ماه هم نشد.»[۱۴]

پی‌نوشت‌ها:

۱. در گفتگو با نویسنده مقاله
۲. نشریه تخصصی فرهنگ و هنر پایداری: پلاک هشت، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۴
۳. گفتگو با امیر سرتیپ بختیاری - روزنامه ایران - ۸۶/۳/۲
۴. http://www.parsnews.com/ ۹۳/۳ - کد خبر: ۲۱۵۷۹۴
۵. مصاحبه با سردار احمد سوداگر در آستانه عملیات خیبر - نشریه تخصصی فرهنگ و هنر پایداری: پلاک هشت، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۴
۶. در گفتگو با نویسنده مقاله
۷. از گفتگوی سردار قربانی با نویسنده مقاله - ماهنامه پیام انقلاب - شماره بهمن ۱۳۹۰
۸. http://defence2012.blogfa.com به نقل از مشرق نیوز
۹. فصلنامه نگین - شماره ۳
۱۰. سایت ساجد ـ به نقل از کتاب حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس
۱۱. غافلگیری دشمن در عملیات والفجر ۸- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه - فصلنامه نگین- شماره ۳
۱۲. از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان- ۸۳/۷/۵
۱۳. مصاحبه با سردار احمد سوداگر در آستانه عملیات خیبر - نشریه تخصصی فرهنگ و هنر پایداری: پلاک هشت، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۴
۱۴. نشریه نگین - مرکز مطالعات جنگ سپاه - شماره ۴۳ - زمستان ۱۳۹۱

احساس نیاز به امنیت از نخستین و مهم‌ترین نیازهای حیاتی و گرایش‌ها در وجود بشر می‌باشد که از ابتدای خلقت انسان همراه با او بوده است.

بازشناسی مفهوم امنیت

مجتبی جامعی
محمد عبدالهیان

مقدمه:

احساس نیاز به امنیت از نخستین و مهم‌ترین نیازهای حیاتی و گرایش‌ها در وجود بشر می‌باشد که از ابتدای خلقت انسان همراه با او بوده است. به عبارتی هر نوع برنامه‌ریزی و اجرای آن در حیات اجتماعی انسان بدون برخورداری از امنیت غیرقابل‌تصور است. این احساس نیاز در جوامع بشری به‌اندازه قدمت تاریخ بشر می‌باشد.اما مطالعات نظری درباره مفهوم امنیت و احساس آن، حداکثر مربوط به چند دهه اخیر است که در این نوشتار به‌صورت اجمالی بدان پرداخته می‌شود.

معانی لغوی

واژه امنیت به معنی در امان بودن، ایمن شدن، بی‌بیمی[۱]، ایمنی، آرامش و آسودگی به کار رفته و کلمه امن به معنی، بی‌ترس، اطمینان، آسایش، آرامش قلب و ضد خوف آمده است[۲]. این واژه در زبان عربی از ریشه عربی «امن» گرفته‌شده و از این ریشه در گذشته کلمه امنیه برای سرباز مامور حفظ نظم و آرامش درراه‌ها و خارج شهر اخذ شده بود[۳]. در دانشنامه سیاسی، امنیت در لغت، حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی یا هر تهدید و حمله را گویند. در زبان لاتین اصلی‌ترین کلمه که به معنی امنیت به‌کار رفته و دارای بار سیاسی و اطلاعاتی است، واژه security است که از واژه secure منشعب گردیده و دارای معانی آسایش، امنیت خاطر، اطمینان، تأمین، مصونیت، تضمین، ضمانت، ایمنی و سلامت است. واژه «safety» نیز به معنای ایمنی، امنیت، سلامت، محافظت، اطمینان، در امان بودن، خلاصی و رهایی به کار می‌رود[۴].

معانی اصطلاحی

لارونس مارتین (Lurence Martin) امنیت را تضمین رفاه آتی می‌داند[۵].

جان ئی مورز (John E.Morz) امنیت را رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش تعریف می‌نماید[۶].

آرنولد وولفرز (Arnold Wolfers) می‌گوید: امنیت در معنای عینی آن یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد[۷]. باری بوزان (Barry Buzan)، نظریه‌پرداز مکتب کپنهاگ نیز امنیت را حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) و احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید تعریف می‌کند.

مفهوم امنیت

امنیت ازجمله دیرپاترین آمال بشر و یکی از لوازم و شروط بهزیستی و بهروزی وی تلقی گردیده و از دیدگاه آبراهام مازلو (Abraham Maslow)، ابزار حرکت به سوی خود شکوفایی انسانی محسوب می‌شود؛ به طوری که در اولویت‌بندی نیازهای بشری، بلافاصله پس از نیازهای اولیه (هوا، غذا، مسکن و پوشاک) نیاز به امنیت را جای داده و سایر نیازهای بشر را علی‌رغم اهمیت و ضرورت غیر قابل انکار، در اولویت‌های بعدی جای داده است[۸].

«هرم نیازهای مازلو»

امنیت با تعریف مفهوم مخالف یعنی ناامنی و بیان شاخص‌های وضعیت فقدان امنیت نیز قابل تقریب به ذهن است. امنیت از آن گروه مفاهیمی است که به‌رغم ادراک‌پذیری به عنوان یک نیاز عمومی تاکنون در میان نخبگان سیاسی و امنیتی تعریف یکسانی از آن به عمل نیامده است؛ لذا تعاریف متعددی از مفهوم امنیت به عمل آمده که ناشی از رویکرد مکاتب فکری با موضوع امنیت است.

باری بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، دست‌کم سیزده تعریف مختلف از امنیت ارائه داده که هر یک از آن‌ها

امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحادها است.

در پی ارائه درکی از امنیت می‌باشند[۹]. رابرت ماندل (Robert Mondel) می‌گوید: ارائه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحادها است. علی ایحال امنیت در اصل پدیده‌های ادراکی و احساسی است؛ یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در اذهان توده مردم، دولتمردان، زمامداران و تصمیم‌گیران به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد.

ویژگی‌های امنیت

الف) امنیت جامع است بدین صورت که هر حوزه‌ای را که برای اداره امور جامعه ضروری است در بر می‌گیرد.

ب) امنیت تجزیه‌ناپذیر است؛ یعنی فقدان امنیت در هر بعد از ابعاد متصوره آن، به‌کل امنیت صدمه می‌زند.

پ) امنیت ذاتی است؛ ذاتی به معنای عدم نیاز به علت و دلیل و گریز لذا امنیت یعنی مصونیت و نیاز به مصونیت و عامل مصونیت و مدافع مصونیت.

ت) ضریب همبستگی امنیت با سایر شئون حیات اجتماعی و فردی انسان، تابع سطوح امنیت است نه بالعکس؛ تقدم امنیت به عنوان یک نعمت مجهول‌القدر بر سایر نعمت‌ها، امری غیر قابل انکار است.

ث) امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ در شناخت آن باید به ناامنی توجه کرد. ادراک عمد تا خصلت نظری و انتزاعی و ذهنی دارد. این جنبه از ادراک را درک مفهومی می‌نامند. جنبه حسی و عینی ادراکی، همان احساس است. در افراد مختلف به‌طور طبیعی احساس‌ها متنوع است و به لحاظ این که در انواع روابط اجتماعی تا چه اندازه متنفع یا متضرر می‌شوند، این احساس طیفی از احساس ناامنی شدید (متضررترین افراد) تا احساس امنیت زیاد (متنفع‌ترین افراد) را تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین وضعیت‌های اجتماعی که افراد به‌طور نسبتاً پایدار در آن قرار دارند و به تعامل می‌پردازند، عبارت‌اند از: محیط خانوادگی، محیط کار و محیط اجتماعی [۱۰].

گفتمان امنیت

امنیت به دو گفتمان امنیت سلبی و امنیت ایجابی شناسایی و تقسیم می‌گردد که هریک بیانگر تلقی متفاوتی از امنیت هستند.

گفتمان سلبی (Negative Discourse)

یک گفتمان تهدید محور و برون‌نگر است که منشأ تهدید را خارجی می‌داند. این نگاه بر جنبه سخت‌افزاری امنیت تأکید داشته و امنیت را تا حد تهدید تنزل می‌دهد.

نگاه سلبی همچنین یک نگاه تراکمی است. بدین معنا که با پیشرفت زمان، هر بار نوع جدیدی از تهدیدات شکل می‌گیرند بی‌آنکه اثر جایگزینی با تهدیدات قبلی داشته باشند. بلکه به تهدیدات قبلی اضافه می‌شوند. در این گفتمان ظرفیت‌های درونی امنیت و تهدید مورد توجه قرار نمی‌گیرد. یعنی وقتی به موضوعات داخلی هم توجه می‌شود، آن را به خارج ارتباط می‌دهند و این‌که آیا عوامل داخلی به‌طور مستقل می‌توانند تهدید یا امنیت ایجاد کنند مورد بحث قرار نمی‌گیرد. در مطالعات امنیتی وقتی گفته می‌شود امنیت، منظور فرصت و تهدید با هم است. اما در نگاه سلبی، عموما به تهدیدات توجه می‌شود و به فرصت‌ها توجه نمی‌شود.

گفتمان ایجابی (Positive Discourse)

امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناوب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد)، تعادل وجود دارد که نزد بازیگران تولید رضایت می‌نماید. چنان‌که ملاحظه می‌شود امنیت در این معنا به رضایت (و نه قدرت سخت‌افزاری) تقلیل می‌یابد. تهدیدات از نگاه ایجابی از جنس نرم‌افزاری و مجازی‌اند. لذا با تصویرسازی می‌توان معادلات تهدید را به هم زد.در نگاه ایجابی،ابعاد تهدید افزایش می‌یابد. این نگاه جدید از تهدید، نوع جدیدی از مدیریت را نیز به همراه خواهد آورد[۱۱].

مقام معظم رهبری، در خصوص اهمیت مبحث امنیت می‌فرمایند:

« امنیت، مقوله بسیار مهمی است و بدون امنیت، یک کشور در همه عرصه‌ها و صحنه‌های فعالیت و تلاش دچار مشکل است، در مقوله علم، در مقوله پیشرفت‌های اقتصادی، در مقوله مسائل معیشتی و شهروندی، در مقوله سازندگی کشور، در همه مقولاتی که می‌تواند افتخارات بزرگ ملی را برای یک کشور به ارمغان بیاورد، پیش‌نیاز اصلی و اساسی عبارت است از امنیت.»[۱۲]

معظم له در فرمایشات دیگر خود در این خصوص می‌فرمایند:

«در هر جامعه‌ای، زمینه لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی، امنیت است»[۱۳]

منابع:

۱. معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران: فرهنگ‌نما
۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر
۳. مرادیان، محسن (۱۳۹۱)، مبانی نظری امنیت، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی، صفحه ۱۸
4. Oxford advanced learners dictionary(1997), 7th edition: London, oxford press; threat
5. Michael H. H. Louw national sevurity (1978) The quoteis from the introductory note the purpose of the symposium p.72
6. John E. Morz, Beyond security,private perceptions among arabs and Israelis (1980) p.105
7. Wolfers, op.cit. (note 45), p.150
۸. مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات، انتشارات راشا، تهران، صفحه ۸۸
۹. بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها، هراس، تهران: ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، صفحات ۳۱ و ۳۲
۱۰. کارگر، به همن (۱۳۸۳)، امنیت شهری، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح - صفحات ۳۴-۴۱
۱۱. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، امنیت (مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی)، دانشگاه امام صادق (ع)
۱۲. بیانات در صبحگاه مشترک نیروهای مسلح کرمان - ۱۵ / ۲ / ۱۳۸۴
۱۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در مراسم دیدار با گروهی از سپاهیان و بسیجیان در مشهد - ۱۳۷۸/۶/۱۰

شبکه‌های ماهواره‌ای برای رسیدن به هدف فروپاشی خانواده‌ها از اقسام روش‌ها استفاده می‌کنند و فیلم‌هایی را ارائه می‌دهند که سوژه‌های آن‌ها ناخودآگاه افراد را به تغییر و دگرگونی سبک زندگی ایرانی وادار می‌کند

آسیب‌شناسی استفاده از گیرنده‌های ماهواره در خانواده‌های ایرانی

محمد داداشی

این روزها آمارهای ضد و نقیضی از تعداد استفاده‌کنندگان ماهواره در کشورمان ارائه می‌شود. اما آنچه مسلم است اینکه تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها از ماهواره استفاده می‌نمایند و این پدیده اجتماعی به‌رغم برخورداری از محسناتی چند، ضمن اینکه مبلغ زمینه‌هایی همچون فردگرایی؛ لذت‌گرایی؛ مصرف‌گرایی؛ تنوع‌طلبی؛ آزادی و بی‌قید بودن و تقدس زدایی از ارکان دین و تضعیف کانون خانواده است؛ دارای آسیب‌هایی بر کانون خانواده‌ها است که برخی از آن‌ها به شرح ذیل قابل تبیین است:

در راستای علت استفاده از برنامه‌های نامناسب ماهواره در میان برخی از خانواده‌ها؛ می‌توان چنین اظهار داشت که خداوند در حقیقت برای آزمایش و امتحان الهی «فجور و تقوا» را در نهاد انسان قرار داده است. از سوی دیگر خداوند اختیار و آزادی را به انسان عطا کرده تا ارزش خویشتن‌داری و اعمال خوب در عمل آشکار شود.

در این رابطه مثال ملموسی را می‌توان چنین مطرح کرد که همه افراد می‌دانند؛ مصرف سیگار برای سلامتی انسان و حتی اطرافیان مضر است. ولی بسیاری از افراد و حتی بعضی از پزشکان نیز سیگاری هستند و قدرت ترک آن را ندارند.

استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ها نیز اگرچه برخلاف سیگار در کنار سایر اختراعات بشری فواید زیادی در بخش‌های علمی و تحقیقاتی هواشناسی، صنعت و ... دارد؛ اما آنچه که امروزه در سطح جامعه از آن به عنوان برنامه‌های ماهواره نام برده می‌شود، همان امواج و برنامه‌های ناسالم است که در حقیقت موضوعات آموزنده آن در حداقل جایگاه بهره‌برداری عامه خانواده‌ها قرار دارند.

حتی اکنون، جوامع غربی نیز که خود صادرکننده این فرهنگ هستند از صدمات رسانه‌ای در ابعاد افزایش شدید آمار کودکان نامشروع، کاهش زاد و ولد، رسوایی‌های اخلاقی مقامات و شخصیت‌های به‌اصطلاح درجه اول،افزایش شدید مصرف مشروبات الکلی، مصرف قرص‌های اکس، افزایش افسردگی و شمار خودکشی و قتل، گسترش باندهای فساد و فحشا و قاچاق زنان کودکان و ... مصون نیستند. به طوری‌که این وضعیت اعتراض اندیشمندان غربی را هم در پی داشته و جامعه شناسان و طرفداران حریم خانواده و اخلاق را در کشورهای غربی نگران کرده است.

در این رابطه یکی از اهداف و برنامه‌های ماهواره‌ها، فردگرایی و سست کردن بنیان خانواده سالم و سنتی است. به‌عنوان نمونه در این زمینه برای اینکه کانون گرم خانواده را اعم از پدر، مادر، فرزندان و در ارتباط با سایر بستگان از هم بپاشند؛ با نام‌گذاری شبکه‌ای تحت عنوان «من و تو» آغاز می‌شود. این شعار یعنی اینکه من و تو دیگر هیچ‌کس، درصورتی‌که همه ما به این موضوع پی برده‌ایم که در جمع بودن چه لذتی دارد و خداوند هم در قران می‌فرماید من با جماعت هستم.

شبکه‌های ماهواره‌ای برای رسیدن به هدف فروپاشی خانواده‌ها از اقسام روش‌ها استفاده می‌کنند و فیلم‌هایی را ارائه می‌دهند که سوژه‌های آن‌ها ناخودآگاه افراد را به تغییر و دگرگونی سبک زندگی ایرانی وادار می‌کند که نتیجه نهایی آن رواج پدیده‌های مخربی هم چون ازدواج سفید؛ خیانت جنسی، رواج دوستی بین زنان متاهل با مردان مجرد و بالعکس، انواع روابط نامشروع دختران با پسران؛ گسترش انواع اعتیاد؛ تضعیف ارزش‌ها و سنت‌های مذهبی و از بین رفتن قبح و بدی مسائل و تضعیف حیا و عفت می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین پیام‌های سریال‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای، القاء آزادی در خارج از خانه‌هاست، به این معنا که افراد مخصوصاً دختران جوان را که به‌صورت سنتی و فرهنگی اصیل در خانواده‌ها با محدودیت‌هایی روبرو

تقویت مبانی و ارزش‌های فرهنگ خودی و ارتقاء سطح آگاهی‌ها عامل مناسبی برای مقابله با اثرات سوء ماهواره خواهد بود.

هستند را دچار حس زندانی بودن در خانه می‌کنند. این فرآیند روانی به‌صورت خیلی ساده با مقایسهٔ خود با دختران (شخصیت‌های) موفق یا آزاد سریال‌ها و فیلم‌ها صورت می‌گیرد. لذا وقتی این بحران با عدم مدیریت صحیح والدین در خانواده‌ها؛ تبدیل به یک عقده و درنتیجه فرار یا رویگردانی دختران جوان از فضای امن خانه گردید؛ نظام خانواده بایستی آسیب جدی را تحمل نماید.

یکی دیگر از آسیب‌های القایی برنامه‌های ماهواره‌ها، بدحجابی و رواج بی‌بندوباری جنسی زنان است.

بدیهی است، وقتی اعضای خانواده بدون محدودیت پای ماهواره می‌نشینند و فیلم‌هایی را می‌بینند که بی‌حجابی در آن به‌عنوان یک امر عادی و بلکه مایه افتخار موج می‌زند، به‌مرور از حجاب، ارزش زدایی شده وزنان خانواده ترجیح می‌دهند که باحجاب کم‌رنگ‌تر در جامعه حضور پیدا نما یند .

این مسئله با عمومی‌تر شدن بی‌حجابی و حتی استقبال نامحرمان از حضور بی‌حجاب زنان در جامعه، تبدیل به ایجاد فضای خودنمایی برای نامحرمان و در ادامه روند دور شدن از دیده شدن در خانواده تبدیل به روابط باز میان زنان و مردان می‌شود.

از دیگر آثار و پی آمده‌ای تماشای ماهواره‌ها، تأثیر منفی بر روابط بین افراد و دامن زدن به اختلاف خانوادگی است. وقتی در برنامه‌های ماهواره ملاحظه می‌شود که افراد و شخصیت‌های فیلم‌ها با انزواطلبی و حتی مقابله با افراد خانواده‌شان و یا خیانت به آن‌ها می‌توانند موفق باشند، مخاطبین از این طریق تحت تأثیر قرارگرفته و رفتار آن‌ها به‌سوی چالش و اختلافات داخلی کشیده می‌شود که از این راه نقش و جایگاه پدر و مادر در خانواده ضعیف و کم‌اهمیت می‌شود و دیگرکسی به حرف پدر گوش نمی‌دهد.

این وضعیت به همراه سایر مسائل، به ایجاد اختلاف بین زوجین و درنتیجه دوری فرزندان از والدین دامن می‌زند.

از سوی دیگر وقتی‌که پدر یا مادری به همراه فرزندان نظاره‌گر تصاویر مبتذل هستند؛ همین مسئله موجب از بین رفتن پرده‌های حجاب بین افراد خانواده

و درنتیجه شکستن قبح افعال ضد ارزش می‌گردد.

اینکه در خانواده‌ای قبح افعال شکسته شود چه آثاری خواهد داشت؛ قابل‌سنجش نیست .

حضرت علی علیه‌السلام در مورد حیا فرمودند: حیا از انجام افعال قبیح و زشت جلوگیری می‌کند.

دیگر از مسائل ماهواره‌ها؛ ترویج هوس خواهی و تنوع‌طلبی است.

آنچه در سریال‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای مشاهده می‌شود، بازیگرانی هستند که صرفاً به خاطر زیبایی‌هایشان جلوی دوربین‌ها حاضر می‌شوند و در سرتاسر پخش برنامه، این نماد به‌صورت بسیار پررنگ نمایش داده می‌شود.

از سوی دیگر در اغلب سریال‌ها و فیلم‌هایی که مخاطب آن‌ها ایرانی‌ها و مسلمانان هستند، سعی می‌شود؛ حق برقراری روابط با افراد غیر را محفوظ بداند.همین مسئله علی‌الخصوص در مردان عطش تنوع‌طلبی را تحریک و تقویت می‌نماید.

درنتیجه،همین تحریکات، در رابطه بین زوجین در خانواده‌ها اثر سوء می‌گذارد که امنیت رفتار جنسی میان آن‌ها را خدشه‌دار کرده و ناخودآگاه ایجاد عدم رضایتمندی و سست شدن روابط جنسی در میان طرفین می‌نماید.علاوه بر آن در خصوص آسیب‌های فردی ماهواره می‌توان به تشتّت و نا آرمی فکری و عدم امنیت روانی، عدم اعتماد به اطرافیان و ایجاد روحیهٔ دوگانگی شخصیتی در درازمدت و بروز ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی، القای افسردگی و غم و ناامیدی؛ به‌ویژه در بین جوانان، سیاه نمایی و مسموم کردن جوّ فکری، همچنین ترویج هیجان کاذب خصوصاً در ابعاد سیاسی و احساسی انسان اشاره کرد.

پیشنهادها و راهکارهای مقابله و پیشگیری

۱. تقویت مبانی و ارزش‌های فرهنگ خودی و نهادینه کردن آن در رفتار اعضای خانواده و ارتقاء سطح آگاهی افراد و ترویج زندگی معنوی و شاخص‌های تقوا و ترویج الگوهای رفتاری صحیح در خانواده
۲. قرار گرفتن عملکرد صداوسیما در جهت بازنمایی و الگوسازی ارزش‌های جامعه و صیانت از حریم خانواده ضمن تکریم ارزش‌های ایرانی - اسلامی
۳. انجام برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در سطوح مختلف اجتماعی؛ به‌ویژه خانواده‌ها برای کاهش اثرات منفی برنامه‌های ماهواره‌ای.

خود مؤسسان می‌گویند هر هفته یک میلیون کاربر به تعداد کاربران این شبکه اجتماعی پیام‌رسان اضافه می‌شود. آن‌ها همچنین می‌گویند روزانه یک میلیارد پیام از طریق این شبکه پیام‌رسان ارسال می‌شود.

آیا به‌راستی تلگرام امن است؟!

ایمان بازبرین

تلگرام نیز یک برنامه پیام‌رسان از طریق اینترنت است که مانند سایر برنامه‌های پیام‌رسان عمل می‌کند.
در ابتدا شما آن را روی ابزار هوشمند خود نصب و سپس شماره تلفن خود را وارد می‌کنید. بلافاصله یک پیام تایید برای شما ارسال شده و حساب کاربری خود را فعال می‌کنید. از آن لحظه به بعد می‌توانید با افراد دیگری که این برنامه را روی ابزار هوشمند خود دارند، از طریق اینترنت و بدون پرداخت اپراتوری ارتباط برقرار کنید.
در این برنامه شما می‌توانید گروه‌هایی با ظرفیت حداکثر ۲۰۰ نفر بسازید که در مقایسه با وایبر این ظرفیت دو برابر است ولی بعدها تلگرام با انتشار آپدیت‌های جدیدتر قابلیت ارتقای گروه عادی به سوپر گروه و افزایش اعضا را از ۲۰۰ به ۵۰۰ و سپس به ۵۰۰۰ نفر را در دسترس همگان قرارداد.
شما همچنین در تلگرام می‌توانید به غیر از ارسال متن، عکس و ویدئو، فایل‌های در اندازه حداکثر ۱/۵ گیگابایت را از طریق این برنامه ارسال کنید.
در این برنامه نیز مانند سایر برنامه‌های پیام‌رسان موبایلی شما می‌توانید کاربران دیگر را که نمی‌خواهید با آنان ارتباط برقرار کنید، بلاک کنید.
کانال امکان جدیدی است که در تلگرام اضافه‌شده است.
کانال تلگرام مسیر یک‌طرفه‌ای است که فقط ادمین می‌تواند در آن پست‌های دلخواه را برای اعضای کانال منتشر کند و سایر اعضا امکان اضافه کردن پست در آن را ندارند.
ربات‌ها، ویژگی‌هایی هستند که توسط تلگرام ارائه می‌شود.
کاربران به‌وسیله ربات‌ها می‌توانند قابلیت‌های نرم‌افزار را چند برابر کنند. توسط ربات‌ها کاربران می‌توانند اتصالی را بین وب‌سایت‌های خبری‌شان و هسته اصلی تلگرام توسط api تلگرام ایجاد نمایند تا از این طریق اخبار را به‌صورت مستقیم به ربات‌شان بی افزایند ربات‌ها همچنین قابلیت‌های فراوان دیگری نیز دارند از جمله: جستجوی تصاویر، فیلم‌ها،اسناد،گیف‌ها، سرگرمی، بازی، لطیفه، داستان، ترجمه و غیره.
این برنامه در حال حاضر به بیشتر زبان‌های زنده جهان از جمله انگلیسی، عربی، آلمانی، اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی، کره‌ای و فارسی در دسترس است. همه نرم‌افزارهای رسمی تلگرام (و چند نرم‌افزار غیر رسمی) متن‌باز هستند. هرچند، نرم‌افزار سمت سرور تلگرام مالکیتی است. پاول دورف گفته است کد سرور نرم‌افزار آزاد نیست زیرا معماری تلگرام نیاز دارد دوباره طراحی شود تا به سرورهای مستقل اجازه دهد مانند یک اَبر تلگرام متحد کار کند.
هنگامی‌که اختلالاتی در دریافت و ارسال پیام در وایبر در یک دوره اتفاق افتاد، حجم زیادی از کاربران به استفاده از تلگرام سوق داده شدند و تاکنون کاربران از استفاده از آن رضایت داشته‌اند.
خود مؤسسان می‌گویند هر هفته یک میلیون کاربر به تعداد کاربران این شبکه اجتماعی پیام‌رسان اضافه می‌شود. آن‌ها همچنین می‌گویند روزانه یک میلیارد پیام از طریق این شبکه پیام‌رسان ارسال می‌شود.
در ۱۷ فوریه ۲۰۱۵ بنیاد مرزهای الکترونیکی که یک سازمان غیرانتفاعی در آمریکاست، این برنامه را به لحاظ امنیت مورد بررسی قرار داده و به آن نمره چهار از هفت داده است. البته باید یادآور شویم در بررسی امنیت در گفت‌وگوی خصوصی، تلگرام نمره هفت از هفت را از آن خودکرده است.
اما در این مقال قصد آن داریم پیشینه سازندگان و شرکت‌های پشتیبان این نرم‌افزار هشدارهای لازم در خصوص عدم امنیت مطلوب و استفاده از این محصول را بررسی کرده و زوایای پنهان این ابزار نه‌چندان ایمن را به اطلاع کاربران این نرم‌افزار برسانیم.
در شرایطی که موج احساس عدم امنیت نسبت به محصولات نرم‌افزاری صهیونیستی در حوزه فضای مجازی که به‌صراحت و با وقاحت هرچه تمام‌تر به تخلیه اطلاعاتی و جاسوسی از دولت‌ها و ملت‌ها مشغول می‌باشند فراگیر شده

Telegram Talk

تلگرام نه نرم‌افزاری امن برای کاربران بلکه محصولی در خدمت سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی کشورهای قدرتمند است

بود، به ناگاه برنامه پیام‌رسانی بر بستر تمامی سیستم‌عامل‌ها اعلام موجودیت نمود که شعار خود را امنیت قرار داده بود و این‌گونه القاء می‌کرد که گویا بر آن شده که نگرانی‌های کاربران فعال حوزه شبکه‌های اجتماعی را برطرف نماید.

اما تلگرام به‌راستی امن است؟!

این سؤالی است که قطعاً تا به امروز هیچ‌کس بدان پاسخی نداده و چه خوب گفته‌اند که امن‌ترین مکان به نظر ما ممکن است ناامن‌ترین مکان برای ماست!!

مدیر سایت تلگرام پاول دروف و برادر وی نیکولای بوده که مدیر سابق شبکه اجتماعی وی کی (بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی دنیا بعد از فیس‌بوک) است که به زاکربرگ روسی و یا زاکربرگ دوم معروف است،جالب آنکه این شبکه ضداجتماعی، جزء سایت‌های محبوب در سرزمین‌های اشغالی و در میان صهیونیست‌هاست.

پاول دروف دارای مدرک دکتری زبان‌شناسی و از تیزهوش‌ترین دانشجویان دانشگاه سن‌پترزبورگ بوده و پدر وی نیز از یهودیانی است که استاد فلسفه دانشگاه محسوب می‌شود و در بدو شروع کلاس‌های خود قسمت‌هایی از «کتوویم» قسمت سوم «تنخ» را قرائت می‌کند.

پاول در جریان کودتای آمریکایی اوکراین، دستور سرویس امنیتی روسیه FSB را جهت مسدودسازی صفحات رهبران کودتا اوکراین در شبکه اجتماعی وی‌کی و دادن اطلاعات لیدرهای میدانی کودتا را رد کرده و عملاً باعث گردید که دولت روسیه که بر سر باقی ماندن اوکراین در اتحاد با خود یا پیوستن به اتحاد دشمنان خود تحت فشار بود، با وی برخورد کرده و وی نیز همراه با اعلام استعفا خود سندی را دال بر فشار ولادیمیر پوتین و دستگاه امنیتی روسیه در وی‌کی انتشار داد و اعلام کرد هرگز به روسیه بر نخواهد گشت.

پاول قبل از خروج از طریق دوست هم‌دانشگاهی خود با پدر وی «مایکل میری لاشویلی» آشنا می‌شود و همراه با سرمایه وی شرکتی را به نام «قلعه دیجیتال» را در آلمان ایجاد می‌کند که مرکز آن در«برلین» قرار دارد.

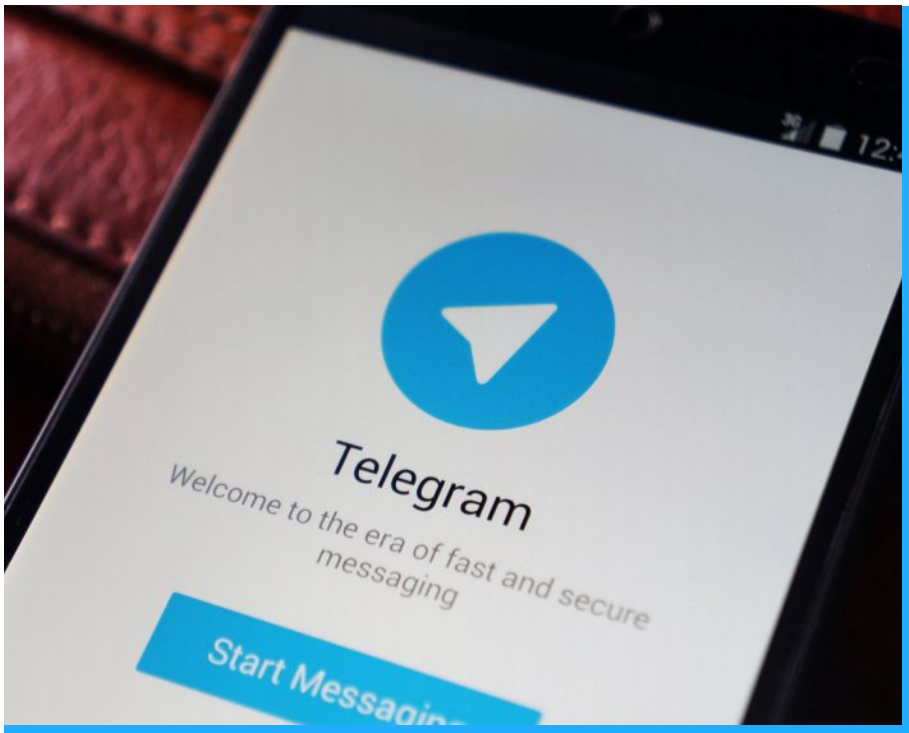

مایکل میری لاشویلی میلیاردر یهودی - صهیونیست روسی - گرجستانی و صاحب شرکت کسب و کار میری لاشویلی و یکی از بزرگ‌ترین تاجران طلا و جواهر دنیا و رهبر کنگره یهودیان روسیه است.

وی تاثیر گذارترین عضو WJC کنگره جهانی یهود بوده و در حال حاضر ساکن تل‌آویو است.

مایکل از حامیان تجهیز ارتش رژیم صهیونیستی به آخرین سلاح‌های روز دنیا و افزایش بودجه نظامی این رژیم بوده و بارها در کنگره جهانی یهود این موضوع را مطرح کرده است.

جالب آنکه سرور نرم‌افزار تلگرام در کشور انگلیس و شهر لندن بوده و این سؤال بی‌پاسخ مانده که چرا باید شرکتی که در برلین آلمان مستقر می‌باشد، سرور آن در لندن و آن هم بر یک سرور کاملاً دولتی که سایت‌های دولتی انگلیس بر آن سوار است مستقر می‌باشد؟!

از آنجا که برخی از کشورهای اروپایی مثل آلمان و انگلیس پدران اصلی ایجاد و تشکیل رژیم نامشروع صهیونیستی محسوب می‌گردند و اسناد متقنی نیز دال بر هبه سرزمین فلسطین با همکاری تمسخرآمیز سعودی‌ها به یهودیان مهاجر توسط انگلیس وجود دارد و آلمان نیز تا بدین روز کماکان بابت دروغ بزرگ هلوکاست به رژیم اشغالگر فلسطین غرامت می‌پردازد، به نظر می‌آید توافق جامعی جهت خدمت‌رسانی حداکثری به منافع صهیونیست‌ها در پس تعهدات دائمی آنان ایجادشده که بسیار قابل‌تأمل است.

با توجه به مطالب یادشده این احتمال وجود دارد که تلگرام به این دلیل ایجادشده که با شعار تضمین امنیت کاربران خصوصاً کشورهای هدف صهیونیست‌ها در برهه‌ای که اسناد متقنی در باب جاسوسی و فروش اطلاعات توسط وایبر، واتس آپ و اینستاگرام و ... در فضای مجازی پخش گردید و اذهان عمومی را مشوش ساخت در لوای این ادعای دروغین مأموریت جمع‌آوری اطلاعات کاربران این‌گونه نرم‌افزارها را بدون وقفه ادامه دهند.

با این اوصاف مشخص است که تلگرام نه نرم‌افزاری امن برای کاربران بلکه محصولی در خدمت سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی کشورهای قدرتمند است. فلذا کاربران لازم است در استفاده از این نرم‌افزار نکات امنیتی و حفاظتی لازم را در نظر بگیرند تا سطح آسیب‌های امنیتی ناشی از استفاده آن را به حداقل برسانند.

مهم‌ترین راهبرد داعش برای پیروزی و غلبه در میدان‌های نبرد در سطوح مختلف اعم از استراتژیکی یا عملیاتی را می‌توان در اقدامات روانی و فریب دادن افکار عمومی از طریق ابزارهای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی ملاحظه کرد.

معرفی کتاب

علی کنگاوری
بخش دوم و پایانی

قسمت نخست معرفی کتاب» ده روز با داعش» را در شماره گذشته آیینه بازرسی مطالعه کردید. این کتاب توسط «یورگن تودنهوفر»، خبرنگار آلمانی به رشته تحریر درآمده و آقای علی عبدالهی و خانم زهرا معین الدینی آن را ترجمه نموده و نشر کوله‌پشتی آن را در سال ۱۳۹۴ منتشر نموده است. کتاب» ده روز با داعش» در ۱۰ فصل به نگارش درآمده در حقیقت شرح سفر ۱۰ روزه خبرنگار مذکور به قلمرو داعش است.
در ادامه، بخش دوم و پایانی این کتاب را باهم می‌خوانیم.

نویسنده کتاب ده روز با داعش در فصول بعدی طی برقراری ارتباط با برخی از اعضای آن سوالاتی را مطرح کرده است که در ذیل بخشی از آن‌ها ارائه می‌گردد:

وی از فردی به نام سلیم که آلمانی است؛ سوال کرده؛ چرا در عربستان خبری از جهاد نیست؟

جواب: چون عربستان وجود ندارد. بلکه فقط آمریکای سعودی موجودیت دارد. وانگهی ما فقط زمانی به جهاد می‌پردازیم که مسلمانان مورد یورش قرارگرفته باشند. در عربستان چنین نشده است. البته اسلام واقعی در آنجا دیده نمی‌شود. اگر در آنجا احکام اسلام حاکم بود خبری از فاحشه‌خانه‌ها و الکل نبود.

س. چرا آلمانی‌ها و جهادگران بین‌المللی به داعش ملحق می‌شوند؟

ج. چون تبلیغات و فراخوان داعش در حوزه رسانه‌ها بسیار قوی است.عملکرد در این زمینه بسیار قوی است. وانگهی مردم ساده‌دل هستند و فریب این پرچم‌های سیاه و لااله‌الاالله نوشته‌شده روی آن را می‌خورند.

س. حدودا چند نفر را کشته‌اید؟

ج. ارقام که اهمیتی ندارد. اگر کسی را هم کشته باشم فقط به این خاطر بوده که او با مسلمانان در جنگ بوده و قصد کشتن من و برادرانم را داشته است.

س. آیا تابه‌حال در آلمان دزدی کرده‌اید؟

ج: من در آلمان خرابکاری زیاد کرده‌ام (می‌خندد)، خریدوفروش مواد مخدر، ضرب و شتم، دروغ‌گویی؛ غیر از آدم کشی، هر کاری که فکرش را بکنید کرده‌ام.

س. خوب اگر آن موقع، آن‌ها دست‌هایت را قطع می‌کردند چه؟

ج. به آن‌ها می‌گفتم» نه من با این کار مخالفم»چنین چیزی را نمی‌پذیرفتم چون اسلام را درک نکرده بودم. من فقیر نبودم و دلیلی برای دزدی نداشتم، اما الآن اسلام را فهمیده‌ام. احکام اسلام رحمت و حکمت است و شرایط انسان‌ها را تک‌تک در نظر می‌گیرد.

س. ظاهرا ۳۰۰ آلمانی به سوریه آمده‌اند. چرا برخی از آن‌ها دوباره به آلمان بازمی‌گردند؟

ج. عده‌ای دلشان می‌خواهد برگردند. اما می‌ترسند هنگام ورود به آلمان دستگیر گردند. اما اگر کاری نکرده باشند. نباید از چیزی بترسند. مثلا اگر قرار باشد من به آلمان برگردم درهرحال به زندان خواهم رفت. من که احمق نیستم. خوب میدانم که پلیس و مقامات ذیصلاح B.K.A سازمان امنیت و اطلاعات و اداره حفاظت از قانون اساسی همین الآن در حال کنترل گفت‌وگوی من و شما هستند. مطالب فیس‌بوک را می‌خوانند و فیس‌بوک را هم هک می‌کنند،اما با انجام این کار خواهند دید من یک انسان معمولی هستم.

س. واقعا در آلمان چه می‌کردید؟

ج. من یک دوره کارشناسی ورزش و تناسب‌اندام دیده‌ام. پیش از آن در کمپ پناهندگان زندگی می‌کردم.در یک آپارتمان اشتراکی و چه می‌دانم ... مسلما الآن آلمانی‌ها می‌گویند: ای‌بابا مهاجرت و گذشته سخت موجب شده که فلانی در جهاد شرکت کند، ولی نه؛ درست است که من در کمپ بزرگ‌شده‌ام و در مدرسه دانش‌آموز خوبی نبوده‌ام و آنجا فقط مسخرگی و خریدوفروش مواد مخدر می‌کردم اما هیچ‌یک از این‌ها دلیل آمدنم به اینجا نبوده چون کمی قبل از آنکه اینجا بیایم اوضاعم عالی بود.

س. راستی اصالتا کجایی هستید؟

ج. مادرم مراکشی و پدرم اهل ترکیه است....

***

فرد دیگری که بعد از سلیم مورد سوال و جواب و چت قرارگرفته است، ابوقتاده نام دارد. او که از طرف والدین کاملا اصالت آلمانی دارد از ترکیه به سوریه آمده و اغلب در محدوده حلب بوده است. قبل از اینکه داعش به سوریه بیاید با جبهه النصر بوده است. بخشی از مکالماتی که در اینجا آورده می‌شود، گفتگوی آن‌ها در سپتامبر ۲۰۱۴ است.

س. انگیزه شخصی شما از رفتن به سوریه چه بود؟

ج. من راه طولانی را تا سوریه طی کردم. مستقیما از آلمان به سوریه سفر نکردم. پیش‌ازاین در برخی از کشورهای عربی دیگر بودم. تازه پس‌ازآن به سوریه آمدم.

حضور داعش در منطقه اهرمی در راستای تقویت برنامه‌های از پیش تعیین‌شده صهیونیسم با مرکزیت فلسطین اشغالی در منطقه علیه جهان اسلام و اتحاد هلال خضیب و در راس آن جمهوری اسلامی، سوریه و عراق ارزیابی می‌شود.

س. دغدغه و انگیزه حضور شما در اینجا چه بوده است؟ می‌خواستید اسلام ناب را تجربه کنید؟

ج. دلیل اصلی این بود که دست‌کم یک دولت اسلامی تشکیل بشود. مسلما اوایل ورود ما به اینجا،ایده تشکیل دولت اسلامی یک تئوری بود تا عمل. در ابتدا مسئله کمک مطرح بود. گذشته از آن رفتن به سوریه خیلی راحت‌تر از سفر به سایر کشورها بود. ازآنجایی‌که حضور در سوریه بسیار از رفتن به افغانستان راحت‌تر است. امروزه هزاران نفر می‌خواهند در اینجا باشند. ضمن اینکه زندگی در سوریه به کشورهای اروپایی نزدیک‌تر است.

س. در جهان عرب یا اسلام از کدام دولت خوشتان می‌آید؟

ج. می‌خندد (هیچ‌یک)

س. حتی از سعودی‌ها؟

ج. از آن‌که اصلا.

س. اما هزینه داعش را کشورهای عربی تامین می‌کنند؟

ج. نه این تبلیغی است برای ناچیز نشان دادن قدرت دولت داعش که هیچ‌وقت از هیچ کشوری کمک نگرفته است.شاید کمک‌کننده‌های خصوصی بوده‌اند که ۱۰ یا ۱۰۰ هزار دلار برای ما دست‌وپا کرده‌اند، اما خودتان می‌دانید که با این پول‌ها نمی‌شود جنگ را اداره کرد؟!

س. اما افرادی موثق به من گفته‌اند که آمریکایی‌ها و امارات کمک می‌کنند.

ج. بله معلومه، در اصل گروه داعش در عراق جبهه النصر را به سوریه فرستاده بود. سرکرده آن‌ها ابو محمد الجولانی مامور شد به سوریه برود تا نماینده دولت اسلامی در سوریه باشد.اما او دل به پذیرش پول از خارج داد و به هدف مشترک خیانت کرد.

س. کدام کشور آیا عربستان و یا آمریکا مخارج جبهه النصر را تامین می‌کنند؟

ج. به‌طور رسمی هیچ‌یک.اما به‌طور غیررسمی هر دو آن‌ها؛ درنهایت هر دو یکی است. اما عربستان کسی را تامین می‌کند که امریکا تایید کرده باشد.

س. قرار است این دولت تا کجا ادامه یابد؟

ج. بنا بر بیان محمد (ص) می‌دانیم که روزی اسلام تمام دنیا را خواهد گرفت،این بخشی از اعتقاد ماست و بر این اساس می‌شود گفت که دولت اسلامی بر تمام جهان حکومت خواهد کرد.

س. اما این گفته شما؛ بااینکه قرآن می‌گوید در دین اجبار نیست، منافات دارد؛ بر اساس قرآن مسیحیان و یهودیان می‌توانند دین خود را حفظ کنند. نظرتان چیست؟

ج. به‌طور مسلم شما درست می‌گویید، شاید در جریان باشید که در«رقّه» می‌شود گفت پیمان صلحی وجود دارد. قبلا دراین‌باره حرف زدیم که مسیحیان در رقّه جزیه یا مالیات بر حفاظت جان و مالشان می‌پردازند و مسیحیان از حقوق خود بهره می‌برند و می‌توانند مراسم عبادت خود را برگزار کنند، در امنیت به نیایش بپردازند،ولی غیر مسیحیان ساکن موصل این را نپذیرفتند.به آن‌ها سه هفته مهلت دادیم تا با نیروهای دولت اسلامی دیدار کنند و در این خصوص به توافق برسند. لذا چنین نشد. بعد به آن‌ها سه روز مهلت دادیم یا جزیه پرداخت کنند و یا کشور را ترک کنند یا اینکه کشته شوند.

س. آیا به نظر شما این خوب بود؟

ج. بله قطعا فکر می‌کنم خوب بود. اگر غیرازاین بود من در اینجا و عضو داعش نبودم.

س. اما این کاملا غلط است مسلمانان آلمان - که من هر شنبه با بعضی از آن‌ها فوتبال بازی می‌کنم - حزبی را که دوست دارند انتخاب می‌کنند، با دولت موفق یا مخالف هستند و مشکلی ایجاد نمی‌کنند.

ج. آنچه شما می‌گویید چندان درست نیست. دلیلش هم بستن مساجدی است که باب میل مقامات آلمانی نبودند.اینکه آزادی مذهبی کذایی مسلمانان، به عبارت بهتر مزخرف محض است. دلیل بارزی برای این امر است.

س. شما سلفی هستید یا وهابی؟

ج. در اصل این واژه‌ها یعنی سلفی و وهابی ربطی به دین ندارند. ولی اگر منظور شما این است که من از رسول اکرم (ص) و آن دسته از تعالیم ایشان پیروی می‌کنم که در زمان حیاتش از آن‌ها دفاع کرده است، بله در این صورت سلفی هستم.

س. پیش‌ازاین گفته بودید که از هیچ کشوری حتی عربستان خوشتان نمی‌آید. این در حالی است که عربستان با تمام توان حامی سلفی گری و وهابیت است؟

ج. این هم یک دید سطحی است.در عربستان سعودی هم دقیقا همان انحطاط اخلاقی موجود در سایر کشورها وجود دارد. احکام اسلامی در مورد مردمی کاربرد دارد که از خاندان سلطنتی نیستند و موقعیت بانفوذی ندارند. یعنی مردم عادی.

س. آیا کشوری وجود دارد که به آرم آن‌های شما نزدیک باشد؟

ج. قطعا خیر.

س. طی لشکرکشی‌های جهانی‌تان باید یک روز هم به تمام این کشورهای اسلامی حمله کنید.

ج. قطعا این اتفاق خواهد افتاد.

س. علت گرایش شما به اسلام چه بود؟ چه ماجرایی موجب شد به اسلام بگروید؟

ج. این‌یک پروسه چندساله بود که درنهایت به مسلمان شدنم انجامید.

س. کدام ویژگی اسلام را از مسیحیت بهتر می‌دانید؟

ج. فهرستش طولانی است.

س. اما ادیان به هم شبیه هستند؟

ج. بله

س. من چندین بار قرآن را خوانده‌ام. در قرآن آمده که اگر فردی را بکشید انگار یک جامعه را کشته‌اید و... اما فیلمی از دولت اسلامی دیده‌ام که در آن خودرویی از اتوبان عبور کرده و هر وقت که خودرو دیگری از آن سبقت می‌گیرد، شیشه خودرویش را پایین داده و مسلسل دستی بیرون آمده و آن‌قدر شلیک می‌کند که تمامی سرنشینان خودرو کشته شوند. آیا این عمل ازنظر شما اسلامی است؟

ج. افرادی که تیرباران شدند، همگی از اعضای ارتش رژیم مالکی در عراق بودند. می‌بینید که مردم چندان هم بی‌گناه نیستند. آن‌ها به خاطر کشتن مسلمانان گناهکار هستند. به خاطر خیانت به تمامیت دین گناهکار هستند. از این دیدگاه به قول آلمانی‌ها مجازات عادلانه‌ای آن‌ها را طلبیده بود. چنین نیست که دولت اسلامی جایی برود و در آفتاب ظهر شخص بی‌گناهی را که هرگز با داعش جنگ نکرده است و هیچ کاری علیه اسلام مرتکب نشده است را تیرباران کند.

س. اما مگر تیراندازها از قبل می‌دانستند

روش‌ها و امکانات تبلیغی پیشرفته به انضمام تجهیزات موردنیاز و نوین در اختیار داعش، از این گروه تروریستی عاملی خطرساز علیه اسلام و مسلمان ساخته است که نبایستی از آن غافل شد.

چه کسی در خودرو نشسته است؟

ج. بله مسلما این حملات از قبل برنامه‌ریزی شده بود.

س. من در مورد محمد (ص) زیاد خوانده‌ام. او هیچ‌وقت به بی‌رحمی داعش نبودند؟! هرگز تا این حد خشن نبوده‌اند؟ من همیشه اسلام را یک دین انسانی می‌دانستم. بیش از ۵۰ سال است که دور دنیا سفرکرده‌ام.تاکنون در هیچ جا مثل جهان مسلمین، شاهد این‌همه انسانیت و نوع‌دوستی نبوده‌ام.

ج. این‌طور نیست که داعش به مردم حق انتخاب ندهد. شاید در ماه ژانویه که سایر گروه‌ها در سوریه جنگ علیه ما را آغاز کرده بودند، این مسئله را پیگیری کرده باشید. همان موقع البغدادی خطاب به دشمنانمان یک پیام صوتی منتشر کرد. وی در آن پیام گفته بود که سلاح‌های خود را کنار بگذارید. پشیمانی‌تان را می‌پذیریم. می‌توانید به ما ملحق شوید، ما دست از سرتان برمی‌داریم و ... ولی آن‌ها به نبرد ادامه دادند. ازاین‌رو به‌شدت با آن‌ها به مقابله پرداختیم. به‌طور کامل از مناطق ما رانده و خلع سلاح شدند. ازلحاظ غنائم جنگی میلیون‌ها به جیب زدیم. سلاح، پول و میدان‌های نفتی و گازی که تحت کنترل آن‌ها بودند. آن‌وقت بود که صدها و شاید هزاران نفر کشته شدند. اما این‌طور نبود که حق انتخاب نداشته باشند.

س. به نظر شما کشتن غیرنظامیان مجاز است ؟داعش هم غیرنظامیان را می‌کشد؟

ج. نه قطعا؛ نه. هرکس چنین ادعایی دارد دروغ می‌گوید و ...

ملاحظه

۱. در یک نگاه روان‌شناسانه و با رویکردهای جامعه‌شناختی و با توجه به پرسش و پاسخ‌های انجام‌شده - که بسیار مختصر و به‌عنوان نمونه از آن‌ها انتخاب و در اینجا ارائه گردید - به‌وضوح مشخص می‌گردد که یکی از دافعه‌های موجود برای جوانان در میان جوامع غربی برای پیوستن به داعش، علاوه بر گرفتاری آن‌ها در یک سری ناهنجاری‌های اجتماعی مانند بزهکاری و عدم موفقیت در تحصیل و کسب موفقیت‌ها، وضعیت نابهنجار اجتماعی و تبعیض طبقاتی و عاری از هرگونه مظاهر انسانی، استحاله ساحت مقدس انسان در این قبیل جوامع است.

درنتیجه جوانان ناکام و سرخورده غربی به دنبال بهانه و وسیله‌ای برای اعتراض و اتکاء به مکانیزم های دفاعی هستند که در این رابطه تمایل به استقبال از پیوستن به داعش در آن‌ها متجلی می‌گردد.

البته در کنار این مشکلات، برخورداری از حقوق و دستمزدهای مناسب در اردوگاه داعش نیز روی دیگر سکه است.

۲. در خصوص عامل جاذبه در نزد داعش نیز قابل‌ذکر است که جوانان محروم در تمام کشورها به‌ویژه دنیای غرب در جستجوی مرحمی برای زخم‌های عمیق روانی و اجتماعی خویش ناشی از سرگشتگی‌ها، نظام گسیختگی‌ها و تبعیضات اجتماعی هستند. لیکن به‌محض برخورد با اولین ارزش‌ها و تعالیم و نگرش‌های انسان‌گرایانه اسلامی، فارغ از اینکه داعش در عمل چگونه است؛ مجذوب آن شده و با این امید که شاید با توسل به آرمان‌های اسلامی بتوانند عدالت و قسط را در جامعه آرمانی و اتوپیای فرضی خویش پیاده کنند؛ از پیوستن به داعش استقبال می‌کنند. اما غافل از اینکه گرفتار شعارگرایی شده‌اند و نمی‌دانند که نه‌تنها مقدمه دستیابی به مدینه اسلامی واقعی با روش بسیار غلطی که داعش در پیش‌گرفته، مقدور نخواهد شد، بلکه گرفتار کژ راهه و اسلام هراسی با عملکردهای غیرانسانی خود می‌گردند.

۳. این وضعیت در حالی است که داعش موفق‌ترین گروه تروریستی جهان در عرصه تدوین و اجرای راهبرد جنگ روانی و رسانه‌ای است. به‌گونه‌ای که مهم‌ترین راهبرد داعش برای پیروزی و غلبه در میدان‌های نبرد در سطوح مختلف اعم از استراتژیکی یا عملیاتی را می‌توان در اقدامات روانی و فریب دادن افکار عمومی از طریق ابزارهای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی ملاحظه کرد.

بنابراین داعش از جانبی با اعلام اینکه هیچ‌یک از حکومت‌های جهانی را محق یک مملکت‌داری سالم ندانسته و به‌اصطلاح حکم عدم‌کفایت آن‌ها را صادر می‌کند؛ جاذبه‌های کاذبی را برای جذب توده جوانان سرگشته و ناهنجار، ولی آرمان‌خواه، به‌ویژه عناصر غربی و بعضا افکار عمومی ایجاد کرده و سعی دارد راه خویش را با بهره‌گیری مناسب از تبلیغات القایی در رسانه‌های مجازی و حقیقی ادامه دهد.

۴. یکی از آرمان‌های اصلی امپریالیسم در دفاع، حمایت و پرورش داعش - با توجه به هراس خویش از دستاوردهای اصیل، درست و ضد طاغوت و ضد استکبار اسلام - معرفی چهره‌ای خشن و غیرانسانی از آن و گسترش اسلام هراسی از این طریق در راستای تخریب و ترور شخصیت دین اسلام و مسلمانان است. ضمن اینکه داعش حربه‌ای علیه وحدت اسلامی از منظر استکبار جهانی و آمریکا محسوب می‌گردد. از سوی دیگر حضور داعش در منطقه اهرمی در راستای تقویت برنامه‌های از پیش تعیین‌شده صهیونیسم با مرکزیت فلسطین اشغالی در منطقه علیه جهان اسلام و اتحاد هلال خضیب و در راس آن جمهوری اسلامی، سوریه و عراق ارزیابی می‌شود.

۵. جالب‌توجه است که در مطالعه جنبش‌های اسلامی در طول ۳ قرن گذشته؛ به‌ویژه پس از روی کار آمدن وهابیت از قرن ۱۸ به بعد و از سوی دیگر ماهیت و عمل کرد امپریالیسم در خصوص استعمار و استثمار ملل اسلامی، جنبش‌های اسلامی در آفریقا و آسیا تحت عنوان اسلام و اسلام‌گرایی به عرصه رسیده است که در حقیقت کاری از پیش نبرده و شکست‌خورده‌اند. داعش در این میان و در حال حاضر؛ تلاش دارد تا ضمن اینکه ساخت گفتمانی و فرهنگ جدیدی را از سلفی گری ارائه دهد، کارکردهای رفتاری را به منصه بروز برساند که از آن طریق قادر گردد، خود را در بین جنبش‌های اسلامی منحصربه‌فرد معرفی کرده و در ردیف جنبش‌های نوظهور موفق قرار دهد.

۶. نباید فراموش کرد که امروز، قرار گرفتن روش‌ها و امکانات تبلیغی پیشرفته به انضمام تجهیزات موردنیاز و نوین در اختیار داعش و حمایت‌های همه‌جانبه امپریالیسم از آن و شرایط حاکم بر منطقه و جهان اسلام از این گروه تروریستی عاملی خطرساز علیه اسلام و مسلمان ساخته است که نبایستی از آن غافل شد.

خدایا!
ما رو ببخش که در کار خیر
یا جار زدیم
یا جا زدیم

کاریکاتور

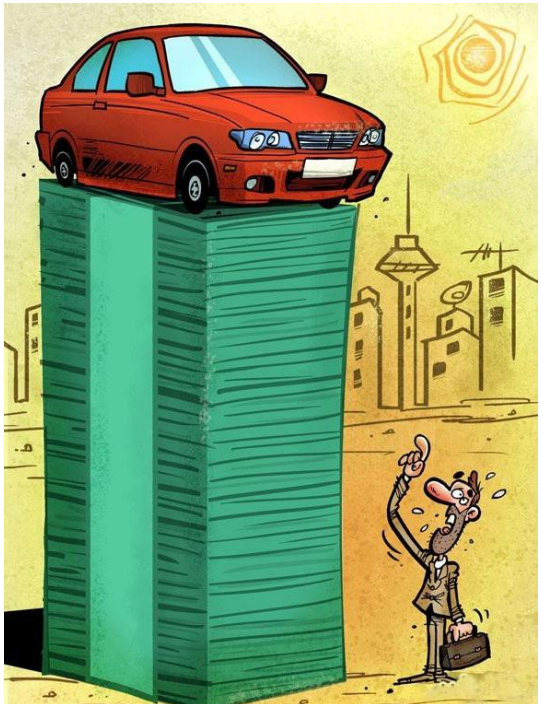

معرفی کتاب گزارش فعالیت‌های بین‌المللی سازمان بازرسی کل کشور در سال ۱۳۹۴

مدیریت سازمان‌ها در دهه‌های اخیر شاهد رویکردهای جدید برای رویارویی با مشکلات و مسایل پیچیده عصر حاضر بوده است. در رویکردهای جدید، سازمان‌ها با فاصله گرفتن از مدیریت سنتی به سوی مدیریت نوین در حرکتند و عموماً برنامه‌ریزی‌های راهبردی و نیل به اهداف را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند؛ در این حالت انعطاف‌پذیری و نرمش در ساختار مدیریت، ارزیابی و سنجش دقیق عملکردها و کارآیی و اثر بخشی روبه‌فزونی نهاده است. بی‌تردید فقدان نظام یکپارچه اطلاعات، تبادل ناقص اطلاعات و در نتیجه عدم برقراری هماهنگی لازم بین واحدهای مختلف مانع تحقق کامل اهداف سازمانی می‌شود؛ از این رو تدوین نظام یکپارچه و گزارش‌گری اطلاعات به کلیه مخاطبان و ذینفعان در سازمان‌ها بسیار ضروری است. در صورت ارائه گزارش‌های صحیح، دقیق، به‌موقع و قابل اتکا برای مدیران سازمان‌ها می‌توان ضمن تجزیه و تحلیل عملکرد سازمانی و بررسی نقاط ضعف و قوت سیاست‌های متخذه نسبت به ارائه راهکارهای بهینه در رسیدن به اهداف سازمان قدم برداشت. در همین راستا سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمانی عظیم و شهروند مدار، به منظور انعکاس فعالیت‌ها و دریافت بازخوردهای مربوطه، بیش از سایرین به این موضوع نیازمند است؛ اداره امور بین‌الملل سازمان که مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های بین‌المللی سازمان را بر عهده دارد در سال‌های اخیر تلاش کرده تا با تنظیم و ارائه گزارش‌های عملکرد در چارچوب‌های استاندارد، پاسخگویی مسئولانه‌ای نسبت به تکالیف قانونی خود داشته باشد و با تداوم این رویکرد، مرحله برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر فعالیت‌های خود را گزارش‌دهی و بازگو نماید.

کتاب گزارش فعالیت‌های بین‌المللی سازمان بازرسی کل کشور در سال ۱۳۹۴ که با همت اداره امور بین‌الملل اخیرا به چاپ رسیده است؛ حاوی مهم‌ترین سرفصل‌های اقدامات بین‌المللی سازمان در سال ۱۳۹۴ است. کتاب مزبور شامل ۸ بخش ارتباطات بین‌المللی، مشارکت در مجامع و نهادهای بین‌المللی، دیدار هیئت‌های خارجی آمبودزمانی از جمهوری اسلامی ایران، دیدارهای دو جانبه، امضاء یادداشت تفاهم همکاری‌های دو جانبه، دیدار و گفت و گوی ریاست سازمان با سفرای خارجی، سمینارهای آموزشی و کنفرانس خبری است.

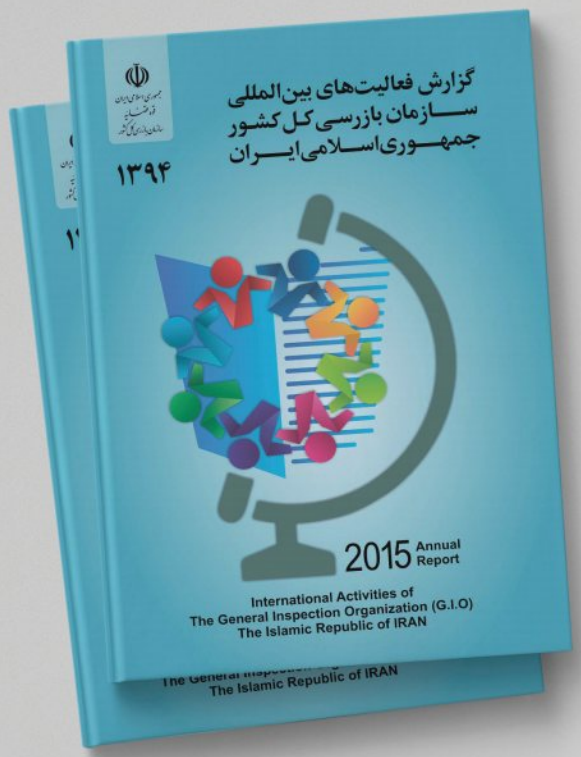

هم‌چنین طلیعه این کتاب به قلم ریاست محترم سازمان آراسته شده است. ایشان در نوشتار خود جایگاه و اهمیت فعالیت‌های بین‌المللی به عنوان عنصر متمم تلاش‌های داخلی در مبارزه اثر بخش با فساد را تبیین نموده‌اند و به عزم سازمان برای حضور فعال در مجامع بین‌المللی اشاره کرده‌اند.

کتاب مزبور در قطع وزیری و در ۲۱۰ صفحه با چاپ دیجیتال به مخاطبان عرضه شده است. در تدوین این اثر سعی بر آن بوده است تا همه فعالیت ها و عناصر دخیل در تصمیم گیری و سیاستگذاری بین‌المللی سازمان لحاظ شود. در این کتاب علاوه بر ارائه گزارش مبسوط اقدامات بین المللی در سال ۱۳۹۴، تمامی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مرتبط با سازمان برای مخاطبان معرفی شده است. یکی از ویژگی‌های بارز این کتاب بهره مندی از پانوشت‌های فراوان است که هیچ نکته غامض و مبهمی برای مخاطب باقی نمی‌گذارد.

اداره امور بین الملل امیدوار است که چاپ این اثر زمینه ارائه پیشنهادات سازنده برای ارتقای فعالیت‌های سازمان در سال جاری ازسوی معاونان، مدیران کل و کارشناسان سازمان را فراهم نماید.

۱۲ اردیبهشت روزی برای معلمان

۱۲ اردیبهشت هرسال به‌عنوان روز معلم گرامی داشته می‌شود. مناسبت این روز، ترور شهید مرتضی مطهری، استاد الهیات دانشگاه تهران در سال ۵۹ است و این اتفاق سبب شد روزی برای بزرگداشت مقام معلم در تقویم کشورمان ثبت شود. در ۱۹ سال قبل‌تر، اردیبهشت سال ۴۰ هم در چنین روزی، دکتر خان علی در جریان اعتصاب و تجمع معلمان در مقابل مجلس کشته شد.

قضیه ازاین‌قرار بود که در ۱۸ بهمن ۳۹ باشگاه مهرگان که درواقع سازمان صنفی معلمان بود، قطعنامه‌ای در مورد افزایش حقوق معلمان تصویب کرد. در روزهای بعد تا اردیبهشت ۴۰ معلمان سراسر کشور با امضای طومارهایی پشتیبانی خود را از این طرح اعلام می‌کردند.

طومارهای معلمین در حمایت از طرح باشگاه مهرگان بیشتر و بیشتر می‌شود. ازجمله می‌توان طومار کلیه آموزگاران مشهد، دامغان، رشت، کرند، بابل، مراغه، برازجان، گرمسار، شهسوار، نی‌ریز و... را در کیهان دوم و چهارم اردیبهشت مطالعه کرد. روز ۱۲ اردیبهشت با اعلام اعتصاب، کلیه مدارس تهران تعطیل شد. معلمان از اوایل صبح دسته‌دسته به میدان بهارستان آمده و جلوی مجلس جمع شدند. جمعیت هرلحظه افزوده می‌شد. اطلاعات حوادث این روز را این‌گونه گزارش کرده است: «ساعت ۸/۵ معلمین به میدان بهارستان رسیدند و چون جلوی خیابان اکباتان قبلا توسط ماموران انتظامی بسته شد، در خیابان شاه‌آباد و اول بهارستان بر روی زمین نشستند. ماموران از ماشین آبپاش برای متفرق کردن استفاده کردند. معلمان علی‌رغم این‌که خیس شده بودند از جای خود بلند نمی‌شدند.... پس از مدتی اولین برخورد صورت گرفت. عده‌ای به‌طرف ماشین‌ها رفتند تا سر لوله‌های آب را به سمت دیگر بازگردانند....»، «...قرار بود هیئتی از معلمان با رئیس مجلس ملاقات کنند. اما سیر حوادث به گونه دیگری رقم خورد. معلمان فریاد می‌زدند و شعار می‌دادند.

مأموران پلیس تیر هوایی شلیک می‌کردند و با باتوم معلمان را می‌زدند.

صدای تیراندازی و شعارهای معلمان در صحن علنی مجلس شنیده می‌شد. مجلس در حال بررسی لایحه اشل حقوق معلمان بود که یکی از نمایندگان مخالف از جای خود برخاست و خطاب به رئیس مجلس گفت: «در بیرون معلمان را می‌کشند و ما اینجا لایحه حقوق معلمان را بررسی می‌کنیم. جلسه متشنج شد...» پس از مدتی، معلمان با پیکر خونین ۳معلم روبه‌رو شدند. ۲ نفر توسط چاقو زخمی شده بودند و یک نفر از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرارگرفته بود. رئیس کلانتری با اسلحه کمری خود به سر دکتر خان علی شلیک کرده بود. پیکر دکتر خان علی روی دست معلمان با شعار «کشتند یک معلم را» به بیمارستان منتقل شد و متاسفانه اقدامات پزشکان موثر واقع نشد و دکتر خان علی کشته شد.

موج اعتراضات و انزجار از این حادثه سراسر کشور را فراگرفت. مدارس تعطیل شد. تشییع‌جنازه باشکوهی برای وی برگزار شد: جسد دکتر خان علی از بیمارستان بازرگانان به مسجدی در خیابان اسکندری منتقل شد. روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، هزاران معلم در خیابان اسکندری تجمع کردند. تابوت معلم شهید بر دوش معلمان از مسیر خیابان جمهوری به سمت میدان بهارستان توسط هزاران معلم و دانشجو و قشرهای دیگر مردم تشییع شد. معلمان اشک می‌ریختند و با فریاد خواستار استعفای شریف امامی محاکمه قاتل دیوصفت معلم دانشمند بودند.

گزارش این راهپیمایی و اعتصاب نامحدود معلمان در مطبوعات منعکس شد. مردم به هیجان آمدند، احزاب سیاسی، گروه‌های صنفی و سندیکاهای کارگری با صدور اطلاعیه حمایت خود را از معلمان اعلام کردند.

جمعیت سوگوار تابوت را در میدان بهارستان بر زمین گذاشتند. ساعتی بعد پیکر بی‌جان خان علی با آمبولانس به گورستان ابن‌بابویه در شهرری منتقل و به خاک سپرده شد. روزهای بعد ده‌ها مجلس یادبود در مساجد تهران و شهرستان‌ها به یاد وی برگزار شد. خواسته‌های معلمان دیگر تنها اضافه‌حقوق نبود. آنان خواستار برکناری دولت، تعقیب قاتل دکتر خان علی و عذرخواهی از معلمان بودند.

مهم‌ترین چیزی که شما دارید فقط یک ایده و یا اجرای ایده نیست بلکه داشتن ارتباط خوب با همکاران و کسانی که پشتیبان و همراه شما در این زمینه بوده اند از هر چیزی مهم تر و موثرتر است.

معلم

تقدیم به روح بلند استاد مطهری و همه معلمان دلسوز جامعه اسلامی

«من معلّم هستم»
هر شب از آینه‌ها می‌پرسم :
به کدامین شیوه ؟
وسعتِ یادِ خدا را
بکشانم به کلاس؟
بچه‌ها را ببرم تا لبِ دریاچه‌ی عشق؟
غرقِ دریای تفکّر بکنم؟
با تبسّم یا اَخم؟
«من معلّم هستم»
نیمکت‌ها نفسِ گرمِ قدم‌های مرا
می فهمند
بال‌های قلم و تخته‌سیاه
رمزِ پروازِ مرا می‌دانند
سیب‌ها دستِ مرا می‌خوانند
«من معلّم هستم»
دردِ فهمیدن و فهماندن و مفهوم شدن
همگی مالِ من است.
من معلم هستم.

ثروت بزرگ خلاقیت

شکست در ۳۵ آزمون استخدامی پلکان موفقیت او شد و او را در رأس فهرست کارآفرینان موفق قرار داد. وقتی «دن کان» دانش آموز کالج در دوران تحصیل تصمیم گرفت شغلی برای خودش دست و پا کند با شکست مواجه شد، چرا که هیچ یک از شرکت‌های استخدامی حاضر به پذیرفتن او نشدند و دن در ۳۵ آزمون استخدامی مردود شد.

دن درباره آن سالها می گوید : " خیلی خوب به یاد دارم سال آخر، تمام آرزویم این بود که وارد حوزه مالی شوم و از آن طریق بتوانم پول زیادی کسب کنم ، اما تمام تلاشهای من برای ورود به این زمینه با شکست مواجه شد."

او که تصمیم گرفته بود به هر قیمتی کار با درآمد بالا پیدا کند تمام ۸ ساعت وقت مفیدش را در جستوجوی کار صرف می‌کرد و نا امید نمی‌شد. پس از

فرد مبتلابه آرتروز فکری در هر سن و سالی که باشد
از فکر کردن و خلاقیت و آموختن رنج می‌برد

آرتروز فکری

فارغ التحصیلی نیز تلاش خود را برای یافتن شغل از دست نداد تا اینکه به این نتیجه دست یافت، قبول شدن در آزمون‌های استخدامی شرکت‌های بازرگانی راحت نیست. دن می‌گوید، بالاخره به این نتیجه رسیدم که دو راه بیشتر باقی نمانده است، یکی اینکه به کره مهاجرت کند و به عنوان مدرس زبان انگلیسی استخدام شود یا به عنوان کارآموز در شرکتی در سن فرانسیسکو مشغول به کار شود.
شرکتی که در آن وظیفه جمع‌آوری انتقادات و پیشنهادهای مشتریان را داشت. بالاخره راه دوم را انتخاب کرد. در حال حاضر ۷ سال از آن تصمیم می‌گذرد و دن به یکی از بنیانگذاران سیستم‌های توسعه‌ای این شرکت تبدیل شده و توانسته است سهامی معادل یک بیلیون دلار خریداری کند. بعضی‌ها معتقدند دن بسیار خوش شانس بوده که موفق به کسب چنین موقعیتی شده و برخی دیگر هوشمندی و تلاش وصف نشدنی این مخترع جوان را عامل موفقیتش می‌دانند.
دن کان می‌گوید، پازل هایم را درست چیدم، فقط همین، و بهترین نقشه راه به سوی موفقیت را پیدا کردم. او که در یک خانواده کارآفرین و خلاق رشد یافته ادامه می‌دهد، مادرم درخرید و فروش خانه هوشمندی خاصی داشت او از طریق وام بانکی خانه‌های در حال رشد را می‌خرید و پس از بازسازی می‌فروخت. من و برادرم از ۱۰ سالگی قبل از آنکه نقشه یاب گوگل طراحی شود با کمک کتاب‌های راهنما، موقعیت‌های جغرافیایی را بررسی می‌کردیم و پیش‌بینی رشد قیمت ملک را بررسی کرده و مادرمان را در جریان قرار می‌دادیم. این فعالیت باعث می‌شد تا او ضرر نکند. برادرم جاستین هم کارآفرین است، شاید ژن کارآفرینی در خانواده ما باعث شده است تا لذت رسیدن به موفقیت را تجربه کنیم. تلاش خانواده ام برای درآمدزایی همیشه الهام‌بخش من بوده است.
دن که اکنون یکی از صادر کننده‌های موفق درهای سیلیکونی به شمار می‌رود می‌گوید، همه چیز از طراحی یک ایده ساده شروع شد. من به عنوان یک ناظر ساده و کارآموز در شرکت مشغول به کار شدم، اما مانند سایر ناظران وکارآموزان از ساده ترین مسائل هم نمی‌گذشتم. چرا که باور داشتم در پشت همین ایده‌های به ظاهر بی‌اهمیت و نکات ساده گنجهای بزرگی نهفته است. مادرم همیشه می‌گفت این باور ذهنی تو است که می‌تواند در موقعیت‌های بحرانی از بدترین شرایط بهترین دستاوردها را بسازد. گنجهای بسیاری در اطراف ما قرار داده شده‌اند که باورهای غلط و اعتقاد به ناتوانی باعث می‌شود آنها را نبینیم و از کنارشان به سادگی عبور کنیم.
دن ۲۷ ساله ادامه می‌دهد، من از شکست هراسی نداشتم با اینکه به هوش و توانایی خود ایمان داشتم، از صفر شروع کردم و در همان پایین ترین سطوح کاری، نقص هایی را دیدم که کارفرمایان و کارگران معمولی نسبت به آن توجهی نداشتند از این رو ایده ساخت درهای سیلیکونی را برای افزایش بازدهی محصولات مطرح کردم و در سوددهی قابل توجه محصولات سهیم شدم. دن پس از مطرح کردن درهای سیلیکونی به عنوان طراح بخش‌های پر کاربرد بسیاری در شرکت شناخته شد و نظراتش به سود آفرینی هرچه بیشتر شرکت منجر شد. این متفکر خلاق جوان به مدت ۷ سال توانست بیش از ۱۵ طرح سود زا را در رزومه خود ثبت کند و در حال حاضر سهامی برابر یک بیلیون دلار متعلق به او است.
به اعتقاد دن مهم‌ترین چیزی که شما دارید فقط یک ایده و یا اجرای ایده نیست بلکه داشتن ارتباط خوب با همکاران و کسانی که پشتیبان و همراه شما در این زمینه بوده اند از هر چیزی مهم تر و موثرتر است. زمانی می رسد که شما با مسائل و مشکلات فراوانی برخورد می کنید در این هنگام تنها یک چیز به شما می تواند کمک کند و آن هم آرامش است.
وی می گوید: از تمام کسانی که ۷ سال قبل درخواست شغلی من را رد کردند صمیمانه سپاسگزارم.

آرتروز بیماری‌ای است که به مفاصل حمله می‌کند و نتیجه‌اش این می‌شود که بیمار نمی‌تواند مفاصلش را به‌راحتی تکان دهد.
و اما ...
آرتروز فکری بیماری‌ای است که وقتی به انسان حمله می‌کند، فرد قدرت خلاقیتش را از دست می‌دهد، دیگر نمی‌تواند نوآوری کند، همیشه مستأصل است و قادر به یافتن راه‌حل‌های جدید نیست. مغز هنوز هم این توانایی‌ها را دارد اما چون آرتروز گرفته قادر به تفکر و خلاقیت نیست و نمی‌تواند تمام قدرت خود را به کار بندد.
فرد مبتلابه آرتروز فکری در هر سن و سالی که باشد از فکر کردن و خلاقیت و آموختن رنج می‌برد، نمی‌تواند کتاب بخواند، نمی‌تواند برنامه‌های آموزشی و مفید را تماشا کند و نمی‌تواند از دیگران بیاموزد؛ در چنین حالتی فرد دوست دارد در همین وضعیتی که هست بماند و خود را از هر حرکتی دور می‌دارد. درنتیجه کارها را طوطی‌وار انجام می‌دهد و درنهایت در «تلهٔ روزمرگی» گرفتار می‌شود.

جلوی کسی نپیچ!

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، تحت تأثیر اجتماعی هستیم که در آن زندگی می‌کنیم.
پس اگر رانندگی می‌کنی:
بی‌مورد بوق نزن!
جلوی کسی نپیچ
به حقوق دیگران احترام بگذار و در شرایط سخت و دشوار مهربان باش و از خود صبوری نشان بده.
خودِ من یادم است یکی از شب‌هایی که در تهران رانندگی می‌کردم، دوتا بوق اضافی زدم که لزومی نداشت... و شاید با این کارم افراد دیگر را عصبانی کرده باشم.
نباید این کار را می‌کردم و حواسم هست که دیگر چنین کاری نکنم.
اگر پشت ماشین نشسته‌ای و کسی جلویت پیچید، سریع عصبانی نشو و واکنش متقابل نشان نده.
نخواه که روی او را کم کنی!
آرام باش و به خودت بگو:
«اشکالی ندارد، شاید مریض دارد، شاید عجله دارد، شاید تجربه ندارد، شاید متوجه نیست...»
یک خاطره:
یکی از آن بوق‌هایی که زدم، به‌خاطر این بود که یک ماشین جلوی من پیچیده بود.
کمی جلوتر، هر دو پشت چراغ کنار هم ایستادیم.
من به راننده آن ماشین گفتم:
«آقا چرا می‌پیچی جلوی آدم؟ چرا آدم را عصبانی می‌کنی؟»
ایشان گفت:
«من کجا جلوی شما پیچیدم؟ من دارم راه خودم را می‌روم!»
تازه متوجه شدم که او اصلاً حواسش نیست که جلوی من پیچیده، یعنی با برنامه قبلی نیامده که من را اذیت کند. راه خودش را می‌رود، ولی بد رانندگی می‌کند. در آن هنگام بود که پشیمان شدم که چرا بوق زدم.

کشاورزان زحمتکش در شالیزارهای خود به نشای برنج مشغول هستند. به امید این که از هر دانه نشاء، صدها خوشه برنج سبز شود.

شکفته غنچه مهتاب تو بهشت شالیزاران
سنبله می رقصد به ناز با سرود شالیکاران
شالیزار سبز و بیدار پیرهن عروس پوشیده
عطر خاک عطر مهتاب عطر تازه ی امیده، آه
لای لایی، لای لایی شالیزار امید مایی
لای لایی، لای لایی شالیزار نور خدایی

من چه‌کار کردم؟

محمود معظمی

خیلی وقت‌ها به‌جای اینکه مشکلتان را گردن دیگران بیندازید، فرافکنی کنید، از خودتان و یا دیگران عیب‌جویی و ملامت کنید و ...، باید شجاعانه بایستید و از خودتان بپرسید:
من چه‌کار کرده‌ام که این مسئله بوجود آمده است؟
این‌ها از مسائلی هستند که برای حل آن‌ها باید به خودم برگردم:
چه تصمیماتی گرفته‌ام؟
چه انتخاب‌هایی کرده‌ام؟
اگر این را یاد بگیرم و مسئولیت بپذیرم، آن‌وقت است که کلید هر مشکلی در دست خود من خواهد بود.
بی‌خود این‌سو و آن سو نمی‌رویم و دیگران را مسبب مشکلات خودمان نخواهیم دانست.
اگر من فکرهای مخرب دارم، اگر قلبم ناراحت است، اگر خشم دارم، اگر از آدم‌ها متنفرم، اگر رنجش دارم، اگر معده‌ام دارد سوراخ می‌شود، اگر کمرم دارد می‌شکند، اگر پایم از کار افتاده و... باید بدانم که:
کلیدها، راه‌حل‌ها، بیشتر در خود من و در همین نزدیکی‌ها هستند!
خیلی دور نروید، کلید همراه مشکل آمده است.
این دردها نشانه‌هایی هستند از اتفاقات و یک سری از رفتارها و طرزفکرهایی که مرا امروز به اینجا رسانده‌اند.
این‌ها خودبه‌خود رخ نداده‌اند. اگر هم رخ داده‌اند، به این دلیل است که من این راه را برای زندگی‌ام برگزیده‌ام.
کلیدها در وجود خود من است.
آب در کوزه یعنی همین!
خودت را بپذیر، به خودت احترام بگذار و از خودت بخواه که مسئله را حل کنی.
حتی اگر مسئله به دست دیگران حل می‌شود، این شما هستید که می‌بایست انتخاب کنید که:
به دست چه کسی؟ چه هنگامی؟ و به چه طریقی ارتباط برقرار کنید.
مشکلات را بپذیریم و سهم خود را قبول کنیم و برای حل آن‌ها مسئولیت بپذیریم.

نشریه سازمان بازرسی کل کشور
سال هفتم / شماره ۷۷ / اردیبهشت ۱۳۹۵
صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور
مدیر مسئول: محمدحسین صیرفی نفیس
سردبیر: محمدجواد صلواتی تهرانی

دبیر تحریریه: حسین علی‌پور
گروه تحریریه: یاسر فاتحی، علی فخیمی
صفحه‌آرا: بهروز باقری
امور وب‌سایت: حسین پرنده غیبی
تلفن: ۶۱۳۶۲۸۳۱

نشریه سازمان بازرسی از مطالب همکاران در زمینه‌های مختلف ادبی، شعر، عکس، مقاله و ... استقبال می‌کند.

قالَ الإمامُ المَهدِیُّ المُنتَظَر

اِنّا غَیرُ مُهمِلینَ لِمُراعاتِکُم وَ لا ناسینَ لِذِکرِکُم

ما در مراقبت و مواظبت از شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم.

نیمه شعبان
سالروز ولادت یگانه منجی عالم بشریت گرامی باد